



# زبان و ادبیات دری

صنف یازدهم  
برای مکاتب پشتوزبان



چه خوش گفت پیغمبر راستگوی  
ز گهواره تا گور دانش بجوی

دری صنف یازدهم (برای مکاتب پشتوزبان)



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی	دا وطن افغانستان دی
هر بچی یې قهرمان دی	کور د سولې کور د تورې
د بلوڅو د ازبکو	دا وطن د ټولو کور دی
د ترکمنو د تاجکو	د پښتون او هزاره وو
پامیریان، نورستانیان	ورسره عرب، گوجر دي
هم ایماق، هم پشه بان	براهوي دي، قزلباش دي
لکه لمر پر شنه آسمان	دا هېواد به تل ځلېږي
لکه زړه وي جاویدان	په سینه کې د آسیا به
وایو الله اکبر وایو الله اکبر	نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# زبان و ادبیات دری

صنف یازدهم  
(برای مکاتب پشتو زبان)

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ. ش.

## مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم (برای مکاتب پشتو زبان)

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

## پیام وزیر معارف

اقراً باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویدا است، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می نمایند. در چنین برهه سرنوشت ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت های مهم وزارت معارف پنداشته می شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه های فردای کشور می خواهم تا از فرصت ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن ها در این راه مقدس و انسان ساز موفقیت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مرفعی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

## فهرست

شماره درس	عناوین	صفحه
درس یکم	حمد	۱
درس دوم	نعت	۵
درس سوم	قلب مادر	۹
درس چهارم	امانت‌داری	۱۳
درس پنجم	انواع شعر دری از نظر شکل و قالب	۱۹
درس ششم	بیدل و نمونه کلام او	۲۵
درس هفتم	ضرب‌المثل‌ها و دوبیتی‌ها	۳۱
درس هشتم	نقش زنان در ادبیات معاصر دری	۳۷
درس نهم	علم و عقل	۴۳
درس دهم	اندرزهای سودمند	۴۷

شماره درس	عناوین	صفحه
درس یازدهم	داستان کوتاه	۵۱
درس دوازدهم	انواع شعر دری از لحاظ محتوا	۵۷
درس سیزدهم	مولانا جلال‌الدین محمد بلخی	۶۳
درس چهاردهم	ورزش‌های باستانی افغانستان	۶۷
درس پانزدهم	نصيحة الملوک	۷۳
درس شانزدهم	حیدری وجودی	۷۷
درس هفدهم	بنای باد (داستان کوتاه از اکرم عثمان)	۸۱
درس هژدهم	مثنوی و مثنوی‌سرایان بزرگ	۸۵
درس نوزدهم	نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه	۹۱
درس بیستم	طلاتیپه	۹۷
درس بیست و یکم	عدالت اجتماعی	۱۰۱
درس بیست و دوم	پایگاه انسان	۱۰۷
درس بیست و سوم	محتشم کاشانی	۱۱۱
درس بیست و چهارم	میهنم	۱۱۷
درس بیست و پنجم	قناعت	۱۲۱
درس بیست و ششم	محمود طرزی	۱۲۵
درس بیست و هفتم	تولستوی	۱۲۹
درس بیست و هشتم	طبقات ناصری و مؤلف آن	۱۳۵
	واژه‌نامه (لغت‌نامه)	۱۴۰

شاعران و نویسندگان مسلمان، هر نوشته را با نام پروردگار جهان آغاز کرده اند و بزرگی و بخشاینده گی او را ستوده و سر نیاز بر آستان او نهاده اند، با پیروی از این شیوهٔ پسندیده سر آغاز هر نوشته فصلی است، در ستایش خداوند جان و خرد و در هیچ گنجی گشوده نشود مگر آن که نام آفریده گار هستی کلید آن باشد.

## حمد



حکیم سخن در زبان آفرین  
کریم خطابش پوزش پذیر  
به هر در که شد هیچ عزت نیافت  
به درگاه او بر زمین نیاز  
گنه بیند و پرده پوشد به حلم  
که سیمرغ در قاف، قسمت خورد  
گروهی بر آتش برد ز آب نیل  
تضرع کنان را به دعوت مجیب  
بر اسرار ناگفته، لطفش خیر  
که داند جز او کردن از نیست هست؟  
نه در ذیل وصفش رسد دست فهم  
نه فکرت به غور صفاتش رسد  
بوستان سعدی

به نام خداوند جان آفرین  
خداوند بخشندهٔ دستگیر  
عزیزی که هر کز درش سر بتافت  
سر پادشاهان گردن فراز  
دو کونش یکی قطره در بحر علم  
چنان پهن خوان کرم گسترد  
گلستان کند آتشی بر خلیل  
فرومانده گان را به رحمت قریب  
بر احوال نابوده، علمش بصیر  
به امرش وجود از عدم نقش بست  
نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم  
نه ادراک در کنه ذاتش رسد



\* عزیزی که هر کز درش سر بتافت به هر در که شد هیچ عزت نیافت  
آن ذات یگانه و بی‌نیاز که هر که از درگاه او سر باز زد و نافرمانی نمود، هیچ‌گاه به مقام و منزلت نرسید.

\* گلستان کند آتشی بر خلیل: در این بیت صنعت تلمیح به کار رفته است و آن اشاره دارد به افگندن حضرت ابراهیم علیه السلام در آتش توسط نمروذ.

\* بوستان: منظومه معروفی از آثار شاعر بزرگ حضرت شیخ سعدی (رح) می‌باشد، که آن را در سال (۶۵۵) هـ. ق. سروده و به نام ابوبکر بن سعد بن زنگی ساخته است. این اثر پراچ شامل چندین باب: در عدل و انصاف، احسان و بخشش، عشق و محبت، تواضع و فروتنی، تسلیم و رضا، آداب و تربیت، شکر بر عافیت، توبه و... می‌باشد.

### بخوانیم و بدانیم

- ۱- شاعران و نویسندگان در زبان پارسی دری آغاز هر نوشته را با نام پروردگار جهان نموده اند و بزرگی و بخشاینده‌گی او را ستوده، سر نیاز بر آستان او نهاده اند.
- ۲- حمد به معنای ثنا و ستایش خداوند جل جلاله می‌باشد.
- ۳- دو کونش یکی قطره در بحر علم گنه بیند و پرده پوشد به حلم
- ۴- بوستان از جمله آثار مشهور سعدی شیرازی می‌باشد که آن را در سال (۶۵۵) هـ. ق. نوشته است.

**نامه چیست:** نامه، پیامی است که بنا به ضرورتی برای کسی، مؤسسه و یا مرجعی فرستاده می‌شود. از این رو نامه برآورنده نیازهایی است که در روابط اجتماعی افراد از آن کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، اگر در نامه دقت به خرج رود، افکار، احساسات و عواطف نویسنده در آن

به خوبی منعکس شود، جنبهٔ ادبی نیز به خود می‌گیرد؛ چنانچه بسیاری از نامه‌هایی که هنرمندان و نویسندگان و بزرگان تاریخ نوشته اند، امروز جزء آثار ادبی به شمار می‌رود. نامه‌یی که نوشته می‌شود، می‌تواند بیانگر شخصیت، فرهنگ، ادب، اندیشه، ذوق و سلیقهٔ نویسنده باشد. اثری که نامه در مخاطب می‌گذارد، در بسیاری از موارد، تأثیر آن از نفوذ کلام قوی‌تر است؛ در حالی که گفتار به دلیل شرم حضور، یا آماده‌گی نداشتن گوینده برای رویارویی و گفتگو با اشخاص، ممکن است تأثیر لازم را در شنونده و مخاطب نداشته باشد.

### کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به صورت گروهی در مورد درس جدید باهم صحبت کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر در رابطه به موضوع سخنرانی نماید.

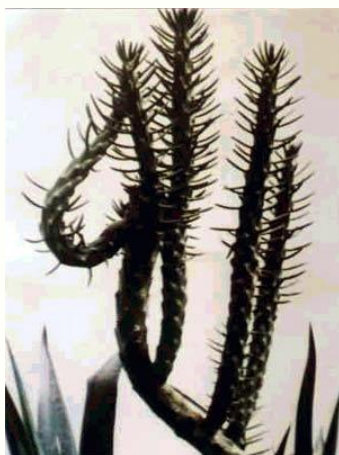
۲- چند شاگرد در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار      هر ورقش دفترست معرفت کردگار

### املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های خود املا بنگارید.

۲- تصویر را با قدرت و عظمت الله ﷻ در خلقت جهان هستی ارتباط داده، در مورد آن یک پارچهٔ ادبی بنویسید.





- ۱- چرا هر کار را با نام خداوند عز و جل آغاز می‌کنیم؟ توضیح دهید.
- ۲- بیت زیر چه مفهومی را ارائه می‌کند؟  
به نام خداوند جان آفرین      حکیم سخن در زبان آفرین
- ۳- در بیت آتی، کدام صنعت ادبی به کار رفته است؟  
گلستان کند آتشی بر خلیل      گروهی بر آتش برد ز آب نیل
- ۴- بوستان سعدی چگونه اثری است؟
- ۵- بوستان سعدی شامل کدام موضوعات است؟
- ۶- نامه چیست؟
- ۷- چرا اهمیت نامه بیشتر از گفتار است؟

## کارخانه‌گی



- ۱- این بیت را به حافظه بسپارید و پیرامون آن یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.  
شکر نعمت، نعمت افزون کند      کفر نعمت از کفت بیرون کند
- ۲- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## درس دوم

شاگردان به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند:

- ۱- درباره نعت چه می‌دانید؟
- ۲- نعت زیر سروده کیست؟
- ۳- پیام شعر حضرت جامی را بیان دارید.
- ۴- ما چرا به راهنمایی رسول خدا ضرورت داریم؟ توضیح دهید.

### نعت



کی بود یارب که رو در یثرب و بطحا کنم	گه به مکه منزل و گه در مدینه جا کنم
بر کنار زمزم از دل بر کشم یک زمزمه	وز دو چشم خون‌فشان آن چشمه را دریا کنم
صد هزاران دی در این سودا مرا امروز گشت	نیست صبرم بعد از این کامروز را فردا کنم
یا رسول الله به سوی خود مرا راهی نمای	تا ز فرق سر قدم سازم ز دیده پا کنم
آرزوی جنت المأوی برون کردم ز دل	جنتم این بس که بر خاک درت مأوی کنم
خواهم از سودای پابوست نهم سر در جهان	یا به پایت سر نهم یا سر در این سودا کنم
مردم از شوق تو معذورم اگر هر لحظه‌یی	جامی آسانم شوق دگر انشا کنم
	جامی

\* یثرب: نام سابق مدینه منوره

\* بطحا: وادی نزدیک مکه معظمه

\* زمزم: آب بسیار، آب فراوان و نام چاهی است در مسجد الحرام در جوار کعبه مکرمه

\* جنت المأوی: یکی از بهشت‌های هفت گانه، در زبان دری آن را جنت مأوی نیز می‌گویند.

\* نورالدین عبدالرحمان جامی یکی از شاعران معروف قرن نهم بوده و در منطقه جام در سال ۸۱۷ هـ. تولد یافته است.

جامی را می‌توان از جمله شاعران متصوف زبان دری خواند که در فنون مختلف و علوم دین، ادب و تاریخ استاد بود. از آثارش یکی دیوان شعر اوست که شامل: قصیده‌ها، غزل‌ها، مرثیه‌ها، ترجیع‌بند، مثنوی‌ها و رباعی‌ها است. اثر دیگرش هفت‌اورنگ است که به تقلید از خمسة نظامی سروده شده که شامل (سلسلة الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری) می‌باشد. از آثار مشهور جامی: نقدالنصوص، نفحات الانس، لوايح، لوامع، شواهد النبوة، اشعة اللمعات و بهارستان می‌باشد.

### بخوانیم و بدانیم

- ۱- نعت در لغت به معنای وصف کردن و در اصطلاح وصف پیامبر اکرم ﷺ را گویند.
- ۲- مسلمانان همیشه به راهنمایی پیامبر آخرالزمان ضرورت دارند.
- ۳- هر مسلمان آرزو دارد که به زیارت حضرت محمد ﷺ شرفیاب گردد.
- ۴- جامی از شاعران مشهور قرن نهم است که در منطقه جام تولد یافته است.
- ۵- آثار منظوم جامی عبارت اند از دیوان اشعار که شامل: قصاید، غزلیات، مراثی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است و دیگر هفت‌اورنگ که شامل پنج مثنوی بوده و به تقلید از خمسة نظامی سروده شده است.

**ضرورت نامه نگاری:** به طور معمول همه ما گاهی نیاز پیدا می کنیم پیامی را از طریق نامه برای یکی از دوستان یا خویشاوندان یا مؤسسه‌ی رسمی و اداری و یا... بفرستیم. نامه، چه به صورت تحریری روی کاغذ و چه به صورت پست برقی (ایمیل) باشد، یکی از آسان‌ترین و ارزان‌ترین راه‌های ارتباط است. به همین دلیل، آشنایی با اصول آن ضروری است.

هیچ شخص باسواد نیست که در زنده‌گانی خود به نوشتن نامه نیاز نداشته باشد. در واقع نامه وسیله‌ی است که به کمک آن می‌توانیم با هر کس که بخواهیم بدون روبه رو شدن و از فاصله دور گفتگو کنیم؛ به‌خصوص در کارهای رسمی و اداری، نامه گره‌گشای دشواری‌ها است؛ زیرا نامه وسیله برقراری ارتباط است. اگر تقاضایی داشته باشیم یا بخواهیم پاسخی بدهیم، گزارشی تهیه کنیم، خلاصه در هر مورد، نامه زبان گویای ما است. علاوه بر آن در ارتباط‌های خانوادگی و دوستانه نیز نامه، بهترین وسیله است.

### کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نعت و شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف بیاید و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کند.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم محترم به خوانش می‌گیرد، به‌صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان در مورد اهمیت نامه‌نگاری و ضرورت آن چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی



- ۱- نعت در لغت و اصطلاح چه معنا دارد؟ توضیح دهید.
- ۲- در بارهٔ پیامبر آخر زمان چه می‌دانید؟ تشریح کنید.
- ۳- مولانا جامی کی بود؟
- ۴- جامی چه آرزویی را در نعت بر سر می‌پروراند؟ توضیح دهید.
- ۵- آیا بدون پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توانیم سعادت دارین را نصیب شویم؟ توضیح دهید.
- ۶- ضرورت نامه‌نگاری در زنده‌گی چیست؟ شرح دهید.

## کارخانه‌گی



- ۱- در بارهٔ سیرت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
ما را چراغ دیده خیال محمد صلی الله علیه و آله است      خرم دلی که مست وصال محمد صلی الله علیه و آله است  
اهلی شیرازی

## درس سوم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

۱- درباره جایگاه مادر نزد فرزندان، به گونه مختصر معلومات دهید.

۲- پسر نافرمان با مادرش چه کرد؟

۳- سرانجام عکس العمل قلب مادر پیرامون پرسش چه بود؟ توضیح دهید.

۴- ایرج میرزا کی بود؟

### قلب مادر

داد معشوقه به عاشق پیغام	که کند مادر تو با من جنگ
هرکجا بیندم از دور، کند	چهره پرچین و جبین پرآزنگ
با نگاه غضب‌آلوده زند	بر دل نازک من تیر خدنگ
از در خانه مرا طرد کند	همچو سنگ از دهن قلماسنگ
مادر سنگدلت تا زنده است	شهد در کام من و تست شرنگ
نشوم یک‌دل و یک‌رنگ ترا	تا نسازی دل او از خون رنگ
گر تو خواهی به وصالم برسی	باید این ساعت، بی‌خوف و درنگ
روی و سینه تنگش بدری	دل برون آری از آن سینه تنگ
گرم و خونین به منش باز آری	تا برد زآینه قلبم زنگ
عاشق بی‌خرد ناهنجار	نه بل آن فاسق بی‌عصمت و ننگ
حرمت مادری از یاد ببرد	مست از باد و دیوانه ز بنگ
رفت و مادر را افگند به خاک	سینه بدرید و دل آورد به چنگ
قصد سرم‌نزل معشوقه نمود	دل مادر به کفش چون نارنگ
از قضا خورد دم در به زمین	واندکی سوده شد او را آرنگ
آن دل گرم که جان داشت هنوز	اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ
از زمین باز چو برخاست نمود	پی برداشتن دل آهنگ
دید کز آن دل آغشته به خون	آید آهسته برون این آهنگ
آه دست پسرم یافت خراش	وای پای پسرم خورد به سنگ
	ایرج میرزا



\* شاهزاده ایرج میرزا یکی از شاعران معاصر زبان فارسی است.  
 \* ایرج به اسلوب قدما شعر می‌گفت؛ ولی در سبک خود به نو آوری‌هایی نیز دست یافته است. آثار باقی‌مانده ایرج میرزا به چهار هزار بیت می‌رسد. مثنوی‌های مشهور وی عارف‌نامه، زهره و منوچهر، قطعه مادر و غیره می‌باشد. وی در سال ۱۲۹۱ هـ. ش. تولد و در سال ۱۳۴۴ هـ. ش. دیده از جهان فرو بست.

### بخوانیم و بدانیم

- ۱- جنت زیر پای مادران است.
- ۲- از دیدگاه اسلام، مادر جایگاه خاصی دارد.
- ۳- با وجود نافرمانی فرزند، باز هم مادر نمی‌خواهد خاری در پای فرزندش بخلد و سنگی به پایش بخورد.
- ۴- مادر، نخستین مدرسه‌یی است که نسل‌های بشری در آن تربیه می‌شوند.
- ۵- نقش مادر در حیات جامعه بی‌نهایت تأثیر گذار است.

### آیین نامه نگاری

برای نوشتن نامه، اصول زیر را باید در نظر داشت:

- ۱- آن‌چه را که می‌خواهیم بنویسیم، طرحش را ابتدا در ذهن خود آماده سازیم، کم و زیادش کنیم، وقتی که برای ما کامل روشن شد، قلم و کاغذ بگیریم و مسوده آن را تهیه کنیم.
- ۲- هر واژه‌یی را که می‌خواهیم به کار ببریم، باید معنایش را بدانیم. این کار باعث می‌شود که از به کار بردن واژه‌های ناآشنا دوری کنیم؛ اگر گاهی مجبور می‌شویم واژه‌یی را به کار ببریم که معنایش برای ما روشن نیست، به فرهنگ لغات مراجعه کنیم.

۳- جمله‌ها را تا جایی که ممکن است کوتاه بنویسیم؛ زیرا جمله کوتاه باعث می‌شود که در نخست رشته نوشتن از دست ما نرود و از سوی دیگر، خواندن و فهمیدن آن برای خواننده آسان باشد.



۴- قواعد دستور زبان، املا و نشانه‌های تحریری را به کار برده و رعایت کنیم.

۵- هنگامی که مسوده نامه تمام شد، یک بار آن را بخوانیم و اصلاحش کنیم.

۶- برای پاک‌نویس کردن نامه، باید به این نکات توجه کنیم:

الف) در دو سمت راست و چپ کاغذ، به اندازه دو سانتی‌متر، باید حاشیه بگذاریم.  
ب) نوشتن اولین قسمت را که می‌خواهیم شروع کنیم، باید از حاشیه هم اندکی به طرف داخل صفحه برویم؛ مثال اگر دو سانتی‌متر حاشیه گذاشته‌ایم، اولین قسمت را از چهار سانتی‌متر شروع کنیم. این نکته را باید در نوشتن هر پاراگراف رعایت کنیم و یا میان پاراگراف‌ها، به اندازه یک سطر را سفید بگذاریم.

ج) باید خوانا بنویسیم؛ یعنی دندانه‌ها و نقطه‌های حرف‌ها را به اندازه و در جایش بگذاریم و بین کلمه‌ها به اندازه کافی فاصله‌گذاری را رعایت نماییم.  
د) پس از ختم پاک‌نویس، یک بار دیگر آن را بخوانیم.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مهر و محبت مادر نسبت به فرزند به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف بیاید و نتیجه را به دیگران بیان کند.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف بیاید و در باره چگونگی اشعار ایرج میرزا معلومات دهد.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کند.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در بالا خواندید، متن یک نامه کامل را در کتابچه تان بنویسید.



- ۱- در باره حقوق مادر چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
- ۲- چرا قلب مادر در هر صورت برای فرزندش می‌تپد؟
- ۳- پیرامون زنده‌گی نامه ایرج میرزا معلومات مختصر ارائه دارید.
- ۴- کدام اصول را برای نوشتن نامه باید در نظر گرفت؟
- ۵- برای پاک‌نویس نامه باید به کدام نکات توجه نماییم؟

## کارخانه‌گی



- ۱- یک نمونه از خلاصه زنده‌گی نامه خود را مطابق به قواعدی که خواندید، بنویسید.
- ۲- این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:  
دید کز آن دل آغشته به خون      آید آهسته برون این آهنگ  
آه دست پسرم یافت خراش      وای پای پسرم خورد به سنگ
- ۳- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس چهارم

درس امروز توسط یکی از شاگردان طوری معرفی گردد که پرسش‌های زیر را پاسخگو باشد:

- ۱- امانت‌داری شامل ادای کدام مسؤولیت‌ها می‌گردد؟
- ۲- آیا رعایت امانت‌داری به مفهوم کلی می‌تواند در پیشرفت جامعه نقشی داشته باشد؟ چگونه؟
- ۳- امانت‌داری در گسترش صلح و امنیت نقش دارد یا خیر؟ در پایان درس پرسش‌ها از چند شاگرد پرسیده شود.

## امانت‌داری

یکی از ویژه‌گی‌های اخلاقی جامعه سالم، رشد یافته و به‌هم‌پیوسته؛ گسترش عادت امانت‌داری در میان افراد آن است، که بنیاد برخی از عوامل اساسی گلایه‌مندی‌ها و نگرانی‌ها، رواج خصومت‌ها، جرم و جنایت و گسترش خیانت، در میان انسان‌ها بر عدم رعایت آن استوار است.

دانشمندان، علمای اخلاق، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بدین امر اتفاق نظر دارند که، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌های اخلاقی برای فرد و جامعه امانت‌داری است و تمام جوامع بشری در مورد اهمیت و منزلت والای اخلاقی امانت‌داران و زشتی و حقارت خیانت‌کاران اتفاق نظر دارند؛ اما در این‌جا این پرسش مطرح است که امانت‌داری چیست؟ حد و حدود آن کدام است و از چه جایگاهی در زنده‌گی اجتماعی برخوردار می‌باشد؟

امانت‌داری را نمی‌توان تنها از کوچک‌ترین و محدودترین زاویه آن که حفظ و نگهداری مطلوب از اموال سپرده شده است دید که اگر آن را به صورت کامل در اختیار صاحبش قرار داد، انسان امانت‌دار و در غیر آن خیانت‌کار محسوب شود. چنین چیزی هر چند بخشی از معانی امانت‌داری را بیان می‌کند؛ اما جزء بسیار محدود و اندک آن به شمار می‌آید. خداوند متعال در آیات متبرکه فرموده است که ترجمه آن چنین است: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم؛ اما همه از پذیرش آن خودداری کردند و از آن دچار هراس شدند؛ ولی انسان زیر بار آن رفت، آنان (اگر به مسؤولیت امانت‌داری خود عمل ننمایند) به راستی ستم‌کار و نادانند» (الاحزاب آیه ۷۲).

مقصود از امانت در این آیت تنها محافظت از اموال به امانت گذاشته‌شده دیگران نیست و نص آیت مبارکه این را نمی‌رساند؛ بلکه منظور از امانت در آن چیزی است که غیر از انسان، طبیعت و دیگر مخلوقات نظام هستی‌پذیری آن نیست و این انسان است که با توجه به طبیعت و توانایی‌هایش دارای ویژه‌گی بردوش گرفتن آن امانت می‌باشد؛ پس معلوم می‌شود

که این موضوع چیزی است که با روح و سرشت انسان پیوند دارد و درست‌ترین معنای امانت که در این آیه متبرکه آمده است، التزام به مسؤولیت‌های اجتماعی و ادای آن‌ها به بهترین صورت است و این مفهوم صحیح چیزی است که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از تحمل آن خودداری ورزیده‌اند و از تمام جهان هستی این تنها انسان به حیث اشرف مخلوقات است که می‌تواند در مورد غریزه‌ها و خواست‌های خود اظهار نظر کند و تصمیم بگیرد، آن‌ها را تابع موازین خیر و حق بگرداند و در روابط اجتماعی به تعهدها و وعده‌های خود عمل کند و در جهت گسترش اعتماد متقابل میان انسان‌ها تلاش نماید؛ چنانچه در مورد ادای این مسؤولیت و رسالت کوتاهی نماید، به امانت الهی خیانت کرده و زمینه تباهی و ناهنجاری را فراهم نموده و به خود و جامعه‌یی که در آن زنده‌گی می‌کند ستم ورزیده و در قسمت پیامدهای زیان‌بار خیانت بر زنده‌گی مردم بی‌توجهی نشان داده است.

بر همین اساس امانت‌داری شامل ادای همه مسؤولیت‌ها و تعهدهای اخلاقی و اجتماعی می‌شود. برای مثال «عقل و خرد» امانت الهی است که به انسان سپرده شده است، اگر انسان بر مقتضای آن عمل کرده و آن را به دانش و معرفت بیاراید، به بهترین صورت در مورد آن امانت‌داری کرده است.

پدر و مادر، همسر و فرزند و همه کسانی که با ما پیوند خویشاوندی دارند، امانت الهی نزد ما هستند که حمایت از سعادت، رعایت حقوق و دریغ نورزیدن اندرز و نصیحت و فراهم‌آوری زمینه‌های خیر و سعادت شان و همچنان بازداری آن‌ها از شر و بدی، خود ادای مسؤولیت و ادای امانت به نحوه درست آن است. در برابر جامعه‌یی که در آن زنده‌گی می‌کنیم نیز مسؤول تلاش برای گسترش آرامش، صلح و آشتی، هم‌دیگرپذیری و رعایت حقوق انسانی افراد آن هستیم، تنها این تلاش است که از امانت اجتماع امانت‌داری می‌کند. کوتاهی در این تلاش خیانتی به امانت مردم است.

دین هم امانتی می‌باشد که امانت‌داری آن بر عهده همه مسلمانان، به ویژه عالمان شریعت سپرده شده است؛ چنانچه آن را به راستی برای مردم بیان کنند و آن را از تحریف مصون بدارند و حق و خیر موجود در آن را شرح دهند، که در این صورت آنان به راستی حامی و مدافع بهترین ارزش‌ها و مفاهیم امانت در زنده‌گی‌اند.

علم و دانش موجود در نزد عالمان و دانشمندان امانتی از امانت‌های الهی است اگر راه‌های کسب و بهره‌مندی از آن را برای مردم فراهم کردند و برای کشف اسرار آفرینش تلاش نمودند و از دست‌آوردهای علمی خود در راستای رفاه و خیر بشر بهره گرفتند از امانت‌ها به خوبی حراست کرده‌اند؛ اما اگر علم را در راستای گسترش هراس و نگرانی و ایجاد آسیب و مشکلات برای بشریت به کار بردند، در واقع از خیانت‌پیشه‌گان به شمار رفته، به خواری و سرافکنده‌گی دچار شده و مورد نفرین الهی قرار می‌گیرند.

ثروت و دارایی مردم نیز امانت به شمار می‌رود؛ در صورتی که به درستی در آن دخل و تصرف بنمایند و حقوق اجتماعی آن را ادا کنند، صاحبان آن انسان‌های صادق و امانت‌دار به شمار می‌آیند و در دنیا دارای نام نیک و در آخرت از نعمت‌های ماندگار خداوند ﷻ برخوردار خواهند گردید. بدین صورت، ملاحظه می‌نماییم که امانت‌داری همهٔ امور زنده‌گی را سر و سامان می‌دهد و همهٔ عرصه‌های اندیشه، آداب، همکاری اجتماعی، سیاست و اخلاق را در راه درست آن قرار می‌دهد و از ناهنجاری و انحراف مصون می‌دارد.

ادای درست مسؤولیت‌ها، اخلاص و پشت‌کار در وظیفه نیز از مهم‌ترین جلوه‌های امانت‌داری است. انسان امانت‌دار، کارش را به بهترین وجه انجام داده تلاش می‌نماید تا تقصیری از او در به سر رساندن اموری که به او سپرده شده صورت نگیرد.

سپردن کار به اهل آن و گماشتن اشخاص کارفهم و واجد شرایط در کارها و مسؤولیت‌ها چه رسمی و چه غیر رسمی نیز نمونهٔ دیگری از امانت‌داری به مفهوم وسیع و درست آن است که تقصیر و کم‌توجهی به آن باعث بروز مشکلات زیاد می‌شود.

واژهٔ امانت‌داری و مسؤولیت‌های ناشی از آن بر اساس بزرگی مسؤولیت انسان بزرگتر و وسیع‌تر می‌شود؛ طور مثال زمامداران و حاکمان یک کشور باید دارای بلندترین درجات اخلاق امانت‌داری باشند تا امور کشور و ملت به درستی به پیش رود و در حفاظت از دین، جان و مال، آبرو، حیثیت، پیشرفت، آسایش و رفاه مردم خلل و نقصی به وجود نیاید.

پدر و مادر در سرپرستی و رعایت حقوق و تربیت سالم اطفال که در نزد آنان امانت اند مسؤولیت بسیار بزرگ دارند و اگر خدا نخواست در تربیت و تعلیم درست اطفال شان غفلت کنند، امانت‌داری را رعایت نکرده اند.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی باید در نقل حقایق و اخبار کمال دقت و امانت‌داری را رعایت نموده و چیزی را به نشر نسپارند که به دین، اخلاق و ارزش‌های پسندیده و مقبول جامعه ضرر رسانده و باعث شیوع امراض و مفساد اخلاقی و اجتماعی در جامعه گردیده و نسل‌های امروز و فردا را به سوی انحراف و تباهی بکشاند.

رعایت عدل و انصاف در دستگاه‌های عدلی و قضایی کشور و تطبیق نظام و قانون به صورت درست و یک‌سان بر همه، شکل دیگر امانت‌داری است. پابندی افراد جامعه به نظم و قانون و رعایت آن در زنده‌گی اجتماعی و احترام به حقوق دیگران نیز از برجسته‌ترین نمونه‌های امانت‌داری محسوب می‌شود.

مراعات این حدود راز سعادت و سربلندی ملتها و عدم رعایت آن زمینه‌ساز بدبختی و خواری ایشان می‌باشد.

امت اسلامی در بر دوش گرفتن صادقانهٔ امانت‌های الهی و التزام به مسؤولیت‌های ایمانی پیشگام بوده و بهترین امت در مقایسه با دیگر ملتها به شمار می‌رود.

چنانکه زنی در زمان رسول اکرم ﷺ دزدی کرده بود، خانواده‌اش برای جلوگیری از اجرای مجازات

او یکی از اصحاب را برای میانجی‌گری نزد پیامبر ﷺ فرستادند؛ اما رسول اکرم ﷺ خشمگین شد و فرمود: «ای مردم! چیزی که باعث نابودی ملت‌های پیشین گردید، این بود که هرگاه آدم دارای مقام و منزلتی دزدی می‌کرد، او را رها می‌کردند و کاری به کار او نداشتند؛ اما چنانچه آدم عادی مرتکب دزدی می‌گردید، او را رها نمی‌کردند و مجازات می‌نمودند؛ ولی سوگند به کسی که جان محمد در اختیار اوست اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی کند، بدون تردید محمد دست او را قطع خواهد کرد.» بخاری و مسلم

به همین‌گونه، صدها مثال از زنده‌گی صحابه کرام در دست است که نمایانگر امانت‌داری آن‌ها در جامعه می‌باشد.



✽ «الأحزاب» نام یکی از سوره‌های قرآن مجید

### بیاموزیم

- ۱- بنیاد برخی از عوامل اساسی نگرانی‌ها، رواج خصومت‌ها، جرم و جنایت و گسترش پدیده خیانت در میان انسان‌ها بر عدم رعایت امانت‌داری استوار است.
- ۲- یکی از معنای امانت‌داری نگاهداری چیزهای سپرده شده و سپردن آن به صورت کامل در اختیار صاحبش است.
- ۳- التزام به مسؤولیت‌های اجتماعی و ادای آن به بهترین صورت، امانت‌داری گفته می‌شود.
- ۴- عقل و خرد، امانت الهی است که به انسان سپرده شده. اگر انسان بر مقتضای آن عمل کرده و آن را به دانش و معرفت بیاراید، به بهترین صورت در مورد آن امانت‌داری کرده است.



### آداب نامه‌نگاری

- ۱- در نامه‌های دری، نوشتن مطالب از سمت راست آغاز می‌شود. عنوان در سمت راست و امضا باید در سمت چپ باشد.
- ۲- به طور عموم تاریخ و شماره نامه در سمت چپ قرار دارد. در نامه‌های شخصی نیازی به

- ذکر آدرس در متن نامه نیست؛ ولی در ادارات، نامه‌ها در ورق‌های رسمی (نشاندار) نوشته می‌شوند که آدرس اداره در پایین صفحه ذکر شده است.
- ۳- به یاد داشته باشید که در نامه‌های زبان انگلیسی آدرس گیرنده را سمت راست، بالای صفحه بنویسید و زیر آن تاریخ بزنید. عنوان باید در سمت چپ و امضا در سمت راست باشد.
- ۴- نامه‌های خود را تایپ نکنید.
- ۵- نوع قلم نامه‌نگاری نشان‌دهنده میزان احترام شما به دریافت‌کننده نامه است. هرگز با پنسل نامه ننویسید. بهترین قلم، خودرنگ است. در مکاتباتی که چندان رسمی نیستند می‌توانید از خودکار استفاده نمایید.
- ۶- دقت کنید که از کلمه‌های مناسب استفاده کنید. ایجاز و اختصار بهترین روش نامه‌نگاری است؛ البته مختصرگویی نباید منجر به نارسایی شود.
- ۷- به یاد داشته باشید که نامه‌ها معرف شخصیت شما هستند و بعضی از نامه‌ها سال‌ها نگهداری می‌شوند.
- ۸- اگر در آدرس نامه، عنوان خاصی برای شخص به کار رفته؛ مثال «جناب آقای دکتر احمدی» در سرنامه هم باید همان عنوان را استفاده کنید. هرگز هنگام امضای نامه برای خود، عنوان (آقا / خانم) را به کار نبرید.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون اهمیت و نقش امانت‌داری در جامعه به بحث و گفتگو پرداخته؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده، نتیجه مباحثه گروه خویش را به دیگران بیان نماید.
- ۳- چند شاگرد تصویر را با موضوع امانت‌داری ارتباط داده، در مورد سخنرانی کنند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم محترم به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با درنظرداشت قواعدی که در بالا خواندید در کتابچه‌های تان متن یک نامه کامل را



بنویسید و آداب نامه‌نگاری را در آن رعایت کنید.



### خود آزمایی



- ۱- امانت چه معنا دارد؟
- ۲- به نظر شما امانت‌داری در برگیرنده کدام موضوعات است؟
- ۳- خیانت در امانت چه نتایجی را به وجود می‌آورد؟ بیان کنید.
- ۴- اگر کار به اهل آن سپرده نشود، جامعه به کدام بحران مواجه خواهد شد؟
- ۵- آدابی که باید در نامه‌نگاری رعایت شوند کدام‌ها اند؟

### کارخانه‌گی



- ۱- در باره امانت‌داری یک مقاله بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
آسمان بار امانت نتوانست کشید  
قرعه فال به نام من دیوانه زدند  
حافظ
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس پنجم



- شاگردان به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند:
- ۱- شعر را تعریف نموده و انواع آن را نام بگیرید.
  - ۲- درباره تشبیب و تخلص چه می‌دانید؟
  - ۳- فرق میان غزل عاشقانه و عارفانه چیست؟
  - ۴- مطلع در شعر را توضیح دهید.
  - ۵- ترجیع‌بند و ترکیب‌بند چیست؟



### انواع شعر دری از نظر شکل و قالب



قبل از بیان انواع شعر از نظر شکل و قالب به توضیح اصطلاحات مربوط به آن می‌پردازیم:

**شعر:** گره‌خورده‌گی عاطفه و تخیل است که دارای اندیشه بوده و در زبان آهنگین شکل گرفته باشد.

**فرد (بیت):** گاه ممکن است که شاعر تمام مقصود خود را تنها در یک بیت گفته باشد که آن را در اصطلاح شعرا، بیت فرد یا تک بیت می‌گویند؛ مانند:

مردی نه به قوت است و شمشیرزنی      آن است که جوری که توانی نکنی  
**دوبیتی:** دو بیت هم وزن است که از نظر شکل همانند رباعی می‌باشد. موضوع و درون مایهٔ دوبیتی عاشقانه و عارفانه است.

بهار آمد ولی دلبر نیامد      هم آواز دلم دیگر نیامد  
تمام خویش را فیاد کردم      صدا از سینه بالاتر نیامد

به این نوع شعر در درس‌های بعدی پرداخته شده است.

**رباعی:** رباعی شعری است که چهار مصراع دارد و دربرگیرندهٔ موضوع واحد است. رعایت قافیه در سه مصراع رباعی حتمی و در مصراع سوم اختیاری می‌باشد. وزن مشهور رباعی «مفعول مفاعیل مفاعیلن فاع» یا «لا حول ولا قوة الا بالله» است.

نمونه

هرگز دل من ز علم محروم نشد      کم ماند ز اسرار که معلوم نشد  
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز      معلوم شد که هیچ معلوم نشد

**مثنوی:** شعری است طولانی که دارای یک وزن باشد؛ اما قافیه در هر بیت مستقل می‌باشد. تعداد بیت‌های مثنوی محدود نیست و از این‌رو برای بیان افسانه‌ها، حماسه‌ها، تاریخ و موضوعات عشقی غنایی و عرفانی به کار می‌رود.

از جمله مهم‌ترین مثنوی‌های زبان فارسی: مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی، مثنوی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و مثنوی‌های نظامی گنجوی.

اینک چند بیت از مثنوی مولوی:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند	از جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا بریده‌اند	وز نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق	تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر کسی کو دور ماند ز اصل خویش	باز جوید روزگار وصل خویش
من به هر جمعیتی نالان شدم	جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
هر کسی از ظن خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
سرمن از ناله من دور نیست	لیک چشم و گوش را آن نور نیست
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست	لیک کس را دید جان دستور نیست
آتش است این بانگ نای و نیست باد	هر که این آتش ندارد نیست باد

**قصیده:** نوع شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع (بیت اولی) که هر دو مصراع آن هم‌قافیه و در موضوع معینی؛ چون ستایش یا نکوهش سروده شده باشد و نیز ممکن است موضوع قصیده، جنبه اخلاقی، عرفانی، فلسفی و غیره داشته باشد. ابیات قصیده را به طور متوسط میان ۲۰ تا ۸۰ بیت و بیشتر از آن حدود صد و پنجاه بیت گفته‌اند.

قصیده سه بخش دارد: ۱- تشبیب یا تغزل ۲- مخلص یا گریزگاه ۳- حسن طلب یا دعاییه  
بیت اول قصیده را «مطلع» و بیت آخر آن را «مقطع» نامند. ابتدای اکثر قصاید؛ مانند غزل، با وصف طبیعت آغاز می‌شود. از این‌رو، مقدمه قصیده را تغزل یا تشبیب گویند.  
غالب قصاید شعرای بزرگ؛ چون: فرخی، عنصری، خاقانی، ناصر خسرو و ملک الشعرا بهار مزین به تغزل و تشبیب است.

در قصیده، نظر شاعران بیشتر متوجه اشخاص و مقصود معین؛ چون: مدح، پند و اندرز، شادباش و تعزیت بزرگان زمان بوده و در موارد بسیاری به توصیف انبیا و اولیای دین اختصاص یافته است.

به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای      کنون که نوبت توست ای ملک، به عدل گرای  
تو مرد باش و ببر با خود آنچه توانی      که دیگرانش به حسرت گذاشتند به جای

**غزل:** یکی از قالب‌های شعر دری غزل است که دارای مطلع مصرع (که مصراع‌های بیت اول هم‌قافیه‌اند) می‌باشند تعداد بیت‌های غزل به طور متوسط محدود میان پنج تا پانزده بیت است. غزل، مانند قصیده دارای تغزل و تشبیب بوده و در وصف طبیعت، عشق

و مضامین اخلاقی و عرفانی سروده می‌شود. فرق میان غزل و تغزل در قصیده، آن است که ابیات تغزل باید همه مربوط به یک موضوع باشد؛ اما در غزل تنوع مطالب ممکن است و برخی این تنوع را شرط غزل شمرده اند. شاعر در اخیر تغزل قصیده نام ممدوح را یاد می‌نماید؛ اما در غزل شاعران در گذشته، به جای نام ممدوح، نام خود را می‌آوردند. از بهترین غزل‌های فارسی دری، غزل‌های سعدی، حافظ، مولوی و... است. در نوع غزل از نظر معنا و مضمون به مرور زمان تحول بزرگی روی داد، معانی عالی عرفانی و اخلاقی و حکمت وارد غزل دری گردید.

حسن تخلص در غزل به منزله جمله معترضه است که یکی دو بیت آخر غزل را به این امر اختصاص می‌دهند و با ذکر ستایش ممدوح، غزل را به پایان می‌رسانند.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست	بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ای آفتاب حسن برون آ، دمی ز ابر	کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
گفتی ز ناز: بیش مرنجان مرا برو	آن گفتنت که بیش مرنجانم آرزوست
والله که شهر بی‌تو مرا حبس می‌شود	آواره‌گی و کوه و بیابانم آرزوست
زین هم‌رهان سست‌عنصر دلم گرفت	شیر خدا و رستم‌دستانم آرزوست
دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر	کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند: یافت می‌نشود جسته ایم ما	گفت: آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست
پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست	آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

از دیوان شمس

**قطعه:** شعری است کوتاه، که از نظر قافیه مانند قصیده است؛ اما معمولاً مطلع آن هم قافیه نمی‌باشد و بیشتر در پند، اندرز و مطالب اخلاقی سروده می‌شود، با این تفاوت که قطعه از نظر تعداد ابیات محدود است؛ ولی ابیات قصیده گاهی تا ۲۰۰ و ۳۰۰ بیت می‌رسد. تعداد ابیات قطعه را از دو تا پانزده بیت نوشته اند.

زمانه پندی آزادوار داد مرا	زمانه را چو نکو بنگری همه پند است
به روز نیک کسان غم مخور زنهار	بسا کسا که به روز تو آرزومند است

رودکی

یا

دوست مشمار آن که در نعمت زند	لاف یاری و برادر خوانده گی
دوست آن باشد که گیرد دست دوست	در پریشان حالی و درمانده گی

سعدی

**مسمط:** چند مصراع هم‌قافیه و یک مصراع مستقل‌القافیه است که چند بار با قافیه‌های متفاوت تکرار می‌شود و در این تکرار مصراع‌های مستقل‌القافیه با هم، هم‌قافیه اند.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است      باد خنک از جانب خوارزم وزان است  
آن برگ رزان است که بر شاخ رزان است      گویی به مثل پیرهن رنگ‌رزان است  
دهقان به تعجب سر انگشت گزان است      کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلزار

**مستزاد:** شعری است که در آخر هر مصراع رباعی یا غزل و قطعه و امثال آن جمله مسجعی بیاورند که در وزن بدان احتیاجی نباشد؛ ولی در معنا با مصراع ارتباطی داشته باشد؛ مانند:

گر حاجت خود بری به درگاه خدا      با صدق و صفا  
حاجات ترا کند خداوند روا      بی چون و چرا  
ز نهار مبر حاجت خود بر در خلق      با جامه دلوق  
کز خلق نیاید کرم و جود و عطا      بی شرک و ریا  
سنا

**ترجیع‌بند:** آن است که اشعار از چند قسمت مختلف تشکیل شده باشد؛ همه در وزن یکی و در قوافی مختلف، یعنی چند بیت با یک وزن و قافیه بگویند، مانند غزل و در پایان آن یک بیت با قافیه جداگانه بیاورند که با بیت‌های پیش در وزن متحد و در قافیه مخالف باشد و همین‌طور این عمل را چند بار تکرار کنند و آن بیت منفرد باید در فواصل عیناً تکرار شود، این نوع شعر را ترجیع‌بند و بیت فاصله را بند ترجیع یا بند گردان گویند. ترجیع‌بند هاتف اصفهانی با این مطلع:

ای فدای تو هم دل و هم جان      وی نثار رخت هم این و هم آن  
که یکی هست و هیچ نیست جز او      وحده لا اله الا هو

**ترکیب‌بند:** ترکیب‌بند مثل ترجیع‌بند است، با این تفاوت که بیت‌های فواصل با یکدیگر فرق دارد و بیت ترکیب نه ثابت است و نه با خانه ترکیب از نگاه قافیه هماهنگی دارد و نه با بیت‌های دیگر ترکیب؛ مانند:

ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی با این مطلع و بند ترکیب:

باز این چه شورش است که در خلق عالم‌ست      باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم‌ست  
خورشید آسمان و زمین نور مشرقین      پرورده کنار رسول خدا حسین  
**شعر آزاد:** شعری را که از اصول و قواعد شعر کهن پیروی نمی‌کند به نام شعر آزاد یاد می‌کنند. شعر آزاد فارسی دری دو شکل متمایز دارد: یکی شعر نیمایی است و دیگری شعر سپید یا منثور.

✱ **تشبیب:** یاد شباب و جوانی کردن، ذکر احوال روزگار جوانی، آوردن ابیاتی از عشق و جوانی یا وصف طبیعت در ابتدای قصیده.

✱ **تغزل:** غزل سرایی کردن، اشعار عاشقانه سرودن، سخنان عاشقانه گفتن، عشق ورزیدن.

✱ **مخلص (گریزگاه):** که آن را رهایی یا گریزگاه نیز می‌گویند، آن دو بیت است که تغزل قصیده را به قسمت بعدی قصیده که مدح است ارتباط می‌دهد. اگر این اتصال مقدمه به قسمت اصلی یا تنه قصیده، یعنی مدح، به واسطه ابیات بلند و زیبا به نحوی استادانه و لطیف صورت گیرد، می‌گویند که شعر دارای صنعت خُسن تخلص است؛ مانند: این تخلص از قصیده مختاری که آن را شمس قیس رازی از «تخلصات نادر بلیغ» خوانده است:

دی باز در تفکر آنم که باد را      با تاب سنبل سمن آرای تو چه کار  
گر نیز گرد زلف تو گردد بسوزمش      از وصف آتش سر شمشیر شهریار

### بیاموزیم

- ۱- انواع شعر دری از نظر شکل و قالب؛ شامل: فرد، دوبیتی، رباعی، مثنوی، قصیده، غزل، قطعه، مسمط، مستزاد، ملمع، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و شعر آزاد می‌باشد.
- ۳- مثنوی، اشعاری است طولانی که دارای یک وزن است؛ اما قافیه در هر بیت عوض می‌شود. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست.

### • مأخذ و مراجع املائی، انشایی و دستوری

همان‌گونه که پیش از این یادآوری شد، نگارش نامه‌یی درست، افزون بر آگاهی به ساختار و شکل ظاهری آن، مستلزم دانستن نکات و قواعد نگارشی درست زبان دری در این زمینه‌ها است. دانستن نشانه‌گذاری، دستور زبان و املائی درست واژه‌ها، به کاربردن واژه‌های مناسب، آشنایی نسبت به ساختار زبان دری و پرهیز از نارسایی‌ها و اشتباهات مختلفی که امروز در برخی از نوشته‌ها به دلیل غفلت و ناآگاهی و کم‌توجهی، فراوان مشاهده می‌شود. به همین منظور، لازم است، حد اقل با برخی از کتاب‌های مربوط آشنا باشید تا بتوانید مشکلات احتمالی خود را با مراجعه به این کتاب‌ها برطرف کنید. از این رو، در زیر، نام چند کتاب مربوط به این فن را می‌آوریم؛ تا در صورت نیاز به این کتاب‌ها مراجعه کنید.

۱- دستور معاصر زبان دری، نوشته پوهاند دکتور محمد حسین یمین

- ۲- غلط ننویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، نوشته ابوالحسن نجفی  
 ۳- روش املاي زبان دری، پذیرفته اتحادیه نویسندگان (به کوشش پویا فاریابی)  
 ۴- دستور زبان معاصر دری نوشته محمد نسیم نگهت سعیدی

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از نظر شکل و قالب به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه بحث را به دیگران بیان نماید.  
 ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون تشبیب، تغزل و تخلص (مخلص) معلومات دهد.  
 ۳- چند شاگرد در مورد قالب و محتوای بیت‌های زیر دو دقیقه صحبت کنند.  
 عیب است بزرگ بر کشیدن خود را    وز جمله خلق برگزیدن خود را  
 از مردمک دیده باید آموخت    دیدن همه کس را و ندیدن خود را  
 (خواجه عبدالله انصاری)

## املا و نگارش

متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.  
 با در نظر داشت قواعدی که در بخش آیین نامه‌نگاری خواندید، متن یک نامه کامل را در کتابچه‌های تان بنویسید.



انواع شعر دری را نام بگیرید.  
 در مورد قصیده چه می‌دانید؟ بیان کنید.  
 فرق میان دوبیتی و رباعی را بیان کنید.  
 برخی از مثنوی‌سرایان مشهور زبان و ادبیات دری را نام بگیرید.

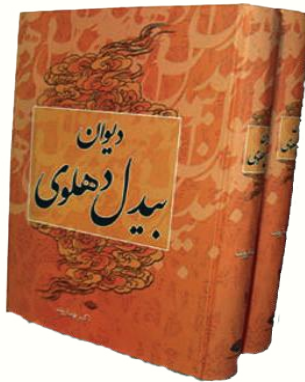


ترجیع‌بند و ترکیب‌بند را تعریف نموده و هر یک را با مثال واضح سازید.  
 بیت زیر، را به حافظه بسپارید.  
 به نام خداوند جان و خرد    کزین برتر اندیشه بر نگذرد  
 متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

از شاگردان این پرسش‌ها به عمل آورده شود:

- ۱- بیدل کی بود؟
- ۲- مهم‌ترین آثار او چه نام دارد؟
- ۳- شما شعر او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

## بیدل و نمونه کلام او



ابوالمعانی میرزا عبدالقادر «بیدل» فرزند میرزا عبدالخالق، یکی از شاعران غزل‌سرای عرفانی و فلسفی زبان دری، در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در شهر عظیم‌آباد پتنه در هند چشم به جهان هستی گشود. او که از ترکان چغتایی قبیله (برلاس) می‌باشد، نیاکانش از آسیای میانه به افغانستان آمدند. در ولسوالی ارگوی بدخشان سه قریه به نام‌های برلاس چنار، برلاس شمرو و برلاس کور چشمه وجود دارد که نیاکان بیدل برلاسی از آسیای میانه با لشکریان امیر

تیمور و یا ظهیرالدین محمد بابر آمده و در آن‌جا سکونت اختیار کردند و از این‌جا به سرزمین هند رخت سفر بستند. میرزا عبدالقادر «بیدل» چهار سال و نیم بیش نداشت که پدرش را از دست داد و کاکایش «میرزا قلندر» که خود از صوفیان باصفا بود تربیت و سرپرستی او را به عهده گرفت. «بیدل» در کنار میرزا قلندر با مبانی تصوف آشنایی لازم پیدا کرد؛ همچنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای پدر بهره‌ها برد.

بیدل هنگامی که سیزده سال بیش نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاهجهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک، شاهد درگیری‌های فرزندان شاهجهان بود. بیدل همراه با مامای خود (میرزا ظریف) در سال



۱۰۱۷ هـ. ق. به شهر «کتک» مرکز اورپسه رفت. دیدار شگفت‌انگیز «شاه‌قاسم هواللهی» و بیدل در این سال از مهم‌ترین وقایع زنده‌گی او به شمار می‌رود. وی سه سال در اورپسه از فیوض معنوی شاه‌قاسم بهره برد.

او در سال ۱۰۷۵ هـ. ق. به دهلی رفت. بیدل در خدمت یکی از شهزاده‌گان آن روزگار شهزاده اعظم به خدمت نویسنده‌گی مشغول شد و در همان زمان شعر هم می‌گفت؛ چون شهزاده از وی خواست که او را در قصیده‌یی بستاید، بیدل از این کار سر باز زد و از خدمت دستگاه او کناره گرفت. یک چند در شهرهای هند به سیاحت پرداخت و سرانجام در حدود سال ۱۰۹۶ هـ. ق. در دهلی اقامت گزید. بیدل پس از آن زنده‌گی آرام و بی‌حادثه‌یی را با آزاده‌گی و قناعت به سر برد. زنده‌گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرایش شعر گذشت و منزل او در شاه‌جهان‌آباد محل تجمع عاشقان و عارفان و شاعران اهل فکر و ذکر و ادبا و دوست‌داران سخن‌دری بود. در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی عرفان پرداخت و با وجود آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکر عرفانی و آفرینش‌های عرفانی باز نماند؛ تا این‌که به سال ۱۱۳۳ هـ. ق. در سن هفتاد و نه ساله‌گی چشم از جهان بست.

**آثار و سبک شاعری بیدل:** کلیات آثار بیدل پرحجم است و انواعی چند از نظم و نثر را شامل می‌شود. از بیدل علاوه بر دیوان غزل‌هایش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که به بیش از صد هزار بیت می‌رسد مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

آثار منثور عبارتند از: چهارعنصر و رقعات و نکات و مراسلات.

آثار منظوم عبارتند از: ۱- مثنوی عرفان ۲- مثنوی محیط اعظم ۳- مثنوی طلسم حیرت،

۴- مثنوی طور معرفت ۵- رباعیات

بیدل در شعر پیرو سبک هندی می‌باشد.

## زبان شعری بیدل

در شعر بیدل، بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است؛ همچنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان در عین ایجاز و اجمال است. به گونه‌یی که خواننده او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازه کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بیننده آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و ناآشنایی می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرندگان و راه‌هایی که در آن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید. بیشترین شهرت بیدل در قلمرو فرهنگ دری چه در افغانستان، تاجیکستان و ایران و چه در هندوستان، مدیون دیوان اشعار، به ویژه غزلیات خیال‌انگیز و پرمضمون اوست که در خیال‌پردازی و نازک‌خیالی اندیشه‌های شاعرانه و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاهی دور از ذهن شگفتی‌آفرین است. شعر او، به ویژه غزل‌ها و مثنوی‌هایش، رنگ عرفانی تندی دارد که در پاره‌یی موارد رنگ فلسفی به خود می‌گیرد. ویژه‌گی عمده شعر بیدل مشتمل بر مضمون‌های متنوع و استفاده‌های رنگین و خیال‌انگیز و سرشار از تخیل رمزآمیز شاعرانه است. خلاصه، بیدل را می‌توان شهسوار سخن دری در قلمرو این زبان دانست. میرزا اسدالله خان غالب، بیدل را بحر بی‌کران و علامه اقبال او را مرشد کامل دانسته است.

## ویژه‌گی‌های شعر بیدل

- از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر (بیدل) می‌توان به کارگیری از نمادها و تلمیحات، توصیف طبیعت و تازه‌گی زبان شعری و عرفانی اشاره کرد.  
آن‌چه کلکم می‌نگارد محض صوت و حرف نیست  
هوش می‌باید که دریابد زبان بیدلی
- از خصوصیات ممتاز دیگر شعر بیدل، کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که

برای درک درست از شعر او ناگزیر باید با شیوه کاربرد ترکیب‌های وی مأنوس و آشنا بود؛  
به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سرد را مانم  
اثرپرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم

ترکیب‌های کاروان اشک و اثرپرداز داغ، ساخته ذهن و زبان و ابداع بیدل است. بیدل در نوشته‌های خود کلمات هستی، عدم و آینه را به کثرت به کار برده است که بنابر آن به نام شاعر آینه‌ها نیز یاد می‌شود؛ مثال: وی ترکیب‌های از قبیل: آینه‌خانه، آب آینه، آینه‌خو، آینه حسن، غبار آینه، خیال آینه و... را به کار برده است.

### نمونه کلام بیدل

خار غفلت می‌نشانی در ریاض دل چرا  
می‌نمایی چشم حق‌بین را ره باطل چرا  
بحر توفان جوشی و پرواز شوخی موج تست  
مانده ای افسرده و لب‌خشک، چون ساحل، چرا  
غربت صحرای امکانت، دو روزی بیش نیست  
از وطن یکباره گشتی این‌قدر غافل چرا  
ابر، اینجا می‌کند از کیسه دریا، کرم  
ای توانگر! بر نیاری حاجت سایل چرا  
خط سیر آبی ندارد مسطر موج سراب  
بیدل! این دل بسته‌گی بر نقش آب و گل چرا



**صوفی:** کسی که پیرو طریقه تصوف باشد، پشمینه‌پوش، پیروان طریقه تصوف، اهل طریقت، فرقه‌یی از مسلمانان اند که مسلک آنان ریاضت، عبادت، تزکیه نفس، پیمودن مراحل اخلاص

و کسب معرفت است. آن‌ها معتقد اند که با عبادت، ریاضت و تزکیه نفس می‌توان به حق و حقیقت راه یافت.

عارف: شناسنده، دانا، صبور، شکیبا، حکیم ربانی، خدانشناس، عرفا جمع، کسانی که پیرو عرفان باشند. عرفان به معنای شناختن، شناختن حق تعالی، خدانشناسی.

### بیاموزیم

۱- ابوالمعانی میرزا عبدالقادر «بیدل» یکی از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای عرفانی و فلسفی، زبان و ادبیات فارسی دری است.

۲- تعداد بیت‌های بیدل از صد هزار تجاوز می‌کند.

۳- مهم‌ترین آثار او عبارت اند از: طور معرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهار عنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.

۴- باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به‌کارگیری ترکیب‌های نو، تشخص بخشیدن به اشیای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه شاعران گذشته، تازه‌گی زبان شعری و توصیف طبیعت از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر بیدل است.

۵- بیدل آیینۀ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش به تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ. ق. به خاموشی گرایید.



• **انواع نامه‌ها:** نامه‌ها را نظر به مضمون، محتوا، پیام و سایر مشخصات آن به چند دسته تقسیم کرده اند، که در زیر از هر یک آن‌ها نام می‌بریم:

۱- نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

۲- نامه‌های دوستانه

۳- نامه‌های عاطفی

۴- نامه‌های اشخاص به دفترهای رسمی

۵- نامه‌های دفاتر رسمی به اشخاص (مکتوب‌ها)

- ۶- نامه‌های آگاهی‌بخش و غیره  
با در نظر داشت همه موارد یادشده، در مجموع نامه‌ها به دو دسته عمومی تقسیم می‌شوند:
- ۱- نامه‌های خصوصی
  - ۲- نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

### ✍ املای نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید در کتابچه‌های تان یک نامه دوستانه بنویسید.



- ۱- بیدل در کجا تولد شده است؟
- ۲- بیدل در کدام سال تولد در کجا و در کدام سال وفات کرده است؟
- ۳- در باره آثار منظوم بیدل چه می‌دانید؟
- ۴- در باره آثار منثور بیدل چه می‌دانید؟
- ۵- نیاکان بیدل در اصل از کجا بودند؟
- ۶- یکی از عمده‌ترین خصوصیات شعر بیدل را با ارائه مثال بیان نمایید.
- ۷- انواع نامه‌ها را نام بگیرید.

### کارخانه‌گی

- ۱- خلاصه زنده‌گی نامه بیدل را بنویسید و با خود در صنف بیاورید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
بیدل از معناترازی بر کمال خود ملاف      گرد ساحل باش کاین موج از محیط دیگر است
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

سؤال‌های آتی از شاگردان پرسیده شود:

- ۱- ضرب‌المثل چیست؟
- ۲- دربارهٔ دوبیتی‌ها چه می‌دانید؟
- ۳- آیا ضرب‌المثل‌ها جزء ادبیات فولکلور و فرهنگ مردم اند؟ توضیح دهید.
- ۴- آیا دوبیتی‌ها جزء اشعار محلی و عامیانه اند؟ توضیح دهید.

### ضرب‌المثل‌ها و دوبیتی‌ها

ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاه و زیبایی‌اند که در میان مردم و از تجارب زنده‌گانی مردم پدید آمده و با زنده‌گی مردم پیوند ناگسستنی دارند. این جمله‌های کوتاه زیبا، مولود اندیشه و دانش مردم بوده و میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته است که دست به دست و زبان به زبان به آینده‌گان می‌رسد و آنان را با آمال و آرزوها، غم و شادی، عشق و محبت ایمان و صداقت گذشته‌گان آشنا می‌سازد.

زبان شیرین دری، از لحاظ ضرب‌المثل‌ها و امثال و حکم، از غنی‌ترین زبان‌های زندهٔ دنیا به شمار می‌رود. امثال و حکم عامیانه از دیرباز در ادبیات منظوم و منثور کشورهای دری‌زبان راه باز کرده است و کمتر شاعری دری‌زبان است که در سخنان خود این ضرب‌المثل‌ها را به کار نبرده باشد.

ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات، جزء لاینفک هر زبان و فرهنگی است و هر کس که خواهان فراگیری زبان باشد، ناگزیر از آموختن آن‌ها نیز است. ضرب‌المثل‌ها، منعکس‌کنندهٔ حکمت و اخلاق یک ملت است که در طی قرون و اعصار به وجود آمده و حوادث و عوامل روانی و تاریخی در آن نفوذ داشته است و گنجینه‌یی است که در سال‌های طولانی، تجربیات و حکمت یک قوم را در خود جمع نموده و از همین ضرب‌المثل‌ها می‌توان به سجایای اخلاقی و سوابق تاریخی اقوام پی برد.

از آن‌جایی که ضرب‌المثل‌ها کوتاه و به یادماندنی هستند، افرادی که حتا سواد خواندن و نوشتن را ندارند صدها ضرب‌المثل را در گفتار خود به کار می‌برند. از سویی، کوتاهی ضرب‌المثل‌ها باعث گردیده تا زودتر در حافظه جای گرفته و از یک نسل به نسل دیگری و از یک زبان

به زبان دیگری راه پیدا کند. وقتی به بررسی و جمع‌آوری آن‌ها همت گماشته شود، مشاهده می‌گردد که تشابه فراوانی بین امثال و حکم یک زبان با زبان دیگری موجود هست. به طور مثال مشابهت زیادی بین ضرب‌المثل‌های زبان فارسی دری و انگلیسی و یا عربی و دیگر زبان‌ها دیده می‌شود. این مسأله در کشورهای همجوار بیشتر به چشم می‌خورد؛ البته غافل از این مسأله نباید بود که جوهر وجود انسان‌ها در همه جا تقریباً یکی است و در بسیاری از مسایل مشترک است؛ مانند: محبت، گرسنه‌گی، تشنه‌گی و دیگر مفاخر و مصایب زنده‌گی که تشابه زیادی با هم دارند؛ بنابر آن در زبان آن‌ها نیز نزدیکی‌های فراوان و مشارکت‌های گوناگون دیده می‌شود. ضرب‌المثل‌ها در اصل، بخشی از ادبیات فولکلور و چیزی است که اغلب در زنده‌گی روزمره به کار می‌رود و مبین استمرار تجربیات بشر برای نسل‌های آینده است. توجه کنید به نمونه‌یی از ضرب‌المثل‌ها:

۱- آتشت ما را گرم نکرد؛ ولی دودت ما را کور کرد.

۲- آن‌چه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند.

۳- ابروگشاده باش، چو دستت گشاده نیست.

۴- احتیاج، مادرِ ایجاد است.

۵- سالی که نکوست از بهارش پیداست.

۶- زیر کاسه، نیم‌کاسه است.

۷- دایه دل‌سوزتر از مادر و کاسه داغ‌تر از آتش.

۸- با یک گل بهار نمی‌شود.

۹- از تو حرکت، از خدا برکت.

۱۰- چاه‌کن در چاه است.

۱۱- با دوستان مروت، با دشمنان مدارا.

۱۲- با کهنه خود بساز که نو مردم گران است.

**دوبیتی:** شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی؛ اما در وزن فرق دارد.

به عبارت دیگر، دوبیتی از هر جهت؛ مانند «رباعی» است، با این تفاوت که رباعی بر وزن «لا حول و لا قوة الا بالله» می‌باشد. رباعی بیشتر برای بیان اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و عشقی به کار می‌رود. دوبیتی بیشتر به گونه اشعار محلی و عامیانه سروده می‌شود و حکایت

از عشق و محبت دارد؛ بیشتر برای بیان احساسات بی‌شایبه و عشق‌های ساده و بی‌ریا با کلمات شکسته و محاوره‌یی مناسب است. دوبیتی را گاه افراد غیر شاعر هم به اقتضای احساسات و هیجانات درونی خویش سروده اند که از نظر فرهنگ‌ها و ادبیات عامیانه ارزش فراوانی دارد. دوبیتی را ترانه نیز گفته اند.

البته در مجموع، رباعی و دوبیتی برای بیان مضامین و مطالب کوتاه و مختصر به کار می‌رود.

#### مثال‌هایی از دوبیتی

ز دست دیده و دل هر دو فریاد	که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد	زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

\*\*\*

مکن کاری که بر پا سنگت آید	جهان با این فراخی تنگت آید
چو فردا، نامه‌خواهان نامه خواهند	تو را از نامه‌خواندن ننگت آید

\*\*\*

شرار تیغ در خون هشته پهلوی	به جان زنده‌گی آذر کشیده
ز صحراها ستیغ کوهساران	چو فریادش به گردون سر کشیده

\*\*\*

شبی از سوز دل گفتم قلم را	بیا تحریر کن درد دلم را
قلم گفتا برو بیچاره عاشق	نداری طاقت این کوه غم را

\*\*\*

به سر غلطان به هر سو بادپایی	ز بس باران تیر و زخم زوبین
ز هر سو درخم پیچان کمندی	سواری سرنگون از کوهه زین

\*\*\*

به سوی قرن‌های دور پندار	روان هنگام‌ها از پی شتابان
جدا در دست هر هنگام شمعی	فروزنده بیابان تابابان



## بیاموزیم

- ۱- ضرب‌المثل‌ها در میان مردم و از زنده‌گانی مردم پدید می‌آید و با زنده‌گی مردم پیوند ناگسستنی دارند.
- ۲- ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاه و زیبایی اند که مولود اندیشه و دانش مردم عام و میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته می‌باشد.
- ۳- از روی ضرب‌المثل‌ها که انعکاس دهنده حکمت و اخلاق یک ملت است، می‌توان به سجایای اخلاقی و سوابق تاریخی اقوام و ملل پی برد.
- ۴- جوهر وجود انسان‌ها در همه جا یکی است و در بسیاری از مسایل مشترک می‌باشد؛ مانند: محبت، گرفتاری، گرسنه‌گی، تشنه‌گی و دیگر مسایل و مصایب.
- ۵- دوبیتی، شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی بوده؛ اما در وزن فرق دارد.
- ۶- دوبیتی از هر جهت مانند رباعی است؛ با این تفاوت که بیشتر دوبیتی بر وزن (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) و رباعی بر وزن (مفعول مفاعیل مفاعیلن فاع) یا «لا حول و لا قوة الا بالله» می‌باشد.

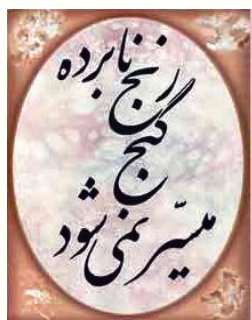
## • نامه‌های خصوصی

چنانکه از نام‌شان پیداست، به نامه‌هایی گفته می‌شود که میان دوستان، نزدیکان و خویشاوندان مبادله می‌شود. نامه خصوصی باید خشک و رسمی‌گونه نباشد و از هر گونه تعارف و تکلف و خودنمایی مبرا و مظهر صفا، صداقت و صراحت باشد؛ تا بر مهر و محبت بیفزاید، نه

این که از آن کدورتی به میان آید. نامه‌هایی که به بزرگ‌ترها می‌نویسیم، باید توأم با احترام و محبت باشد. نامه‌هایی که به کوچک‌ترها می‌نویسیم باید از عطف و مهربانی حکایت کند و بالاخره نامه هم‌سالان و همپایه‌گان، باید آئینه اخلاص و صمیمیت باشد.

رعایت ادب و حرمت در همه انواع نامه‌ها ضروری است. هر یک از نامه‌های تسلیت، تبریک، دعوت و غیر آن، باید به مقتضای حال، نمایشگر همدردی یا خوشحالی نویسنده و شرکت وی در غم و شادی مخاطب باشد. در نامه باید از مقدمه طولانی و پرگویی و بحث‌های بی‌مورد پرهیز نموده و نباید وقت خواننده را تلف کرد و نیز نباید نامه را چنان مختصر و تلگرافی نوشت که خواننده از فهم منظور عاجز بماند و یا دلالت بر سردی، کم‌مهری و بی‌اعتنائی نویسنده کند؛ همچنان از شکوه و شکایت و شرح ناکامی‌ها و ناسازگاری‌های روزگار و گرفتاری‌های شخصی حتی‌الامکان باید احتراز نمود.

### کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون ضرب‌المثل‌ها به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در باره دوبیتی‌ها معلومات دهد.

۳- در مورد این که انسان‌ها در بسیاری از مسایل، عواطف و احساسات مشترک دارند، گفتگو کنید.

۴- در مورد تصویر دو دقیقه در برابر صنف سخنرانی کنید.

### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید، در کتابچه‌های تان یک نامه دوستانه به خواهر یا برادرتان بنویسید.



- ۱- در باره ضرب المثل ها چه می دانید؟ توضیح دهید.
- ۲- چند ضرب المثل بیان کنید.
- ۳- چند دوبیتی را که به یاد دارید بیان کنید.
- ۴- فرق میان دوبیتی و رباعی چیست؟ واضح سازید.
- ۵- نامه خصوصی کدام نوع نامه را می گویند.
- ۶- تا به حال به کسی نامه نوشته اید؟ به کی و در چه مورد بیان کنید.



- ۱- چند دوبیتی و ضرب المثل در کتابچه های خود بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید.  
در همه احوال به غم یا نشاط      هیچ گاه از دست مده احتیاط
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. نقش زنان در ادبیات از چه زمان آغاز گردید؟

۲. نخستین داستان نویسنده زن کی بود؟

۳. چه عواملی باعث کمرنگ بودن حضور زنان در عرصه ادبیات شده بود؟

۴. نام چند تن از زنان شاعر و نویسنده معاصر را به یاد دارید؟

## نقش زنان در ادبیات معاصر دری افغانستان

حضور زنان در ادبیات ما با نام رابعه بلخی آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام زنان دیگر سخنور کمتر بر می‌خوریم. شاید همزمان با او و پس از او زنان سخنور دیگری هم بوده اند؛ اما نظر به دلایل گوناگون، نام آن‌ها ثبت تاریخ ادبیات نگردیده است. تنها در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم است که جسته و گریخته، نام چند شاعر زن؛ مانند: عایشه درانی، آمنه فدوی، محبوبه هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم، که محدودیت در تعداد این نام‌ها نیز وابسته به اوضاع و شرایط آن روزگار می‌تواند باشد.

در آن دوره زمانی، محدودیت‌های اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی، فضا را برای ابتکارات زنان تنگ می‌کرد، زنان یا چنان گرفتار امور خانه بودند که نمی‌توانستند کارهایی را که توانایی آن را داشتند، انجام بدهند و یا هنوز در اندیشه پرداختن به ادبیات نیفتاده بودند. برخی هم که می‌نوشتند، خود را در پشت نام‌های مستعار پنهان می‌کردند. فضا چنان بود که آنان به نوشتن ترغیب نمی‌شدند؛ زیرا امکانی برای نشر آثار خود نمی‌دیدند. زنان در آن دوره هنوز امکان گشایش درهای مراکز ادبی را به روی خود نیافته بودند و شرکت آنان در جنبش ادبی، بسته‌گی به موقعیتی داشت که در جامعه به دست می‌آوردند.

در اوایل سده بیستم میلادی، گروه کوچکی از زنان تحصیل کرده آغاز به گشودن مکتب‌های دختران و تدریس کردند. کانون‌های زنان را بنیاد نهادند و مجله‌های ویژه

خود را منتشر کردند.

نخستین بار در زمان سلطنت امان الله خان بود که دختران و زنان در تاریخ شکل‌گیری و انکشاف معارف عصری افغانستان، وارد این عرصه شدند. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹ هـ. ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا بنیان گذاشته شد؛ سپس در سال ۱۳۰۲ هـ. ش. مکتب مستورات در شهرآرای کابل گشایش یافت. دخترانی که در خانه به طور خصوصی تحصیل کرده بودند، به صنف بالاتر و دیگران به صنف پایین‌تر شامل شدند و بعد از مدتی یک تعداد آن‌ها برای تحصیلات عالی به کشورهای ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند. در همین سال با تلاش و ابتکار ملکه ثریا، مجله ویژه زنان به نام ارشادالنسوان تأسیس گردید. مکتب مستورات که بعداً در سال ۱۳۲۱ هـ. ش. به لیسه ملالی تغییر نام داد، از آغاز تا امروز در تنویر افکار زنان افغان، نقش شایسته‌یی را ایفا کرده است. تا آن‌جا که حتا بسیاری از زنان آگاه، منور، شاعر و نویسنده معاصر ما از همین مکتب فارغ شده‌اند.

در اواسط سده بیستم بود که با پیدایش کانون‌های آموزشی جدید و برخورداری زنان از فرصت‌های آموزشی همسان با مردان و پدید آمدن نشریات ویژه شان، ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

خوشبختانه ما امروز شاهد زنان بسیاری هستیم که در عرصه ادبیات افغانستان، موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورده و از اعتبار و موقعیت بسیار خوبی برخوردار گردیده‌اند و تقریباً همدوش و همراه با مردان در مراکز علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... حضور فعال دارند. نه تنها در عرصه شعر و شاعری نام‌های ماندگاری را می‌بینیم که ما را به آینده امیدوارتر می‌سازد؛ بلکه در عرصه داستان‌نویسی هم چهره‌های درخشانی عرض وجود کرده‌اند.

## داستان‌نویسی

آغاز روند ادبیات داستانی افغانستان از زمان شکل‌گیری آن به شکل نو و سبک‌های رایج ادبی این صد سال اخیر، به سال ۱۳۰۰ ه. ش. بر می‌گردد، که از آن زمان تاکنون فراز و فرودهای بسیاری در پیوند با تغییر نظام‌های سیاسی و متعاقب آن تغییرات اجتماعی و فرهنگی کشور داشته است. با نوشتن داستان «جهاد اکبر» در سال ۱۳۰۰ ه. ش. و چاپ آن در مجلهٔ معارف، داستان‌نویسی ظهور خود را در افغانستان آشکار و تا سال ۱۳۳۰ ه. ش. گاه‌گاهی به صورت تک‌جرقه‌هایی در مطبوعات، چهره‌نمایی کرد؛ پس از پایان دههٔ بیست و آغاز دههٔ سی، آهسته‌آهسته داستان‌نویسی با شیوهٔ نسبتاً جدید در مطبوعات جا باز نمود. با توجه به حرکت زمان و اوضاع جهانی، از دههٔ چهل تا اکنون با تمام دشواری‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان، داستان به رشد و بالندگی خود ادامه داده است.

زنان از دههٔ چهل به این سو، مجدّانه به ادبیات داستانی روی آورده و در این عرصه قلم زده‌اند. نخستین داستانی که توسط یک نویسندهٔ زن «خانم ماگه رحمانی» نوشته شده بود، در سال ۱۳۴۰ ه. ش. انتشار یافت؛ پس از آن داستان‌های دیگری از نویسندگان زن به وجود آمد که بسیاری از آن‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور منتشر شد، که این روند همچنان تا هنوز ادامه دارد.

## بخوانیم و بدانیم

- ۱- حضور زنان در ادبیات ما با نام «رابعهٔ بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر بر می‌خوریم.
- ۲- در اواخر قرن نهم و آغاز قرن بیستم، نام چند شاعر زن دیگر؛ مانند: عایشهٔ درانی، آمنهٔ فدوی، محبوبةٔ هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم.
- ۳- اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹ ه. ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکهٔ ثریا تأسیس شد و در ۱۹ جدی ۱۳۰۰ ه. ش. مکتب مستورات در شهر آرای کابل گشایش یافت.

۴- در اواسط سده بیستم بود که ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.



### • بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی

معمولاً نامه‌های خصوصی دارای بخش‌هایی اند که ترتیب آن به صورت زیر است:

۱- آدرس گیرنده (آدرس مرسل الیه)

۲- تاریخ

۳- عنوانی که در خطاب به گیرنده نامه نوشته می‌شود.

۴- آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)

۵- متن نامه

۶- پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)

۷- نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او

۸- آدرس فرستنده (آدرس مرسل)

۹- امضا (در صورت لزوم)

معمولاً بخش‌هایی از آن چه گفتیم، فقط بر روی پاکت نوشته می‌شود؛ مانند: آدرس

فرستنده و گیرنده و بخش‌هایی هم بر روی پاکت و هم روی نامه نوشته می‌شود؛ مانند:

مشخصات نویسنده نامه، تاریخ و عنوان گیرنده.

### کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان در مورد راه‌های رشد داستان‌نویسی زنان باهم گفتگو کرده، نکات پیشنهادی

خود را در ورقه‌یی یادداشت کنند؛ سپس یک تن شان در مورد آن به سخنرانی بپردازد.

۲- شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد ویژگی‌های آثار ادبی مردان و گروه

دوم در مورد ویژه‌گی‌های آثار ادبی زنان با هم به گفتگو پرداخته، نکات مورد نظر را یادداشت نموده و بعد یک تن از هر گروه در برابر صنف قرار گرفته و در مورد آن صحبت کند.

۳- شاگردان در مورد مفهوم بیت‌های زیر سخنرانی کنند:

زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید      فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان

برای گردن و دست زن نکو پروین      سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان

پروین اعتصامی

## املا و نگارش

۱- متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.

۲- تصویر را با موضوع زنان و دانش‌های نوین ارتباط داده، در مورد آن متن ادبی بنویسید.







- ۱- نقش زنان در ادبیات ما از کدام زمان آغاز یافته است؟
- ۲- کدام شاعران زن در آغاز قرن بیستم، در ادبیات ما درخشیده است؟
- ۳- کدام عوامل باعث شده است که در گذشته‌ها، زنان به کارهای ادبی نپرداخته و در عصر کنونی در این عرصه بیشتر بدرخشند؟
- ۴- نخستین مکتب ابتدایی دختران در افغانستان، در کدام زمان، با چه نام و توسط چه کسی افتتاح گردید؟
- ۵- در کدام زمان، ورود زنان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد؟
- ۶- بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی را نام بگیرید.



- ۱- در مورد راه‌های رشد فعالیت‌های زنان در عرصه ادبیات متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
- ۲- بیت‌های زیر را به حافظه بسپارید:  
ای برده‌ها ز خویش بلالی برآورید      از کاروان روح کمالی برآورید  
ای دختران بادیه، ای هم‌رهان من      از هجر سرنوشت وصالی برآورید  
خالده فروغ
- ۳- متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس نهم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

- ۱- شعر علم و عقل از کدام شاعر است؟
- ۲- اولین بیت سطر علم و عقل چه معنا دارد؟
- ۳- از مفهوم کلی بیت چه آموختید؟

### علم و عقل

خاتم مُلک سلیمان است علم	جمله عالم صورت و جان است علم
آدم خاکی ز حق آموخت علم	تا به هفتم آسمان افروخت علم
هین مکش تو بر هوی این بار علم	تا شوی راکب تو بر رهوار علم
علم‌های اهل دل حمال شان	علم‌های اهل تن احمال شان
علم چون بر دل زند یاری شود	علم چون بر تن زند ماری شود
علم دریایی ست بی‌حد و کنار	طالب علم است غواص بحار
صیقل عقلت بدان داده است حق	که بدو روشن کنی دل را ورق
گفت پیغمبر که احمق هر که است	او عدوی ما و غول و رهن است
هر که او عاقل بود، او جان ماست	رُوح او و رُوح او ریحان ماست
آفت مرغ است چشم کام‌بین	مخلص مرغست عقل دام‌بین

عقل خود با عقل یاری یار کن  
«أَمْرُهُمْ شُورَى» بخوان و کار کن

از مولانای بلخی

توضیحات

\* علم در لغت به معنای یقین کردن، دانستن، معرفت و دانش است و در اصطلاح معرفت

دقیق و بادلیل بر کیفیات معین و یا حضور معلوم در نزد عالم.

\* عقل در لغت دریافتن، دانستن، قوت ادراک حسن اعمال و تمیز نیک و بد امور را گویند و در اصطلاح، عقل جوهری است مجرد که غایبات را به وسیله وسایط و محسوسات را به وسیله مشاهده درک می کند و نیز گویند چیزی که حقایق اشیا را دریابد.

\* خاتم سلیمان: انگشتری بی که سلیمان علیه السلام در دست داشت و به وسیله آن بر انسان ها و تمام دیوان و جانوران پادشاهی می کرد. صنعت تلمیح آن است که گوینده در ضمن شعر به قصه یا مثلی معروف اشاره کند.

«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» اشاره به آیه ۳۸ سوره شوری است.

ترجمه: و کار شان در میان شان مشورت است.

بیت دوم: اشاره است به آیه ۳۱ سوره بقره.

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۳۱)

ترجمه: و [خدا] همه [معانی] نام ها را به آدم آموخت؛ سپس آن ها را بر فرشته گان عرضه نمود و فرمود اگر راست می گویند از اسامی این ها به من خبر دهید.

نظر به فحوای آیه کریمه استنباط می شود که مقام آدم علیه السلام بلندتر از ملائک است.

## بیاموزیم

۱- آموختن و آموختاندن علم و دانش باعث سرافرازی انسان در دنیا و آخرت می گردد و روح انسان را جاویدان می سازد. بر ما لازم است تا در کسب علم و دانش کوشش نماییم و اندوخته های خویش را در راه خیر و فلاح مردم و کشور خود به کار ببریم.

### • بخش‌های اصلی نامهٔ شخص به دفتر رسمی

این گونه نامه، نوع دیگری از نامه‌هاست، که ما آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. این گونه نامه‌ها چه در بیان تقاضا و طلب باشد و چه در بیان آگاهی و یا پرسش، دارای بخش‌هایی است مانند بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی با اندکی تفاوت که در زیر به شرح آن می‌پردازیم:

- ۱- نشانی کامل فرستنده (کنار راست در بالای صفحه)
- ۲- نشانی کامل گیرنده (کنار چپ در بالای صفحه)
- ۳- تاریخ (کنار چپ صفحه در زیر نشانی گیرنده)
- ۴- موضوع (کنار چپ صفحه در زیر تاریخ)
- ۵- عنوان که در خطاب به گیرندهٔ نامه نوشته می‌شود.
- ۶- آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)
- ۷- متن نامه
- ۸- پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
- ۹- نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او (کنار چپ صفحه)
- ۱۰- امضا (حتمی است)
- ۱۱- ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، سه سانتی متر پایین‌تر از امضا)
- ۱۲- گذاشتن حد اقل پنج سانتی متر فاصلهٔ سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه، یادداشت و....

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم شعر به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه، یک نفر، مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارهٔ هدف کلی شعر «علم و عقل» معلومات ارائه کند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خوانده اید، در کتابچه‌های تان، متن کامل نامه یک شخص را به دفتر رسمی بنویسید.



- ۱- از شعری که خواندید چه آموختید؟
- ۲- مفهوم کلی درس را بیان نمایید.
- ۳- شاعر در شعر «علم و عقل» کدام مفاهیم را بیان کرده است؟
- ۴- مفهوم بیت زیر را بیان کنید:  
علم چون بر دل زند یاری شود      علم چون بر تن زند ماری شود  
علم دریایی است بی حد و کنار      طالب علم است غواص بحار  
مولانا جلال‌الدین بلخی

- ۵- نامه شخصی به دفتر رسمی شامل کدام بخش‌ها می‌باشد؟



- ۱- در باره علم و عقل یک مقاله در هفت سطر بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
عقل دل را به علم بنگارد      علم جان را به آسمان آرد  
اوحدی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- اندرز چه معنا دارد؟
- ۲- پند و اندرز چه نقش را در تربیت جوانان ایفا می‌کند؟
- ۳- گشاده‌دست باش؛ اما زیاده‌روی مکن، یعنی چه؟ توضیح دهید.
- ۴- چند اندرز سودمندی را که به خاطر دارید بگویید.

### اندرزهای سودمند

- اندرزهای سودمند، نتیجه یک عمر تلاش، تفکر و تجربه انسان‌های سخت‌کوشی است که با آگاهی از آن‌ها می‌توان در مسیر زنده‌گی، راحت و عاقلانه‌تر قدم برداشت.
- داناترین مردم کسانی اند که از مردم نادان فرار کنند.
  - دانا زنده است؛ اگر چه بمیرد و نادان مرده است؛ هر چند که زنده باشد.
  - زیبایی سخن در کوتاهی و اختصار آن است.
  - همدردی، سرآغاز توانایی است.
  - انسان والا همیشه به شرافت می‌اندیشد و انسان عادی به آسایش خود.
  - بهترین انسان، کسی است که در حق همه نیکی کند.
  - بهترین مردم، کسانی اند که خیر شان به دیگران برسد.
  - مشورت کردن، عین هدایت است؛ هر کس به رأی خود اکتفا کند خود را به خطر انداخته است.
  - گشاده‌دست باش؛ اما زیاده‌روی مکن.
  - دانش، ارثی است ارزنده؛ ادب، زیوری است پاینده و تفکر آینه‌یی است تابنده.
  - نیرومند، کسی است که بر خویشتن مسلط شود.
  - یا درست حرف بزن، یا عاقلانه سکوت کن.
  - با مردم نیکو سخن بگویید تا پاسخ نیکو و پسندیده بشنوید.
  - علم، نعمت بزرگی است که در زنده‌گی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار درخشان خواهد بود.
  - خردمند به کار خویش تکیه می‌کند و نادان به آرزوی خویش.
  - حرف‌زدن بدون فکر، مانند تیراندازی بدون هدف است.
  - با راستی است که گفتار زینت پیدا می‌کند.
  - صبور باش که صبوری ترازوی عقل و نشانه توفیق است.
  - از قضاوت‌های تند و عجولانه پرهیزید.

- داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خود جمع کند.
  - توانگر واقعی کسی است که چشمش به دیگران نباشد.
  - تفاهم از محبت و تفاوت از عداوت سرچشمه می گیرند.
  - فرصت‌ها را از دست دادن اندوه به بار می آورد.
  - نخستین نیکی به دیگران، روی باز و خندان داشتن است.
  - تا توانی دلی به دست آور، دل شکستن هنر نمی باشد.
  - انسان باوقار بزرگ است و انسان متکبر کوچک.
  - اگر پیری پند ده و اگر جوانی پند گیر.
  - نخست خواهند پرسید هنرت چیست؛ نگویند پدرت کیست.
  - در انجام کارهای خوب از یکدیگر پیشی جوید.
  - در نیکی و تقوا یکدیگر را یاری نمایید. (۱)
  - در رفتار میان روی پیشه کن و سخن به نرمی و آرامی بگو.
  - مؤمن، کسی است که از سخنان بیهوده دوری جوید.
  - کسی که می خواهد خدا با او سخن گوید قرآن بخواند.
- در ادبیات فارسی دری پند و اندرز در زبان شعر نیز متجلی گردیده است، که هدف از آن تعلیم و تربیت و رهنمایی انسان‌ها به راه نیک است. از میان گنجینه‌های بزرگ نظم و نثر دری چند بیتی از نظامی گنجیه‌یی را برگزیده ایم که محتوای آن‌ها پند و اندرز است.
- |                               |                              |
|-------------------------------|------------------------------|
| عیب کسان منگر و احسان خویش    | دیده فرو بر به گریبان خویش   |
| آینه روزی که بگیری به دست     | خود شکن آن روز مشو خودپرست   |
| عمر به خوشنودی دل‌ها گذار     | تا ز تو خوشنود شود کردگار    |
| گرم شو از مهر و ز کین سرد باش | چون مه و خورشید جوان مرد باش |
| هر که به نیکی عمل آغاز کرد    | نیکی او روی بدو باز کرد      |

نظامی گنجیه‌یی

## پیاموزیم

- ۱- در نیکی و تقوا یکدیگر را یاری نمایید. اشاره است به آیه مبارکه: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»

### • نکات ضروری در نامهٔ شخص به دفتر رسمی

وقتی برای اداره، دفتر رسمی و یا شخص مهمی نامه می‌نویسیم که رابطهٔ کاری با او داریم؛ در چنین مواردی نمی‌شود از روش نامهٔ دوستانه استفاده کرد و این کار نوعی توهین به شخص گیرنده محسوب می‌شود. نوشتن این گونه نامه‌ها مستلزم رعایت یک سلسله نکات ضروری است که در زیر به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

- ۱- نامه باید از یک طرف صفحه به شکل منظم نوشته شود و نباید در حاشیهٔ آن چیزی بنویسیم.
  - ۲- متن نامه باید با نهایت دقت در صحت مطالب تهیه شود.
  - ۳- متن نامه باید شایستهٔ فرد گیرنده باشد و پست و مقام شغلی فرد گیرنده در نظر گرفته شود.
  - ۴- در نامه باید شیوایی بیان و روانی مطلب نیز در نظر گرفته شود و نباید از لغت‌های نامانوس استفاده گردد.
  - ۵- از حشو (به کار بردن کلام زاید) خودداری شود.
  - ۶- در نامهٔ رسمی به هیچ وجه نباید از کلمه‌ها و جمله‌های عامیانه استفاده کرد.
  - ۷- نشانه‌های نگارشی (کامه، سمیکولن، نقطه و...) را باید درست و در جای آن به کار برد.
  - ۸- در نوشتن نامه باید از استفادهٔ جمله‌های توهین‌آمیز، تهدیدآمیز و مشکل‌آفرین خودداری کرد.
  - ۹- نامه باید در کاغذ مناسب نوشته شود تا امکان ارجاع و حاشیه‌نویسی در آن وجود داشته باشد.
  - ۱۰- نامه تا حد امکان باید تایپ شود یا حد اقل با خط خوانا نوشته شود.
  - ۱۱- سلسلهٔ مراتب باید رعایت شود. عدم رعایت سلسلهٔ مراتب، توهین تلقی می‌شود.
  - ۱۲- اگر مخاطب نامه را نمی‌شناسیم، نامه را باید با یک عنوان کلی بنویسیم؛ در هر اداره یک سیستم تفکیک نامه وجود دارد که باعث ارسال نامه به مکان مورد نظر می‌شود.
  - ۱۳- اگر نامه به وسیلهٔ اینترنت مکاتبه شود:
- الف) از رنگ‌های ملایم (مثل آبی) استفاده گردد. (ب) نامه باید با فونت بزرگ تایپ نگردد؛ زیرا نوعی توهین محسوب می‌شود.
- ج) ارسال تعداد زیاد ایمیل برای یک مکان کار درستی نیست.



## کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون اهمیت اندرزه‌های مفید و سودمند به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، چند اندرز مفید و سودمند را شرح و توضیح دهد.

۳- چند شاگرد پیرامون بیت‌های زیر صحبت نمایند:

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش	چون مه و خورشید جوان مرد باش
هر که به نیکی عمل آغاز کرد	نیکی او روی بدو باز کرد

## املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با در نظر داشت قواعدی که خواندید، یک نامه رسمی و کامل در کتابچه‌های تان بنویسید.



۱- اندرزه‌ها و نصایح چه معنا و مفهومی را ارائه می‌کنند؟

۲- سه اندرز مفید و سودمندی را که خواندید به انتخاب خود توضیح دهید.

۳- برای کسانی که به اندرزه‌ها و نصایح سودمند بزرگان گوش فرا نمی‌دهند، چه مشوره می‌دهید؟

۴- چند نکته عمده نامه شخص به دفتر رسمی را بیان کنید.

۵- بیت زیر چه مفهوم را ارائه می‌کند:

عیب کسان منگر و احسان خویش      دیده فرو بر به گریبان خویش

## کارخانه‌گی



۱- در باره نصایح و اندرزه‌های مفید و سودمند و نقش آن‌ها در جامعه چند سطر بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است      با دوستان مروت با دشمنان مدارا  
حافظ

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- داستان کوتاه چیست؟
- ۲- ویژه‌گی‌های داستان کوتاه را بیان دارید.
- ۳- درباره داستان بلند یا رمان چه می‌دانید؟
- ۴- خیال‌پردازی در داستان چه نقش دارد؟ بیان دارید.

### داستان کوتاه



داستان، بیان سرگذشت انسان یا انسان‌هاست. در طول زمان و بر محور توالی حادثه یا حوادثی که شکل‌دهنده آن زندگی است و به طور عمده به بررسی روابط علت و معلول می‌پردازد و یا رعایت روابط علت و معلول در آن ملحوظ است. داستان دست انسان را می‌گیرد و به زوایای تاریک روح بشر می‌برد و حوادث را به نحوی بیان می‌کند که یا موجب عبرت شود و یا به قول ارسطو به پالایش روان بینجامد؛ این حوادث به صورت داستان بیان می‌شود. داستان اگر طولانی باشد

به نام رومان و اگر طولانی نباشد به نام داستان کوتاه یاد می‌شود.

داستان کوتاه شرح ماجرای است که غالباً پیرامون یک موضوع یا یک شخص معین در کمال ایجاز، به عبارت دیگر در داستان کوتاه، نویسنده یکی از جنبه‌ها یا نمودهای زنده‌گانی قهرمان یا شخصیت مورد نظر خود را تحلیل می‌کند و اعمال و گفتار او را که بنابر انگیزه‌یی در خلال حادثه‌یی به منصفه ظهور رسیده است، در نظر خواننده مجسم می‌نماید. از ویژه‌گی‌ها و لوازم یک داستان کوتاه خوب، تازه‌گی موضوع، هیجان‌انگیزی، زیبایی و دیگر ظرافت‌های هنری؛ همچنان عمق اندیشه و قدرت تخیل نویسنده در ساخت و پرداخت واقعه مورد نظر است.

برخی از منتقدان هنری به داستانی که کمتر از دو هزار و پنجصد کلمه داشته باشد، داستان کوتاه و به داستانی که بیش از دو هزار و پنجصد کلمه و بین ده تا پانزده هزار واژه دارد، داستان بلند و از پانزده هزار کلمه بیشتر، رمان کوتاه و از پنجاه هزار کلمه به بالا را رمان بلند گفته اند.

## ویژه‌گی‌های داستان کوتاه

**۱- طرح داستان:** عبارت از شالوده اصلی داستان، در حقیقت طرح نقشه کار برای نویسنده است که در آن می‌تواند به روابط افراد و کشش موضوع و کل حوادث بر اساس پیوسته‌گی روابط علت و معلول، به ویژه ایجاد احساس انتظار در خواننده، بپردازد.

**۲- شخصیت‌پردازی:** یعنی شناخت دقیق شخصیت در داستان برای خود نویسنده که موجب می‌شود بتواند آن را برای خواننده به خوبی به تصویر بکشد و خواننده آن را شناخته و به درستی در مسیر حوادث قرار گیرد.

**۳- زاویه دید:** چگونگی روایت داستان، نکته‌یی برجسته در نگارش داستان است. این که نویسنده، داستان را از زبان چه کسی روایت کند، بسیار اهمیت دارد. هر نویسنده‌یی برای بیان داستان، شیوه‌یی را که متناسب با هدف و شخصیت‌های داستان است، انتخاب می‌کند. داستان، گاه داستان از زبان یکی از قهرمانان بیان می‌شود؛ گاه نویسنده به عنوان راوی، قصه را بیان می‌کند؛ گاه داستان از زبان شخص اول بیان می‌شود؛ اما در طول داستان، راوی تغییر می‌کند؛ گاه به صورت یادداشت روزانه نگارش می‌یابد و گاه به صورت نامه‌نگاری بین دو یا چند نفر. انتخاب درست و سنجیده زاویه دید و شکل روایت داستان بسیار مهم است.

**۴- خیال‌پردازی:** وسعت دید خواننده را گسترش می‌دهد و نویسنده نیز با استفاده از تخیل به بررسی شخصیت‌های داستان می‌پردازد.

**۵- پیام داستان:** پیام یک داستان، همان روح حاکم بر داستان و درون‌مایه آن است. نتیجه‌یی کلی که داستان آن را به طور واضح بیان کرده است یا ما نتیجه را از آن استنباط می‌کنیم.

**۶- سمبول و کنایه:** مراد از سمبول آن است که یک واژه یا مفهوم سمبولیک معنا و مفهومی فراتر از معنای ظاهری خود داشته باشد و می‌تواند به اشکال گوناگون رخ نماید. داستان‌نویس می‌تواند از انواع کنایه به این شرح استفاده کند:

الف) تجربیات پیچیده خود را بیان کند.

ب) داستان را به طور غیر مستقیم و سنجیده، ارزیابی کند.

ج) اختصار را رعایت نماید. کنایه نیز مانند سمبول، به نویسنده امکان می‌دهد تا بدون این که مفاهیم را صریح بگوید، آن‌ها را به خواننده منعکس کند.

**۷- احساس و طنز:** ادبیات داستانی، عواطف خفته‌ی ما را بیدار کرده، به غلیان می‌آورد و از این راه درک ما را از مسایل سرشارتر و عمیق‌تر می‌کند. برخی از داستان‌ها ما را می‌خنداند؛ برخی هم می‌گریاند و بعضی هم ما را به وحشت می‌اندازد. با همه‌ی این‌ها، داستانی در واقع پرمعنا است که احساس را به طور غیر مستقیم در خواننده برانگیزد نه به طور مستقیم. در ضمن گاه از شنیدن لطیفه‌یی به خنده می‌افتیم و داستانی هم که در آن همه‌ی نیرو به کار رفته تا ما را بخنداند، احتمال دارد هم مطبوع باشد و هم موجب رنجش کسی نشود. طنز چه در قالب سخنان دلنشین که متضمن شوخی باشد و چه نیشدار و گزنده و انتقادآمیز؛ تنها هنگامی ارزشمند خواهد بود که ناشی از برداشت صحیح از زنده‌گی باشد.

در ادبیات دری، نگارش داستان، سابقه‌یی طولانی دارد و از ادوار گذشته داستان‌هایی؛ چون اسکندرنامه و داراب‌نامه به جا مانده است؛ اما پیشینه‌ی نوشتن رمان و داستان کوتاه به مفهوم اروپایی آن مطابق ضوابط ادبی‌یی که نویسنده‌گان مغرب‌زمین رعایت می‌کنند از صد سال اخیر تجاوز نمی‌کند و از این زمان است که در زبان دری رمان و داستان کوتاه جای قصه‌ها و افسانه‌های کهن را می‌گیرد. به طور کلی، داستان کوتاه قالبی است که در عرصه‌ی نویسنده‌گی امروز جهان دارای جایگاهی والاست و تنوع موضوع در آن از هر نوع ادبی دیگر بیشتر است و به واسطه‌ی عدم رغبتی که نسل امروز به مطالعه‌ی آثار مفصل و نوشته‌های بلند پیدا کرده اند، به تدریج انواع رمان یا داستان‌های بلند، جای خود را به داستان‌های کوتاه سپرده است.



\* هنر: شناسایی همه‌ی قوانین عملی مربوط به شغل، فن و یا معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه‌کاری می‌باشد.

\* اسکندرنامه: یکی از پنج مثنوی معروف نظامی گنجیه‌بی است که شامل دو قسمت می‌باشد، یکی شرف‌نامه و دیگری اقبال‌نامه است.

### بیاموزیم

- ۱- داستان کوتاه، شرح ماجرای است غالباً پیرامون یک موضوع یا یک شخص معین و در کمال ایجاز نوشته می‌شود.
- ۲- از ویژه‌گی‌های یک داستان کوتاه خوب: تازه‌گی موضوع، هیجان‌انگیزی، زیبایی و دیگر ظرافت‌های هنری؛ هم‌چنین عمق اندیشه و قدرت تخیل نویسنده در ساخت و پرداخت واقعه مورد نظر است.
- ۳- از ویژه‌گی‌های داستان کوتاه می‌توان طرح داستان، شخصیت‌پردازی، زاویه دید یا چگونگی روایت داستان، خیال‌پردازی، پیام داستان، را نام برد.
- ۴- داستان کوتاه، قالبی است که در عرصه نویسنده‌گی امروز جهان، دارای جایگاه والای است.



### • آدرس‌نویسی روی پاکت نامه‌ها

نوشتن آدرس یا نشانی در زبان دری دقیقاً برخلاف بسیاری از زبان‌ها، از جمله انگلیسی است. بدین معنا که از موارد بزرگ‌تر به سمت موارد کوچک‌تر می‌رود؛ به ترتیب زیر:

- ۱- نام کشور
- ۲- نام ولایت
- ۳- نام ولسوالی
- ۴- نام قریه
- ۵- نام ناحیه
- ۶- نام یا شماره سرک
- ۷- نام یا شماره کوچه
- ۸- شماره منزل
- ۹- نام و نام خانوادگی گیرنده.

### تفصیلات

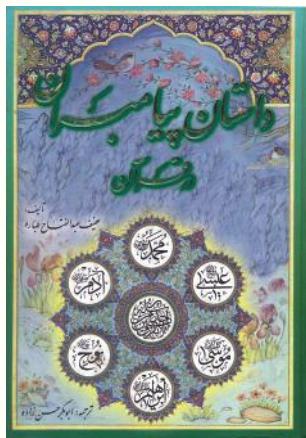
- ۱- در همه زبان‌هایی که از راست به چپ نوشته می‌شوند (دری، پشتو، عربی، اوزبیکی و...)، قاعده همان است که در بالا گفتیم؛ یعنی از موارد بزرگ آغاز و به سوی موارد کوچک باید رفت.
- ۲- اگر نامه به کشور فرستاده می‌شود که ترتیب نوشتاری آن کشور از راست به چپ است، در آن صورت، عین قاعده بالا بر آدرس گیرنده و فرستنده تطبیق می‌شود.

- ۳- اگر نامه به داخل کشور فرستاده می‌شود، دیگر نوشتن نام کشور ضروری نیست.
- ۴- اگر نامه از مرکز یک ولایت به مرکز ولایت دیگری فرستاده می‌شود، طبیعی است که نام ولسوالی و قریه نوشته می‌شود.
- ۵- آدرس فرستنده به ترتیبی که گفتیم، در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود.
- ۶- آدرس گیرنده به همان ترتیب در سمت راست، کنار پایینی پاکت نوشته می‌شود.

<p><b>فرستنده:</b> کابل - قلعه فتح الله خان، ناحیه دهم، سرک ۸، منزل شماره (۳۱۱)، انجنیر رحیم گل.</p>	<div style="border: 2px solid black; padding: 5px; display: inline-block;">             محل نصب تکت پستی           </div>
<p><b>گیرنده:</b> بامیان - ولسوالی پنجاب، قریه تگاب برگ، پهلوی مکتب ذکور، منزل احمد حسین خان.</p>	

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون داستان کوتاه و ویژه‌گی‌های آن به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون طرح داستان، شخصیت‌پردازی، زاویه دید، خیال‌پردازی و پیام داستان توضیحات لازم را ارائه کند.
- ۳- چند شاگرد تصویر را با موضوع درس ارتباط داده، در مورد آن سخنرانی کنند.





- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد در کتابچه های خود املا بنویسید.
- ۲- آدرس نویسی را با در نظر داشت قواعدی که خواندید، در کتابچه های تان تمرین کنید.



- ۱- در طرح داستان کدام نکات در نظر گرفته می شود؟
- ۲- زاویه دید در داستان چقدر مهم پنداشته می شود؟
- ۳- در باره آدرس نویسی روی پاکت نامه ها معلومات دهید.
- ۴- یک شاگرد، آدرس نویسی بالای پاکت مراسلات را روی تخته تمرین کند.

## کارخانه گی



- ۱- در باره ویژه گی های داستان، معلومات لازم تحریر بدارید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  

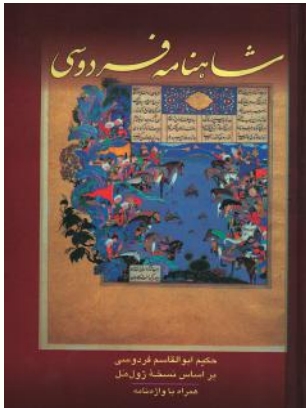
ای مهر رخت صیقل آیینۀ جانها	سودای تو در قلب یقینها و گمانها
در صحن چمن نارون و سوسن و سنبل	از بهر ثنای تو گشودند زبانها
سیدای گُرخِی	
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

## درس دوازدهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- مقصود از محتوای شعر چیست؟
- ۲- اشعار حماسی به چه نوع اشعار گفته می‌شود؟
- ۳- کدام کتاب نظامی گنجیه‌یی در زمره آثار حماسی به شمار می‌رود؟
- ۴- شعر غنایی چه نوع شعری است؟

## انواع شعر دری از لحاظ محتوا



مقصود از محتوای شعر، موضوعات شعری و نوع افکار، عواطف، حالات و تجربیات شاعران و مقاصدی است که آنان در کلام منظوم یا آفرینش‌های شعری خود بیان داشته‌اند. هر چند که مقاصد و نیت شاعران نامحدود است و گاه یک مقصود ممکن است خود مرکب از موضوعات مختلف و متأثر از تجربیات گوناگون باشد، با وجود این، شاید در بررسی اشعار دری از نظر محتوا و موضوعات شعری و نوع اندیشه و احساس گوینده‌گان آن‌ها بتوان تقسیم‌بندی زیر را ارائه کرد:

### ۱- اشعار حماسی: که در آن‌ها از جنگ‌ها و دلاوری‌ها سخن

می‌رود و علاوه بر توصیف پهلوانی‌ها، شجاعت‌ها در میدان‌های جنگ، عقاید و آرای اخلاقی، آداب و رسوم، مظاهر فرهنگ و تمدن یک ملت نیز در آن‌ها منعکس می‌شود؛ نمونه کامل شعر حماسی در زبان دری، شاهنامه فردوسی است.

منظومه‌های حماسی خود به سه نوع تقسیم می‌شوند: حماسه‌های اساطیری و ملی، نظیر شاهنامه، حماسه‌های تاریخی، مانند اسکندرنامه نظامی گنجیه‌یی و حماسه‌های دینی، نظیر خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی ۸۷۵ هـ. ق. و غیره.

۲- اشعار غنایی: که موضوع آن‌ها، لذت‌ها، شادی‌ها و غم‌ها است. در قلمرو شعر دری، وسیع‌ترین افق معنوی و عاطفی از آن اشعار غنایی است و بارزترین نوع شعر غنایی، غزل است؛ که خود به دو نوع عاشقانه و عارفانه تقسیم می‌شود.



در غزلیات دری، غیر از بیان حالات گوناگون عشق و آرزومندی و شرح ایام هجران و وصل، معانی دیگری از جمله توصیف مناظر زیبای طبیعت، بهار، پاییز، شب، صبح و نظایر آن اظهار می‌گردد. غزلیات شاعرانی؛ مانند: مولوی، سعدی، حافظ و مثنوی‌های عاشقانه‌یی؛ چون: خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجه‌یی و رباعیات خیام، نمونه‌های ممتاز از شعر غنایی در زبان دری است.

**۳- اشعار مدحی:** که موضوع آن‌ها ستایش از خصلت‌ها و صفات نیک کسی است. در این نوع شعر، شاعر سجایای اخلاقی ممدوح را می‌ستاید و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند. اشعار مدحی غالباً در قالب قصیده بیان می‌شوند و شاعر بیشتر قصیده را با تغزل و تشبیه آغاز می‌کند و سرانجام آن را با دعای ممدوح، ختم می‌کند؛ مانند قصاید شاعرانی؛ چون: عنصری، منوچهری، فرخی سیستانی، امیر معزی، انوری و غیره. در اشعار مدحی ممدوح شاعر، سلطان، امیر و قدرتمندی سیاسی است یا شخصیتی؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و سایر بزرگان دین و دانش‌اند.

**۴- اشعار دینی:** شامل سروده‌هایی است که محتوای آن‌ها موضوعات دینی نظیر توحید باری تعالی، یا سرگذشت پیشوایان دین و مناقب و مصایب آن‌هاست. دیباچه اغلب دیوان‌های شاعران دری که اختصاص به ستایش خداوند و نعت رسول اکرم ﷺ دارد و آثاری که در منظومه‌های شاعرانی؛ چون: فردوسی، ناصر خسرو قبادیانی، سنایی غزنوی، خاقانی شروانی، نظامی گنجه‌یی، جلال‌الدین بلخی، سعدی، عبدالرحمان جامی، محتشم کاشانی و از شعرای متأخر؛ مانند ادیب الممالک فراهانی و ملک الشعراء بهار وجود دارند و در باره موضوعات مختلف مذهبی سروده شده‌اند، جزء این دسته اشعار محسوب می‌شوند.

**۵- اشعار انتقادی:** در این گونه اشعار، شاعر معایب و نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را به صورت هجو یا هزل و طنز و یا به زبان غیر جدی بیان می‌کند. در آثار شاعرانی؛ چون ناصر خسرو قبادیانی، انوری، خاقانی، خواجوی کرمانی، سعدی، ظهیر فاریابی و جمال‌الدین اصفهانی به بیت‌ها، قطعه‌ها و قصیده‌های بر می‌خوریم که اندیشه‌های انتقادی قوی در آن‌ها دیده می‌شود؛ همچنان در بسیاری از رباعیات خیام نیشاپوری. انتقاد به صورت هجو و هزل در دیوان‌های شاعرانی؛ چون: سوزنی سمرقندی، حکیم جلال کوشکی قاینی، انوری و سنایی نیز وجود دارد. از میان شاعران زبان دری که به سرودن اشعار انتقادی پرداخته‌اند، آثار نویسنده و شاعر خوش‌ذوق قرن هشتم هجری نظام‌الدین عبید زاکانی قزوینی ۷۷۱ هـ. ق. مشهور است. او با لهجه ادبی بسیار دلچسپ انتقادات تندی را نسبت

به جامعه و محیط خویش بیان داشته است. شعر انتقادی پس از عبید، توسط شاعرانی، چون: قأنی، یغمایی جندقی و در دوره معاصر به وسیله گوینده‌گانی نظیر: سید اشرف‌الدین گیلانی، میرزا زاده عشقی، ایرج میرزا، دهخدا و ملک الشعرا بهار دنبال شده است.

۶- **اشعار مرثیه:** مرثیه، نوعی شعر است که به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تأسف از مرگ وی سروده می‌شود؛ به ویژه اشعاری که در ذکر مصایب و شرح شهادت پیشوایان دین می‌باشد. در آثار شاعران دری‌زبان از قدیم‌ترین زمان‌های تاریخ ادبیات دری تا کنون مرثیه‌های فراوانی وجود دارد که گوینده‌گان آن‌ها در سوگ فرزند، دوست، ممدوح خود و یا پیشوایان مذهبی سروده اند و مشهورترین آن‌ها آثار زیر اند:

مرثیه رودکی سمرقندی در مرگ امیر اسماعیل سامانی و شعری که در فوت شهید بلخی گفته است، مرثیه حکیم ابوالقاسم فردوسی در غم مرگ پسر سی و هفت ساله‌اش و مرثیه فرخی سیستانی در فوت سلطان محمود غزنوی.

۷- **اشعار تهنیت:** تهنیت به معنای مبارک‌باد و خوش آمد گفتن است و از لحاظ مضمون، عکس مرثیه و تعزیت است؛ زیرا شاعر تهنیت‌گو، ضمن شعر خود، شادمانی و نشاطش را از رویدادی خوش نظیر: فرا رسیدن اعیاد مذهبی و ملی و ایام فرخنده‌یی چون: سالروز میلاد پیامبر اکرم ﷺ و... ابراز می‌دارد.

در آثار منظوم دری تهنیت‌های زیادی که غالباً در قالب قصیده سروده شده، در شعر شاعرانی، چون: نظیر مسعود سعد سلمان، ظهیر فاریابی، انوری، سعدی، حافظ، خاقانی، سید حسن غزنوی و... وجود دارد.

۸- **اشعار بث‌الشکوی:** درد دل و شکایت کردن از رخداد‌های رنج‌آور زنده‌گی است. هر شعری که محتوای آن برخاسته از دردهای درونی و اسرار غم‌انگیز شاعر و هدف از بیان آن عقده‌گشایی یا خبر کردن دیگران از حال شخص باشد، از نوع بث‌الشکوی محسوب می‌شود؛ مانند: شکایت از روزگار، گلایه از بی‌وفایی معشوق و هجران او و گله‌مندی از ناسپاسی و قدرناشناسی مردم زمانه.

۹- **اشعار وصفی:** در این گونه اشعار، شاعر گاه از طریق مشاهده مستقیم و عینی، صفات ظاهری اشخاص، مناظر طبیعت، فصل‌های سال و اشیاء، یا به صورت کلی، عالم خارج و زیبایی‌های طبیعت را شرح می‌دهد و گاه به مدد نیروی تخیل و اندیشه به بام علم معنا و باطن آدمی بر می‌آید.

۱۰- **اشعار قصصی:** قصص جمع قصه است و قصه‌ها شامل رویدادهای خیالی یا واقعی از

زنده‌گی انسان‌هاست، که گاه به مدد نیروی تخیل شاعر برای حیوانات، پرنده‌گان، حتی اشیا نیز ساخته می‌شود و بسته به محتوا و درون‌مایه خود و شیوه بیان قصه‌پرداز به انواع رزمی و پهلوانی، بزمی، عاشقانه، عرفانی، اخلاقی، تاریخی، مذهبی (نظیر قصص قرآن مجید)، سیاسی، عامیانه، کودکانه، مطایبه‌آمیز و خنده‌آور و... تقسیم می‌شود. بهترین نمونه‌های آن را در آثار زیر در می‌یابیم:

ویس و رامین، حقیقه‌الحقیقه، منطق‌الطیر، مثنوی معنوی، پنج‌گنج، بوستان، هفت‌اورنگ و....

**۱۱- مناظره:** مناظره، گفتگویی است میان دو نفر که هر طرف سعی می‌کند با استدلال، برتری و حقانیت خود را بر دیگری به اثبات برساند.

مبتکر این نوع شعر در زبان فارسی دری، ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی (۴۶۵) ه. ق. سراینده گرشاسب‌نامه می‌باشد. مناظرات پنج‌گانه اسدی که عبارت از مناظره عرب و عجم، آسمان و زمین، نیزه و کمان، شب و روز و مغ و مسلمان است، در قالب قصیده به نظم در آمده است.

**۱۲- شعرهای عامیانه و محلی:** محتوای این گونه شعرها، فرهنگ و ادب عامه است، که مجموعه عقاید، اندیشه‌ها، آداب و رسوم عامه مردم می‌باشد. اشعار عامیانه و محلی دری بیشتر در قالب دوبیتی و ترانه‌های عاشقانه سروده شده و موضوع آن‌ها: چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها و یا منظومه‌هایی است در قالب غزل، مثنوی، قطعه و چهارپاره‌های پیوسته، که در مراسمی چون: تعزیت، مولودی، عروسی، میله سمنک و دعای سفره خوانده می‌شود.



- \* شعر، سخن منظومی که دارای تخیل وزن و قافیه باشد.
- \* توحید: یکتا قرار دادن، خدا را یگانه دانستن و به یگانه‌گی خدا ایمان آوردن.
- \* مرثیه: شعر یا سخنی که در سوگواری و در مدح میت خوانده شود؛ مرثی جمع آن است.

## بیاموزیم

شعر دری از لحاظ محتوا انواع و اقسام زیاد دارد که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

- ۱- اشعار حماسی ۲- اشعار غنایی ۳- اشعار مدحی ۴- اشعار تعلیمی ۵- اشعار دینی
- ۶- اشعار انتقادی ۷- اشعار مرثیه ۸- اشعار تهنیت ۹- اشعار بٹ الشکوی ۱۰- اشعار وصفی

۱۱- اشعار قصصی ۱۲- مناظرات ۱۳- اشعار عامیانه و محلی.  
 اشعار عامیانه و محلی، دارای محتوای فرهنگ و ادب عامه است، که مجموعه عقاید، اندیشه‌ها، آداب و رسوم عوام مردم را در بر می‌گیرد. اشعار عامیانه و محلی دری بیشتر در قالب دوبیتی و ترانه‌های عاشقانه و عارفانه سروده شده است.



### • آدرس نویسی روی پاکت نامه‌های خارجی

نوشتن آدرس در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، برخلاف زبان دری است؛ یعنی همیشه باید از موارد کوچک شروع و به طرف موارد بزرگ رفت. به ترتیب زیر:

- ۱- نام و نام خانوادگی گیرنده ۲- شماره منزل ۳- نام یا شماره عمارت ۴- نام یا شماره کوچه
- ۵- شماره سرک ۶- نام روستا ۷- نام شهر ۸- نام ایالت یا ولایت ۹- کود پستی ۱۰- نام کشور.

<p><b>From:</b> افغانستان، کابل، کارته نو،              حوزه هشتم، سرک ۳، کوچه              ششم، منزل شماره ۴۲              احمد              Afghanistan</p>	<div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: fit-content; margin: 0 auto;">                 محل نصب                  تکت پستی             </div>
<p><b>To:</b> Mrs. Kim Jennifer              1066 - 22 Lawrence St.              Scarborough, Ontario              M7X 3K8              Canada</p>	

### تفصیلات

- ۱- اگر نامه به کشوری فرستاده می‌شود، که ترتیب نوشتاری آن کشور از چپ به راست است، در آن صورت، آدرس فرستنده مطابق قاعده دری نوشته شده و آدرس گیرنده مطابق به قاعده زبان‌های چپ به راست نوشته می‌شود.
- ۲- جاهای نوشتن آدرس فرستنده و گیرنده روی پاکت، تغییر نمی‌یابد؛ یعنی آدرس فرستنده در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود و آدرس گیرنده در سمت راست، کنار پایینی آن.
- ۳- بهتر است در پایین آدرس فرستنده، کلمه «Afghanistan» را با حروف لاتین بنویسیم؛ زیرا اگر گیرنده نامه در آن کشور پیدا نشود، شرکت پستی کشور خارجی به آسانی

بداند که این نامه را به کدام کشور مسترد نماید و از مفقود شدن آن جلوگیری به عمل آید.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از لحاظ محتوا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر، مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بگوید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، فرق اشعار حماسی، غنایی و تعلیمی را به گونه مختصر ارائه کند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد، به صورت املا در کتابچه های تان بنویسید.
- ۲- مشخصات روی پاکت نامه های خارجی را با در نظر داشت قواعدی که در آیین نگارش خوانده اید، در کتابچه های تان بنویسید.



- ۱- مهم ترین انواع شعر، از لحاظ محتوا را نام بگیرید.
- ۲- مناظره به چه نوع شعری اطلاق می شود؟ توضیح دهید.
- ۳- شعرهای مدحی به چه نوع شعرهای گفته می شود؟
- ۴- فرق میان شعر از لحاظ قالب و شکل و از لحاظ محتوا چیست؟
- ۵- یک شاگرد مشخصات پاکت مراسلات خارجی را روی تخته بنویسد.

## کارخانه گی

- ۱- در باره شعر دینی و شعر انتقادی در ده سطر معلومات دهید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
دلت را راست کن از راستکاری      که هست از راستکاری رستگاری  
ناصر خسرو بلخی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- مولانا جلال‌الدین بلخی کی بود؟
- ۲- او از شمس تبریز چه الهام گرفت؟
- ۳- مهم‌ترین آثار او را نام ببرید.

### مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی فرزند سلطان‌العلماء الدین محمد بن حسین الخطیبی از بزرگترین شاعران متصوف و عارف افغانستان به سال ۶۰۴ هـ. ق. در بلخ که از مراکز فرهنگ و ادبیات منطقه شمرده می‌شد، تولد یافت. پدرش محمد بن حسین ملقب به بهاء‌الدین ولد بر حسب روایت، نوه دختری علاء‌الدین خوارزمشاه بود و از فضلا، مشایخ و عرفا محسوب می‌شد که پیش خوارزمشاه تقرب داشت و در اثر نفوذ و شهرتی که پیدا کرده بود، مخالفان تصوف از او سعایت نمودند؛ پس مجبور به مهاجرت شد و با پسرش جلال‌الدین به تاریخ ۶۱۷ هـ. ق. از راه بغداد قصد سفر حج نمود. در این زمان، جلال‌الدین ۱۴ ساله بود.

بهاء‌الدین ولد در نیشاپور به دیدار شیخ فریدالدین عطار نایب آمد و او جلال‌الدین را در آغوش کشید و دعا خواند و مثنوی اسرارنامه را به او هدیه کرد. اولین تعلیم و تربیت و ارشاد جلال‌الدین در نزد پدرش بود و یک سال بعد از وفات او که به سال ۶۲۸ هـ. ق. اتفاق افتاد؛ سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از شاگردان سابق بهاء‌الدین ولد بود و در این موقع در سلک خواص و اولیای اهل طریقت مقامی داشت، به قونیه آمد و جلال‌الدین از مجالس درس او کسب فیض نمود، جلال‌الدین نه سال تمام تحت ارشاد آن مرد عارف بود. بعد به عزم سیاحت و اخذ معرفت و درک مجلس اصحاب طریقت، مسافرت شام اختیار کرد تا روزی گردش روزگار او را با یکی از بزرگان زمان و نوادر دوران به یکجا آورد و این ملاقات در حیات جلال‌الدین تأثیر عظیم بخشید. این شخص کس دیگری نبود جز شمس‌الدین بن علی بن ملک داد تبریزی که ژولیده‌پیری از پیران صوفیه بود و نفسی گرم و جاذبه بزرگ و بیان مؤثر داشت و از شهری به شهری راه می‌پیمود و با اهل راز و ریاضت و درویشان و عارفان انس و الفت می‌نمود تا این که در این موقع که سال ۶۴۲ هجری باشد به سراغ جلال‌الدین به قونیه آمد و در اولین نگاه بارقه عشق و حقیقت را در چهره او دید و او را شیفته معنویت خود کرد و در بقیه عمر مرشد و قاید روحانی او گردید. از تعظیم و احترامی که جلال‌الدین در اشعار و اقوال خود نسبت به شمس ابراز نمود، نیک پیداست که تأثیر نفس او در جهان‌بینی جلال‌الدین بس عمیق بوده است.

این نفس جان دامنم برتافتست	بوی پیراهن ز یوسف یافتست
کز برای حق صحبت سال‌ها	باز گو رمزی از آن خوش‌حال‌ها
من چه گویم یک رگم هشیار نیست	شرح آن یاری که آن را یار نیست
خود ثنا گفتن ز من ترک ثناست	کاین دلیل هستی و هستی خطاست
شرح این هجران و این خون جگر	این زمان بگذار تا وقت دگر
گفتمش پوشیده خوشتر سر یار	خود تو در ضمن حکایت گوش دار
خوشتر آن باشد که سر دلبران	گفته آید در حدیث دیگران

مثنوی معنوی نه تنها بزرگترین میوه افکار و بهترین جلوه اشعار مولانا جلال‌الدین است؛ بلکه بزرگترین اثر عرفانی و تمثیلی در زبان دری می‌باشد.

تأثیر مولانا جلال‌الدین در افکار و اذهان، بسیار و پیروان و مقلدان او بی‌شمار است، نه تنها نفوذ معنوی و ادبی استاد در افغانستان، ایران، هند و آسیای صغیر به کمال است؛ بلکه شهرتش به مغرب‌زمین هم رسیده و اشعارش به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه گردیده است.

**سبک و افکار:** مولانا جلال‌الدین در سرایش شعر خود از حیث رسایی مقصود و اتفاق مطلب، لطافت معنا، باریکی اندیشه و صفا و پخته‌گی فکر عرفانی داد سخن داده است.



**تصوف:** طریقه‌یی که پیروان آن معتقد اند به وسیله تصفیة باطن و تزکیة نفس انوار حقایق بر قلب شخص اشراق کند. این طریقه در ادیان مختلف وجود دارد و در اسلام در قرن دوم هجری ظهور نموده است.

**عرفان:** در لغت به معنای شناختن و شناخت حق تعالی می‌باشد و یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که پایه‌های آن را احساس و عاطفه انسانی می‌سازد و آنچه در عرفان مطرح است، روح و روان آدمی و عشق و شناخت حقیقت است.

### بیاموزیم

- ۱- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در سال ۶۰۴ هـ. ق. در بلخ چشم به جهان هستی گشود.
- ۲- مثنوی معنوی بزرگترین اثر جلال‌الدین محمد بلخی بوده و کامل‌ترین دیوان عرفانی در زبان دری است که به تعداد بیست و شش هزار بیت و در ضمن شش دفتر در بحر رمل سروده شده است.

## • کلمه‌های عنوانی و پایانی

بیشتر نامه‌ها با خطاب آغاز می‌شوند. در خطاب، نویسنده باید شأن و مقام مخاطب و وضع و موقعیت او را به کار برد و از کلمات درخور و مناسب استفاده نماید. همین کلمات و واژه‌های احترام‌آمیزی را که در آغاز نامه به مثابه خطاب می‌آیند، به نام کلمه‌های عنوانی یاد می‌کنند؛ همچنان کلمه‌های احترامانه‌یی که پس از تمام شدن متن نامه، در پایان نامه می‌آیند، کلمه‌های پایانی نام دارند.

کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی هر یک بار عاطفی خاصی دارند، که اگر هر یک از آن‌ها در جای مناسب خویش به کار نرود، یا خنده‌دار خواهد بود و یا توهین به گیرنده نامه تلقی می‌شود و او را ناراحت می‌کند؛ پس باید از درست بودن آن اطمینان کامل حاصل کرد.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: پدر گرامی و گرانقدرم، پدر مهربانم، مادر عزیز و مهربانم، مادر شیرینتر از جانم، پدر بزرگوارم، فرزند عزیزم، دختر نازنینم فرزند گرامی‌ام.
۲. در نامه‌های دوستانه: دوست گرامی‌ام، رفیق شفیقم، دوست بسیار عزیزم، دوست گرانقدرم.
۳. در نامه‌های اداری: محترم رئیس جمهور...، محترم وزیر...، رئیس محترم اداره...، رئیس محترم محکمه...، جناب محترم مدیر...، به مقام محترم ولایت...، استاد معظم جناب (تخلص)، جناب محترم معاون اداری ریاست....

## کلمه‌های پایانی

همان‌گونه که ذکر شد، در پایان نامه پس از تمام شدن متن و قبل از امضا یا نوشتن نام، لازم است چند کلمه‌یی که حاکی از احترام یا محبت نسبت به مخاطب نامه باشد، ذکر شود، که همین کلمه‌ها را به نام کلمه‌های پایانی یاد می‌کنند. کلمه‌های پایانی را مانند کلمه‌های عنوانی، مناسب با مقام و سن و شخصیت مخاطب باید نوشت. جای نوشتن کلمه پایانی معمولاً یک سطر پایینتر از متن و سمت چپ آخرین سطر آن است. در زیر برخی از کلمه‌های پایانی را نام می‌بریم:

- ۱- در نامه‌های خانواده‌گی: به امید دیدار، آرزومند سلامتی شما، به امید نامه‌های پرمحبت شما.
- ۲- در نامه‌های اداری: با تقدیم شایسته‌ترین احترامات، سپاسگزارم، با تشکر و سپاس فراوان، با عرض احترام.
- ۳- در نامه‌های دوستانه: دوست‌دار تو، به امید دیدار، آرزومند خوشبختی



تو، ارادت‌مندت، دوست همیشه به یادت.

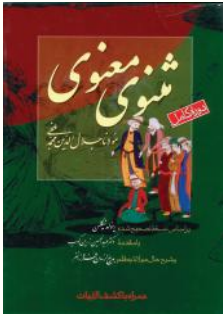
### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت، افکار و اندیشه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر صحبت کنند.

### املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با در نظر داشت قواعدی که خواندید در کتابچه تان یک نامه خانوادگی بنویسید



- ۱- چرا مولانا را در بیشتر نقاط جهان مردم می‌شناسند؟
- ۲- در مورد آثار مولانا معلومات دهید.
- ۳- در باره شمس‌الدین تبریزی چه می‌دانید؟
- ۴- مولانا به کجاها مسافرت کرد؟
- ۵- در باره سبک و طرز فکر مولانا چه می‌دانید؟
- ۶- کلمات عنوانی و پایانی کدام کلمه‌ها را می‌گویند؟

### کارخانه‌گی

- ۱- یک نمونه از شعر مولانا را انتخاب نموده، در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- این بیت‌ها را به حافظه بسپارید.  
ای آبشار! نوحه‌گر از بهر چیستی      چین بر جبین فگنده در اندوه کیستی  
دردت چه درد بود که چون من تمام شب      سر را به سنگ می‌زدی و می‌گریستی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرد.

## درس چهاردهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- ورزش چیست؟
- ۲- دربارهٔ ورزش بزکشی چه می‌دانید؟
- ۳- دربارهٔ شنا و دوش چه می‌دانید؟
- ۴- دربارهٔ نامه‌های اداری معلومات دهید.
- ۵- آیا می‌دانید که ریسمان‌کشی چگونه یک بازی است؟

### ورزش‌های باستانی کشور ما افغانستان

همان‌گونه که می‌دانید ورزش برای صحت و تندرستی، نهایت مفید می‌باشد؛ چنانکه شاعری چه زیبا گفته است:

ز نیرو بود مرد را راستی      ز سستی کژی زاید و کاستی  
بزکشی، تیراندازی، نیزه‌بازی، دوش، شنا یا آب‌بازی، چوگان‌بازی، شکار، توپ‌دنده،  
ریسمان‌کشی و کُشتی، از جملهٔ ورزش‌های باستانی کشور ما افغانستان عزیز و گرامی است  
که به شرح و معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

#### بزکشی

بزکشی ورزش ملی و یکی از بازی‌ها و مسابقات گروهی و عنعنوی است. این ورزش بیشتر بین مردم صفحات شمال کشور مروج بوده و به مناسبت‌هایی گوناگون گاه‌گاهی در کابل، پایتخت کشور نیز انجام می‌یابد. نحوهٔ انجام این ورزش و بازی به صورتی است که عده‌یی از سوارکاران برای کنترل لاشهٔ یک گوسالهٔ تازه ذبح‌شده باهم به رقابت می‌پردازند. سوارکاران باید لاشهٔ بز را در حین سوارکاری از روی زمین بر داشته و آن را با پیشی گرفتن از رقبا در محل مشخصی که معمولاً یک دایرهٔ علامت‌گذاری شده در میدان مسابقه و زمین بازی است، بر زمین بگذارند. بازی گران بزکشی چاپ‌انداز نامیده می‌شوند. این بازی به مناسبت‌های مختلف در جشن‌ها، روزهای ملی و ایام عید برگزار می‌گردد و تیم‌های چند ولایت با هم یکجا شده در ولایت‌های بزرگ و زون‌های کشور و هم در مرکز، در چمن حضوری کابل به مسابقه می‌پردازند.

افغان‌ها داستان‌های زیادی را از اسپ‌های افسانوی، مردان سوارکار نامی و نبردهای بزرگی که در آن شرکت می‌کردند، به یاد دارند. بزکشی به عنوان یک بازی شناخته‌شده به صورت ارثی به افغان‌های امروزی رسیده است. مردم بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان و فاریاب به عنوان مردمانی شناخته می‌شوند که در این رشته ورزشی مهارت زیادی دارند. ورزش کاران بزکشی با لباس‌های دراز، کلاه ضخیم، چین و قاقمه به همراه کفش‌های بزرگ ساق‌دار بزکشی، ملبس اند.

بازی بزکشی توسط دو نفر حکم، اداره می‌گردد که یکی از آن‌ها در داخل میدان و دیگر آن‌ها در خارج میدان بزکشی دآوری می‌کند. در دو گوشه میدان دو دایره که در وسط آن یک‌یک بیرق به رنگ سرخ و آبی که نشان‌دهنده دو تیم می‌باشد، موجود است و یک دایره در بین این دو دایره مایل به وسط میدان با بیرق سفید است که بیانگر دایره شروع می‌باشد. یک بیرق بزرگ با پایه بلند در اخیر میدان است. هر تیمی که گوساله را از دایره شروع برداشته و بعد از عبور از بیرق به دایره حلال انداخت برنده یک امتیاز شناخته می‌شود. اسپ‌های بزکشی اسپ‌های معمولی نبوده؛ بلکه دارای جسامت قوی، هیکل بلند، پاهای قوی و بلند، گردن افراشته و نسل عالی می‌باشند.

## ورزش کشتی

ورزش کشتی، مانند بزکشی از ورزش‌های مشهور باستانی کشور ماست. کشتی، همچون بزکشی به طور معمول در روزهای ملی و جشن‌ها برگزار می‌شود. این ورزش در نقاط مختلف افغانستان رایج است. در مسابقه مردان جوان، لباس‌های مخصوصی را می‌پوشند و با رقیبان‌شان به رقابت می‌پردازند.

## ریسمان‌کشی

یکی از جمله بازی‌های عنعنوی در افغانستان ریسمان‌کشی است. این بازی میان جوانان در ولایت‌های مختلف افغانستان رواج دارد و آن را در ایام تعطیل انجام می‌دهند. این بازی جهت رشد قدرت و توازن و هماهنگی میان افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. وسیله

این بازی، یک ریسمان به طول ۲۰ متر و یا اضافه‌تر از آن می‌باشد. شروع ریسمان‌کشی باید تدریجی باشد. این ورزش در صورت مداومت نه تنها باعث تقویت قلبی و تنفسی می‌شود؛ بلکه استقامت عضلاتی را نیز افزایش می‌دهد.

## دوش

دوش، نیز یکی از ورزش‌های باستانی کشور و از متداول‌ترین فعالیت‌هایی است که به منظور افزایش آمادگی عمومی و تندرستی مورد استفاده افراد قرار می‌گیرد؛ همچنان در بیشتر ورزش‌ها برای آمادگی جسمانی ورزشکاران کاربرد دارد. دوش می‌تواند تمام بدن و عضلات را فعال بسازد؛ بنابراین هدف از دوش حفظ سلامتی و برخورداری از نتایج مثبت آن می‌باشد.

## شناوری یا آب‌بازی

یکی دیگر از ورزش‌های باستانی کشور شنا یا آب‌بازی است که از جمله فعالیت‌های مناسب برای آمادگی قلبی و تنفسی می‌باشد. مزایای فیزیولوژیکی شنا شبیه دوش است؛ ولی تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد که باید به آن‌ها توجه شود. نخستین تفاوت این است که در شنا علاوه بر مصرف انرژی برای حرکت دست و پا، مقدار انرژی دیگر باید صرف شناوری بدن شود تا باعث بهبود قدرت و استقامت عضلاتی گردد.

## نیزه‌بازی

نیزه‌بازی، نیز یکی از بازی‌ها و ورزش‌های باستانی است که در مناطق جنوبی وطن عزیز ما افغانستان، مثل غزنی، پکتیکا، پکتیا، لوگر، خوست و غیره رواج دارد. نیزه‌بازی از جمله عنعنات خاص این مردم است و اسپ‌ها را برای نیزه‌بازی از وزیرستان می‌آورند که به نام اسپ‌های وزیری یاد می‌شود. این اسپ‌ها دارای گردن‌های بلند، گوش‌های تیز و باریک و اندام متناسب می‌باشند. نیزه‌ها، نوک تیز دارند که از آهن و فولاد محکم ساخته شده و به نوک چوب بانسی دو سه متره نصب می‌شوند. نیزه‌بازان سوار بر اسپ خود در حالی که با

دست چپ لگام اسپ و با دست راست نیزه را می‌گیرند، به نوبت به محل بازی رفته به هدف برداشتن میخ با نوک نیزه، اسپ خود را به سوی آن می‌تازند و دهل‌چی‌ها غرض تهییج سوارکاران و اسپ‌ها دهل می‌زنند. سوارکاران نوک نیزه را با قوت به میخ چوبی می‌کوبند و آن را با مهارت و سرعت، بلند می‌کنند. هر یک از نیزه‌بازان اشتراک‌کننده به نوبت این فعالیت را انجام می‌دهند و هر که موفقیت بیشتر کسب کند به مرحله دوم راه می‌یابد. اجرای مسابقه غالباً دو سه ساعت را در بر می‌گیرد.

همین طور تیراندازی، چوگان‌بازی (در منطقه پامیرها)، شکار و توپ‌دنده از جمله ورزش‌ها و بازی‌های باستانی در کشور ماست.



**قاقمه:** نوعی لباس است که بیشتر به رنگ زرد بوده، سخت و محکم می‌باشد و در بزکشی و دیگر کارهای شاقه آن را می‌پوشند.

## بیاموزیم

- ۱- ورزش برای صحت و تندرستی مفید می‌باشد.
- ز نیرو بود مرد را راستی      ز سستی کژی زاید و کاستی
- ۲- بزکشی، نیزه‌بازی، تیراندازی، چوگان‌بازی، ریسمان‌کشی، دوش، شنا یا آب‌بازی و توپ‌دنده از بازی‌ها و ورزش‌های باستانی کشور ماست.
- ۳- ورزش بزکشی در اکثر ولایات کشور اعم از بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، سرپل و فاریاب صورت می‌گیرد.

## • نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

تمام مکتوب‌هایی که در داخل یک ارگان، اداره و سازمان یا خارج از آن با ارگان، اداره و یا سازمان دیگری به منظور انجام یافتن کارهای اداری و در شکل و فورم مخصوص همراه با تشریفات اداری مبادله می‌گردد، نامه اداری نامیده می‌شود. نامه رسمی اداری به منزله سند اداری است. اسناد اداری تمام سندهایی را می‌گویند که به امور ارگان، اداره و یا سازمان و همچنین اسناد و سوابقی که به صورت نوشته (نامه‌های اداری و دوسیه‌ها، نقشه‌ها، عکس‌ها، تصاویر و...) و اسناد صوتی و تصویری ثبت شده (کست‌ها و سی‌دی‌ها) و مانند این‌ها در هر ارگان، اداره و سازمان به منظور اجرای وظایف اداری رسماً ایجاد، دریافت و یا صادر می‌گردند.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون ورزش‌های باستانی کشور به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره آب‌بازی و نیزه‌بازی معلومات دهد.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.



## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید، متن کامل یک نامهٔ اداری را بنویسید.

## خود آزمایی



- ۱- ورزش برای انسان چه فایده دارد؟
- ۲- ورزش‌های باستانی مشهور کشور را نام ببرید.
- ۳- در بارهٔ نیزه‌بازی و ریسمان‌کشی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
- ۴- در بارهٔ نامه‌های اداری معلومات دهید.

## کارخانه‌گی



- ۱- نقش ورزش را در صحت و تندرستی انسان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بنگارید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
که چون کاهلی پیشه گیرد جوان      بماند تنش پست و تیره روان  
فردوسی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

از شاگردان خواسته شود تا به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

۱- نصیحة الملوک اثر کی است و در کدام سال نوشته شده است؟

۲- کیمیای سعادت نوشته کیست؟

۳- کتاب نصیحة الملوک توسط کی به عربی ترجمه شده است؟ نام بگیرید.

## نصيحة الملوک

نصيحة الملوک از جمله آثار معتبر امام غزالی رحمته الله بوده و به زبان دری نوشته شده است. وی آن را در حدود سال ۵۰۳ هـ. ق. برای سلطان سنجر نوشت. تألیف این کتاب در اواخر حیات حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی صورت گرفته و توسط صفی‌الدین ابوالحسن علی بن مبارک، شاعر و نویسنده ذواللسانین قرن ششم، به عربی ترجمه شد. این اثر متضمن اندیشه‌های غزالی در پایان زنده‌گانی است. موضوع این کتاب حکمت عملی می‌باشد که البته بر مبنای دین بنا شده است. غزالی این کتاب را در هدایت و راهنمایی پادشاه و درباریان نوشته است، نخست از اصول اعتقاد و ایمان سخن گفته و آن‌گاه باب‌هایی در سیرت شاهان، وزیران، دبیران و در حکمت دانایان آورده و در آغاز کتاب چنین آمده است:

«قال الشيخ الامام، بعد بدان ای ملک مشرق که خدای تعالی بر تو نعمت‌های بسیار کرامت کرده است و شکر این بر تو واجب و لازم است و هر که نعمت خدای عزوجل را شکر نکند نعمت بر وی زوال آید و در تشویر و خجلت و تقصیر بماند در قیامت و هر نعمت که به مرگ سپری شود آن نعمت را نزدیک خردمندان قدری نباشد، اگر چه عمر دراز بود، چون سپری شود چه سود دارد...، قدر نعمتی را بود که باقی و جاویدان بود، آن نعمت جاویدان ایمان بود، که ایمان نعمت جاویدان است و ایزد تعالی ترا این نعمت داده است و تخم ایمان در سینه پاک و دل عزیز تو نهاده است و پرورش آن تخم به تو گذاشته است...»

این اثر دارای یک مقدمه و هفت باب است که در مجموع تمام بخش‌های کتاب نصیحة الملوک مبین دستورهای حکیمانۀ حکما و بزرگان منطقۀ و کارنامۀ دانایان گذشته بوده و نیز موضوعاتی؛ چون: عدالت اجتماعی، رسوم، مساوات و برادری، آزادی اجتماعی، بیان قصص و امثال، حکایات مربوط به سلف و روزگاران گذشته این مرز و بوم که مهد



پرورش و ظهور مفاخر تاریخی است را در بر دارد. نصیحة الملوک در حقیقت روشنگر درجه فکر و ترقیات روحی و اخلاقی، فرهنگ و تمدن فروزنده باستانی این سرزمین می‌باشد؛ همچنان امام محمد غزالی در این اثر در مورد آیین کشورداری و کشورگشایی، گسترش عدل و داد، آیین آزادی و برابری عموم طبقات مردم و تابعیت تمام مردم از قانون شریعت بحث‌های باارزشی نموده است.

این کتاب می‌نمایاند که نثر دری غزالی شیوا و ساده بوده و در عباراتش صراحت و روشنی خاصی متجلی است. این اثر نمایان‌گر توانایی امام غزالی در نویسنده‌گی است و با آنکه او در نثر عربی هم نویسنده چیره‌دستی بود، کاربرد واژه‌های زبان عربی در آثار دری او به هیچ وجه از معاصرانش بیشتر نیست.



- \* ذواللسانین: کسی که به دو زبان شعر بسراید، نویسنده‌گی کند و تکلم نماید.
- \* شریعت: راه و روش و آیینی که خداوند برای بنده‌گان خود روشن ساخته است.
- \* فلسفه: حکمت، که در مبادی و حقایق اشیا و علل وجود آن‌ها بحث می‌کند.

### بیاموزیم

۱- غزالی از مشهورترین متکلمان و عالمان دین اسلام در قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌باشد. وی علوم دینی و ادبی را در زادگاهش فرا گرفت؛ سپس به نیشاپور رفت و به تحصیل علم پرداخت و در بیست و هشت ساله‌گی در علوم متداول دینی زمان خود استاد گردید. وی گذشته از مقام بزرگش در علوم مختلف، در نثر دری هم مقام خاصی دارد و در آوردن لغت‌ها و اصطلاحات جدید به طریق ساده و درخور فهم عوام قدم‌های تازه‌یی در نثر دری برداشته است.

۲- از آثار معتبر دری غزالی رحمته الله علیه نصیحة الملوک است که در حدود سال ۵۰۳ هـ. ق. به درخواست سلطان سنجر سلجوقی نوشته شده است.

۳- نصیحة الملوک به زبان عربی ترجمه شده است.

۴- امام غزالی یکی از نوابغ متفکر بشر و از جمله ائمه و پیشوایان مصلح بزرگ اجتماع است که در فنون، فقه، حدیث و تفسیر قرآن، فلسفه، کلام، عرفان و معارف اسلامی دانشمند

محقق و عالم صاحب‌نظر و دارای درجهٔ اجتهاد مطلق بود.

۵- غزالی در حدود هفتاد کتاب و رساله در علوم دین، اصول کلام، حدیث، اخلاق، فلسفه، منطق و تصوف تألیف کرده است که مشهورترین آثار دری وی کیمیای سعادت، نصیحة‌الملوک و مکاتیب فارسی دری است.

۶- نثر دری غزالی در نوشته‌هایش، به ویژه نصیحة‌الملوک فصیح، شیوا و ساده است و در عباراتش صراحت و روشنی خاصی دیده می‌شود که نمایان‌گر توانایی او در نویسنده‌گی می‌باشد.



### • انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر شکل

نامه‌های اداری از نظر شکل، موضوع، ماهیت و چگونگی استفاده و ارسال، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

- ۱- نامه‌های وارده: تمام نامه‌هایی است که از خارج اداره، سازمان و یا مؤسسه دریافت شده باشد و در دفترهای اداره یا سازمان، شماره‌بندی وارده به آن تعلق می‌گیرد.
- ۲- نامه‌های صادره: نامه‌هایی که از سازمان یا اداره به خارج آن فرستاده می‌شود و شماره صادره به آن تعلق می‌گیرد.

۳- نامه‌های محرمانه: مکاتباتی که دسترسی و اطلاع به مفاد و محتوای آن‌ها برای همه کس مجاز نیست و فقط افراد خاصی در هر اداره و یا سازمان، می‌توانند از متن آن آگاه شوند.

۴- نامه‌های سرّی و کاملاً سرّی: نامه‌های سرّی اسنادی است که افشای آن به امنیت مملکت و مصالح دولت، لطمهٔ بسیاری وارد می‌کند و آن را به خطر می‌اندازد. این گونه نامه‌ها در جاهای مخصوص نگهداری شده و از آن‌ها حفاظت خاص به عمل می‌آید.

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب نصیحة‌الملوک به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کنند.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون ویژه‌گی‌های نویسنده‌گی امام غزالی معلومات ارائه کند.

۳- در مورد این سخن سقراط در برابر صنف صحبت کنید:  
 سقراط گفت: که این همه عالم به عدل مُرکبست، چون جور در آمد، عدل پایدار نباشد.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد، در کتابچه های خود املا بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت تصویر، یک پارچه متن ادبی بنویسید.



## خود آزمایی



- ۱- در مورد امام غزالی چه می دانید؟
- ۲- سه اثر معروف امام غزالی را نام ببرید.
- ۳- نصیحة الملوك به درخواست چه کسی و پیرامون چه موضوعاتی تحریر یافت؟
- ۴- نثر کتاب نصیحة الملوك امام غزالی کدام خصوصیات را در خود دارد؟

## کارخانه گی

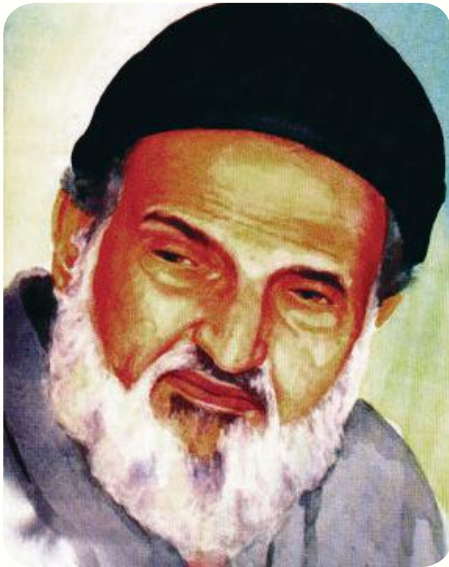


- ۱- در باره ویژه گی های کتاب نصیحة الملوك معلومات تان را در چند سطر بنویسید.
- ۲- این بیت را معنا کرده و به حافظه بسپارید:  
محیط دایره آن کس به سر تواند برد  
که پای جهد چو پرکار استوار کند  
قائمی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

به پرسش‌های زیر از شاگردان پاسخ گرفته شود:

- ۱- حیدری وجودی کیست؟
- ۲- آثار مطبوع حیدری وجودی را نام ببرید.
- ۳- حیدری وجودی کدام مقاله‌ها را به رشته تحریر در آورده است؟
- ۴- اشعار حیدری وجودی را چه کسانی نقد و اصلاح می‌کردند؟

### حیدری وجودی



حیدری وجودی فرزند مولانا شفیع‌الله در سال ۱۳۱۸ هـ. ش. در یکی از دهکده‌های زیبای دره پنجشیر دیده به جهان گشود. نخست قاعده بغدادی و قرآن مجید را در مسجد در محضر علمای دینی آن وقت فرا گرفت و در سال ۱۳۲۶ هـ. ش. شامل مکتب ابتدایی رخه پنجشیر شده و در پهلوی درس‌های مکتب به طور خصوصی یک سلسله کتاب‌های فقهی را خوانده است. حیدری وجودی در صنف پنجم مکتب بود که در رؤیا از اثر حادثه روحانی حالش دگرگون شد؛ پس از فراغت از صنف ششم از اثر همین دگرگونی حالش نتوانست به آموزش‌های رسمی ادامه دهد.

حیدری وجودی در اوایل سال ۱۳۳۳ هـ. ش.

به کابل آمد و در روزهای نخست آمدنش در کابل به مناسبت سرایش شعر و فعالیت‌های ادبی با مولانا خال محمد خسته، صوفی عشق‌ری و شایق جمال آشنا شد. خسته و شایق در نقد و اصلاح سروده‌هایش توجه فراوانی داشتند.

در سال ۱۳۴۳ هـ. ش. در چوکات وزارت معارف انجمنی به نام «انجمن شعرای افغانستان» تأسیس شده بود که حیدری وجودی در آن انجمن به حیث محرر موظف شد. بعد مسؤول بخش جراید و مجله‌های کتابخانه عامه گردید. نخستین سروده حیدری وجودی مصراع زیر است:

«چه بودی رو نمودی دل ببردی بیدلم کردی»

## کار و مسؤولیت‌های فرهنگی

- ۱- معاون کانون دوست‌داران مولانا
- ۲- عضو مؤسسان بنیاد فرهنگ افغانستان
- ۳- رئیس بنیاد غزالی
- ۴- رئیس کانون فرهنگی سیمرخ

## نمونه کلام وجودی

### شاهد حال

داغ دل نگار ما شمع سر مزار ماست آیینۀ جمال تو این دل بی‌غبار ماست باغ و گل و بهارها سینۀ داغدار ماست شام و سحر به یاد او خاطر بی‌قرار ماست نغمۀ آبشارها دیدۀ اشکبار ماست مست الست می‌روم عشق و امید یار ماست عظمت و شان زنده‌گی بر دل کوهسار ماست مستی و حال عاشقان نالۀ موج‌دار ماست با همه کس برادری در همه جا شعار ماست	شاهد حال زار ما چهرۀ زرد و زار ماست دستگه جلال تو، جلوه‌گه وصال تو روضۀ عالم صفا، غنچۀ گلشن وفا روح امید و آرزو جان و جهان جستجو موجۀ رودبارها زمزمۀ هزارها سد ره وفای ما خار هوس نمی‌شود راز جهان زنده‌گی سر نهان زنده‌گی زنگ درای کاروان گرمی و سیر رهروان صلح و صفا و یآوری مهر و وفای حیدری
--	---

\*\*\*



**شاهد:** شهادت‌دهنده، گواهی‌دهنده، کسی که امری یا واقعیهی را به چشم خود دیده باشد و گواهی بدهد. در زبان دری به معنای معشوق و محبوب هم آمده است.

### بیاموزیم

- ۱- حیدری وجودی در سال ۱۳۱۸ هـ. ش. در یکی از دهکده‌های درۀ پنجشیر دیده به جهان گشود.
- ۲- حیدری وجودی با شاعران معاصر، چون خال محمد خسته، صوفی عشق‌ری و شایق جمال آشنا گردید و اشعارش توسط ایشان نقد و اصلاح می‌شد.

۳- حیدری وجودی از اول اسد ۱۳۴۳ هـ. ش. بدین سو ۱۳۸۹ هـ. ش. مسؤول بخش جراید و مجله‌های ریاست کتابخانه عامه کابل می‌باشد.



### • انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر موضوع

نامه‌های اداری از نظر موضوع به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- نامه‌های شخصی - اداری: نامه‌هایی که از طرف مردم برای مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادهای سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... فرستاده می‌شود. مقصود از این مکتوب‌ها، انجام شدن امور شخصی است.
- ۲- نامه‌های اداری - شخصی: نامه‌هایی است که از طرف مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادهای سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... برای اشخاص فرستاده می‌شود.
- ۳- نامه‌های اداری - اداری: نامه‌هایی که بین قسمت‌ها و اداره‌های مختلف هر وزارتخانه و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مبادله می‌شود.

### • انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر ماهیت

نامه‌های اداری از نظر ماهیت کار نیز به گونه‌های سه‌گانه زیر تقسیم می‌شوند:

- ۱- نامه‌های خبری: این نامه‌ها نتیجه اقدامات انجام کاری را به اطلاع می‌رساند. در واقع، این نامه‌ها شروع یا پایان کاری را به گیرنده اطلاع می‌دهد.
- ۲- نامه‌های بازدارنده: نامه‌هایی اند که از انجام کار یا بروز حادثه‌یی جلوگیری می‌کنند.
- ۳- نامه‌های دستوری یا درخواستی: دستور یا درخواست انجام کار یا نتیجه آن از مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادهای سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و یا افراد است.

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های ادبی حیدری وجودی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را

به دیگران بگوید.

- ۲- چند تن از شاگردان در برابر صنف آمده، شعر زیر را تحلیل نموده و مفهوم آن را توضیح دهند:  
آینه‌ها بشکسته ام با اصل خود پیوسته ام  
از دام و صورت رسته ام از لفظ افزون گشته ام

### املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.  
۲- بیت زیر را اساس قرار داده، پیرامون آن چند سطر بنویسید:  
دستگه جلال تو، جلوه‌گه وصال تو      آیینۀ جمال تو این دل بی‌غبار ماست

### خود آزمایی



- ۱- حیدری وجودی در کدام سال و در کجا چشم به جهان هستی گشود؟  
۲- حیدری وجودی با کدام شعرا و نویسندگان معروف کشور آشنا شد؟  
۳- آثار چاپ شده حیدری وجودی را نام ببرید.  
۴- نامه‌های اداری - شخصی چه نوع نامه‌ها را گویند؟

### کارخانه‌گی



- ۲- غزل «شاهد حال» حیدری وجودی را به نثر ساده برگردانید.  
۳- این بیت را به حافظه بسپارید:  
فارغ نشسته ایم همه در کنار عمر      چون تندباد می‌گذرد نوبهار عمر  
از بس که بی‌ثبات بود هیچ‌کس نچید      هرگز گلی به کام دل از شاخسار عمر  
سیدای گُرخِی  
۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

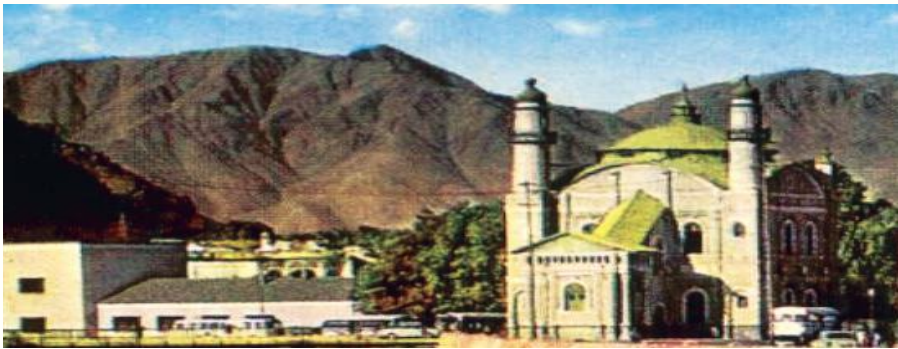


شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- در مورد پیام داستان بنای باد آنچه می‌دانید بیان دارید.
- ۲- کلمه‌های عامیانه‌یی که در داستان بنای باد به کار رفته، کدام‌ها اند؟
- ۳- آیا می‌توانید چند کلمهٔ عامیانه را از لابه‌لای متن داستان نام بگیرید؟
- ۴- در مورد نویسندهٔ داستان آنچه می‌دانید بیان نمایید.

از دکتور اکرم عثمان

## بنای باد



ما زیر صندلی نشسته بودیم. در پتۀ بالا مادرم، در پتۀ پایین من و خواهرم مریم و در پتۀ دیگر شهناز و شاه بوبو دختران کاکای پدرم. در روی سرای برف می‌بارید، برفی سفید و پنبه‌مانند. انگار ندافی در آن بالا بر تخت عاجگون ابرها نشسته است و هی با کمان و دستۀ ندافی پنبه‌های آسمان را باد می‌زند و ندافی می‌کند.

برف‌ها نه یک، نه دو، نه سه، بل هزارها از آسمان، یک‌نواخت و آرام پایین می‌آمدند و بر روی سرای و پشت بام‌ها بر سر یکدیگر می‌نشستند.

من از شیشه‌ها بیرون را نگاه می‌کردم؛ برف را که از آمدن خسته نمی‌شد و باد را که آواز می‌خواند و به چشم نمی‌آمد. من از باد و برف هر دو خوشم می‌آمد. باد را بیشتر می‌پسندیدیم چه مثل آدم‌ها زبان داشت و گپ می‌زد. شب‌ها همین که سگ‌ها در سیاهی داد و بیداد می‌کردند گمان می‌بردم که باد با بال‌های بردار و رنگ دودیش برای جانوران وحشی آواز می‌خواند و آن‌ها را به کشتی و مستی فرا می‌خواند.

باد مثل همیشه پشت شیشه‌های خانه می‌آمد. درهای بسته را باز و درهای باز را بسته می‌کرد؛ با وز وز زنبورمانندی پشت پرده‌ها مخفی می‌شد و مرا با اشارت‌های... فرا می‌خواند و همین که می‌خواستم پیدایش کنم و از پشت پرده‌ها بیرونش بیاورم مثل جن ناپدید می‌گشت و با یک جست نامریی بر نوک بالاترین شاخچه‌ها می‌نشست و باز نجواها و قصه‌هایش را از



سر می‌گرفت.

سرانجام به ستوه آمدم و در آن روز برفی که همه دور صندلی جمع بودیم از مادرم پرسیدم: «ببو جان! خانه باد ده کجاست؟ چرا صدایشه می‌شنویم و خودش را نمی‌بینیم؟»  
مادر کمی از سؤال متعجب شد و پس از چرتی کوتاه جواب داد: «جان مادر! باد، خانه نداره، از هر طرف که دلش بخواهد می‌وزه.»

شاه ببو که رو به روی مادرم در پتۀ دیگر نشسته بود گفت: «چرا بچه ره بازی میتی؟ مه خانیسه دیدیم، خانیس ده کوه آسمایی است، ده مابین یک غار تاریک که سر و آخرش معلوم نیست. او نصف شوها از خو می‌خیزه و غلغله‌کنان به طرف شهر می‌آیه.» بعد با سرانگشت آن کوه بلند را نشانم داد، دهانم باز ماند و چشمم به کوه افتاد.  
مریم خواهرم دخترک شوخ و هوشیار، بی‌محابا، انگشتش را در دهانم فرو برد و خنده‌کنان گفت: «غار دیگی شام اینجه اس.»

بی‌اندازه برآشفتم و چنان انگشتانش را با نیش‌های دندانم جویدم که چیغ و پیغش به هوا بلند شد و مادرم سیلی آبداری به گوشم زد و گفت: «باد بخوریت! کته بچه، آدم نمیشی.»

با این تویخ بیشتر به فکر باد افتادم. به فکر بادی که لابد دهان گشادی دارد، آدم‌خوار است و در یکی از مغاره‌های تاریک و ترسناک کوه آسمایی زنده‌گی می‌کند.  
از آن‌گاه به بعد، همواره شاهد بازی بادها با زمانه‌ها استم. گوشم به پشت در است، به پشت شیشه‌های اُرسی. باد با زبانی روان و افسونگر در گوشم آرام، آرام لالایی می‌خواند و می‌گوید که: «دم غنیمت دان، با زمانه سخت مگیر، چه زنده‌گی بر بنای باد آباد شده، تا به خود بجنبی خانه ریگی با توفان شبانه هموار می‌شود و از هستی نشانی نمی‌ماند....»



\* تخت عاج‌گون: عبارت تشبیهی، عاج به معنای دندان فیل و از لحاظ سفید بودن رنگ، ابر به آن تشبیه گردیده است.

\* کوه آسمایی: کوهی است در مرکز شهر کابل. به سبب ارتفاع زیادی که دارد از این کوه به عنوان برج مخابراتی استفاده می‌شود و فرستنده‌های متعدد تلویزیونی و رادیویی کابل روی این کوه قرار دارد.

\* دکتر اکرم عثمان در سال ۱۳۱۶ هـ. ش. در شهر هرات به دنیا آمده است. وی در رشته حقوق و علوم سیاسی تحصیل نموده و در همان رشته دکتورای خویش را از دانشگاه تهران



سفید گذاشته می‌شود.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و پیرامون چگونگی و خصوصیت داستان کوتاه بحث نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه بحث گروه خویش را به دیگران بیان دارد.
- ۲- یک تن از شاگردان پیرامون واژه‌های عامیانه‌یی که در داستان (بنای باد) به کار برده شده است، معلومات دهد.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید. با در نظر داشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید درخواست کار را در کتابچه‌های خود تمرین نموده، روز آینده با خود بیاورید.



- ۱- هدف و خلاصه داستان را بیان نمایید.
- ۲- داستان «بنای باد» از آثار کدام نویسنده است؟
- ۳- اکرم عثمان کیست و در کجا به دنیا آمده است؟
- ۴- به اساس کدام داستان‌های اکرم عثمان، فلم هنری ساخته شده است؟
- ۵- چند اثر دکتر اکرم عثمان را نام گرفته و بگویید که داستان‌های وی به کدام زبان‌ها ترجمه گردیده است؟

## کارخانه‌گی

۱. بیت زیر را عنوان قرار داده، در مورد آن چند سطر بنویسید:  
منشین با بدان که صحبت بد      گرچه پاکی ترا پلید کند  
آفتابی بدین بزرگی را      ذره ابر ناپدید کند  
سنایی
۲. متن کامل درس بعدی را خوانده، برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسب ارائه بدارند:

- ۱- مثنوی را تعریف کنید.
- ۲- مثنوی منسوب به چیست و چه معنا می‌دهد؟
- ۳- مثنوی سرایان بزرگ را نام ببرید.

### مثنوی و مثنوی سرایان بزرگ



مثنوی، منسوب به مثنی (دو دو، یا دوتا دوتا) یکی از قالب‌های شعری است که ابیات آن متحدالوزن و دو مصراع هر بیت آن بر یک قافیه است. مثنوی را مزدوج هم می‌گویند. در ساختن مثنوی چون هر بیت بر قافیه خاص و جداگانه است و با ابیات قبل و بعد خود فرق دارد و دست شاعر در آوردن قوافی مختلف باز می‌باشد؛ از این رو تعداد بیت‌های آن، گاهی به چندین هزار بیت می‌رسد و بدین جهت، برای سرودن مطالب مفصل و نظم داستان‌های تاریخی، رزمی،

بزمی، اخلاقی و عرفانی و اکثر غرض‌های شعری به کار می‌رود؛ مانند: شاهنامه فردوسی، گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی، مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، منطق‌الطیر فریدالدین عطار، حقیقه‌الحقیقه سنایی، بوستان مصلح‌الدین سعدی، خمسه نظامی گنجوی، هفت‌اورنگ مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی و....

نوع مثنوی، ابداع خراسان زمین بوده و قدیم‌ترین نمونه آن بیت‌های پراکنده‌یی است که از شاهنامه مسعودی مروزی (اواخر قرن سوم هـ.) باقی مانده است.

## نمونه‌هایی از مثنوی

به نام خداوند جان و خرد  
خداوند نام و خداوند جای  
خداوند کیوان و گردان سپهر  
ز نام و نشان و گمان برتر است  
به بیننده‌گان آفریننده را

بشنو از نی چون حکایت می‌کند  
کز نیستان تا مرا ببریده اند  
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق  
هر کسی کو دور ماند ز اصل خویش

خدایا به عزت که خواریم مکن  
مسلط مکن چون منی بر سرم  
به گیتی نباشد بتر زین بدی  
مرا شرمساری ز روی تو بس  
گرم بر سر افتد ز تو سایه‌ای  
اگر تاج بخشی سر افرازم

بیا ای جگرگوشه فرزندان  
صدفوار بنشین دمی لب خموش

کزین برتر اندیشه بر نگذرد  
خداوند روزی ده رهنمای  
فروزنده ماه و ناهید و مهر  
نگارنده بر شده گوهر است  
نبینی، مرنجان دو بیننده را  
فردوسی

از جدایی‌ها شکایت می‌کند  
وز نفیرم مرد و زن نالیده اند  
تاب‌گویم شرح درد اشتیاق  
باز جوید روزگار وصل خویش  
مولوی

به ذل گنه شرمسارم مکن  
ز دست تو، به گر عقوبت برم  
جفا بردن از دست هم‌چون خودی  
دگر شرمسارم مکن پیش کس  
سپهرم بود کمترین پایه‌ای  
تو بردار تا کس نیندازدم  
سعدی

بنه گوش بر گوهر پند من  
چو گوهر فشانی به من دار گوش

شنو پند و دانش به آن بار کن      چو دانستی آن گه برو کار کن  
 جامی  
 شد جوانی پیش پیری نامدار      دید او را کرده در کنجی قرار  
 بود تنها هیچ کس با او نبود      یک نفس یک همفَس با او نبود  
 گفت تنها می‌نگردی تنگدل      پیر گفتش ای جوان سنگدل  
 با خدای خویش دایم در حضور      چون توان شد تنگدل از پیش دور  
 هر که او با همدم خود همبر است  
 یک دم از ملک دو کونش خوش تر است  
 عطار

### بیاموزیم

- ۱- مثنوی، منسوب به مثنی (دو دو، یا دوتا دوتا)، شعری است که بیت‌های آن متحدالوزن و دو مصراع هر بیت آن بر یک قافیه است. مثنوی را مزدوج هم می‌گویند.
- ۲- تعداد بیت‌های مثنوی به چندین هزار می‌رسد.
- ۳- مثنوی برای سرودن نظم و داستان‌های تاریخی، رزمی، بزمی، اخلاقی، عرفانی و... به کار می‌رود.
- ۴- از مثنوی‌سرایان بزرگ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، فردوسی، عطار، سنایی، سعدی، نظامی، جامی و... را می‌توان نام برد.



### • طرح نامه‌ها (مکتوب‌های) رسمی دولتی

نامه‌های رسمی دولتی از نظر شکلی دارای ساختار ویژه‌ای اند که این طرح و ساختار، نماینده‌گی

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت	د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د پوهنې وزارت	د پوهنې وزارت
د کلتوري میراثونو ریاست	د کلتوري میراثونو ریاست
د اداري مدیریت	د اداري مدیریت
ننځیره	ننځیره
تاریخ	تاریخ

پلازمېنه، د کابل ښار، د افغانستان اسلامي جمهوري دولت

از رسمي بودن آن‌ها می‌کند. بخش‌های اصلی طرح نامه رسمی دولتی به شرح زیر است:

۱- نشان رسمی دولت (دوسانتی متر پایین تر از کناره بالایی صفحه)

۲- نام کامل دولت و کشور (در سطر اول)

۳- نام عالی‌ترین مقام همان ارگان (وزارت، ریاست مستقل و.... در سطر دوم)

۴- نام ریاست (در سطر سوم)

۵- نام مدیریت (در سطر چهارم)

۶- شماره دفتری (در سطر پنجم)

۷- تاریخ (در سطر ششم)

۸- آدرس و شماره‌های تماس (نیم سانتی متر بالاتر از کناره پایینی صفحه، با خط کوچک)

## تفصیلات

۱- در زبان‌هایی که شیوه نوشتاری آن‌ها از راست به چپ است، نشان دولتی در سمت راست صفحه قرار می‌گیرد و در زبان‌هایی که شیوه نوشتاری شان از چپ به راست است، نشان دولتی در سمت چپ صفحه قرار می‌گیرد.

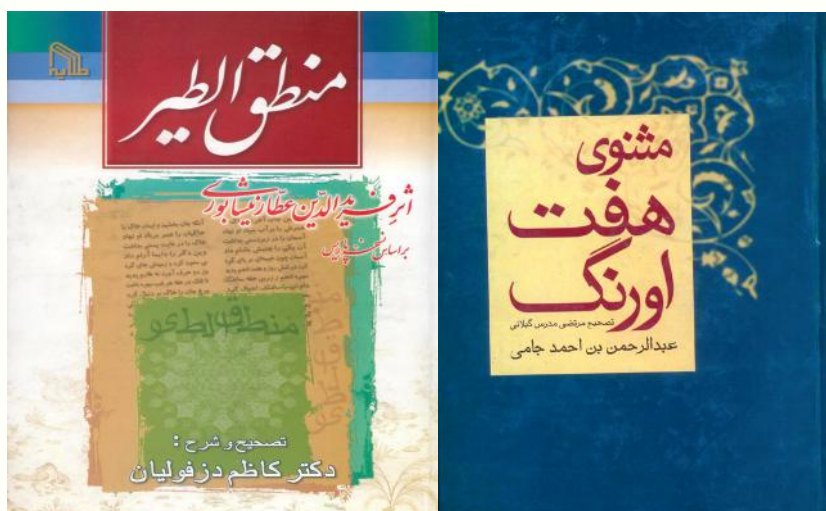
۲- کشورهایی که دارای دو زبان رسمی اند، نشان دولتی شان در وسط صفحه قرار گرفته و موارد دیگر، با هر دو زبان، در دو کنار نشان دولتی نوشته می‌شوند.

۳- برخی از اداره‌های دولتی دارای نشان خاص خود می‌باشند که در این صورت، نشان دولتی در جای اصلی خود قرار می‌گیرد و نشان آن اداره در سمت دیگر صفحه. موارد دیگر، با هر دو زبان در وسط هر دو نشان نوشته می‌شود.

۴- در گذشته‌ها اداره‌های دولتی ما، نامه‌های مورد نیاز را قبلاً چاپ کرده و در دفترها نگهداری می‌کردند؛ اما امروز بسیاری از ادارات، یک طرح کامل نامه رسمی را در کامپیوترهای خود ذخیره دارند؛ هنگامی که نامه‌یی نوشتند، یک کاپی آن را گرفته و در روی همان طرح سفید کامپیوتری نصب می‌کنند؛ سپس آن را توسط ماشین چاپ(پرتر) به چاپ رسانده، به مرجع مربوط می‌فرستند.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مثنوی و مثنوی سرایان بزرگ به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون مثنوی سرایی توضیحات لازم را ارائه دهد.
- ۳- چند تن از شاگردان در مورد تصویرهای زیر، چند دقیقه صحبت کنند.





## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید متن یک مکتوب رسمی کامل را بنویسید.



- ۱- مثنوی نوع قالب شعری است؟
- ۲- چند تن از مثنوی‌سرایان مشهور را نام ببرید.
- ۳- این بیت را معنا نمایید:  
خداوند کیوان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر
- ۴- در باره نامه‌های رسمی دولتی چه می‌دانید؟ بیان کنید.
- ۵- تعداد بیت‌های مثنوی به چند بیت می‌رسد؟

## کارخانه‌گی

- ۱- بیت زیر را عنوان قرار داده، در مورد آن چند سطر بنویسید:  
مده ناخوب را بر خاطر م راه  
بدار از ناپسند دست کوتاه
  - ۲- این نقل قول را به حافظه بسپارید:  
داناترین مردم، کسی است که از مردم نادان فرار می‌کند.
- (حضرت محمد ﷺ)
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس نهم

برای پرسش‌های زیر از شاگردان پاسخ گرفته شود:

- ۱- در مورد رسانه‌ها چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
- ۲- دربارهٔ فواید و ضررهای رسانه‌های بین‌المللی در جامعهٔ سنتی افغانستان چه می‌دانید؟
- ۳- نقش رسانه‌ها را در انعکاس واقعیت چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۴- کدام رسانه‌ها بیشتر موفق هستند؟

### نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه

رسانه، وسیله‌ی است که اخبار و اطلاعات را به وقت و زمانش به مردم می‌رساند. رسانه‌ها به چند نوع اند: رسانه‌های چاپی؛ مانند: روزنامه، جریده مجله و رسانه‌های برقی- صوتی تصویری؛ مانند: رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اینترنتی. در جهان امروز رسانه‌ها با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادلهٔ افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی را بر عهده دارند؛ به طوری که بسیاری از دانشمندان، عصر کنونی را «عصر ارتباطات» و «عصر رسانه‌ها» نامیده‌اند. تمرکز گروه‌های وسیع انسانی در شهرهای بزرگ، شرایط خاص، تمدن خاص صنعتی و پیچیده‌گی وضع زنده‌گی اجتماعی، وابسته‌گی‌ها و همبسته‌گی‌های ملی و بین‌المللی، ناامنی، بحران‌ها، تحول نظام‌های سیاسی و اجتماعی، دگرگونی مبانی فرهنگ و به خصوص بیداری وجدان اجتماعی همه از جملهٔ عواملی هستند که روز به روز نیاز انسان را به آگاهی از تمام حوادث و وقایع جاری محیط زنده‌گی بیشتر می‌سازند؛ تا جایی که پیشرفت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و تفاهم بین‌المللی لازم و ملزوم یکدیگر شده‌اند؛ در این جوامع افراد کوشش می‌کنند همیشه در جریان همهٔ امور و مسایل اجتماعی قرار داشته باشند تا بتوانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش خاص خویش را در زنده‌گی گروهی ایفا کنند. به همین جهت، آگاهی اجتماعی از مهم‌ترین تقاضاهای زمان معاصر به شمار می‌رود و همین آگاهی است که انسان را به زنده‌گی فردی و جمعی علاقه‌مند می‌سازد و توجه او را به آزادی‌ها و مسؤولیت‌های وی جلب می‌کند. نقش‌هایی که برای یک رسانه می‌توان بر شمرد عبارت‌اند از:

**(الف) رسانه و اعتمادسازی:** اعتمادسازی در زمینه سیاست‌های کلی یک جامعه و نظام، یکی از وظایف و نقش‌های مهم رسانه است. رسانه از این طریق می‌تواند در ترسیم اهداف، اولویت‌ها و تبیین برنامه‌ها و همچنین بسیج نیروهای جامعه نقشی به سزا داشته باشد. با این امر اجرای برنامه‌ها با آگاهی کامل مردم و همراهی عمومی ایشان با کمترین مشکل و درگیری‌ها قابل اجرا خواهد بود.

**(ب) رسانه و انعکاس واقعیت‌ها:** انعکاس واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی بدون تردید یکی از ملزومات فعالیت‌های رسانه‌یی است. در این راه رسانه باید به هیچ وجه جانب گروه‌ها و نهادهای خاص و مختلف را نگیرد و برای مخالفان و موافقان فرصت کافی برای ابراز نظر را زمینه‌ساز شود.

**(ج) رسانه و نقد سازنده:** نگاه واقع‌بینانه به مسایل جامعه، به خصوص مسایل اجتماعی و اقتصادی خود یک نقد سازنده است. اگر رسانه‌یی بتواند نقش خود را در انعکاس بدون کم و کاست و واقعی یک اتفاق و ماجرای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رعایت کند، خود گام مهمی در تنویر افکار عمومی برای نقد مسایل به حساب می‌رود.

**(د) رسانه و پیش‌بینی بحران:** یک رسانه زمانی موفق‌تر از بقیه رسانه‌های هم‌تراز خود خواهد بود که بتواند قبل از هر کس بحران‌های قریب‌الوقوع را تشخیص، تحلیل و پیش‌بینی نماید و برای برخورد با آنان و تغییر جریان آن راهکارها و طرح‌های جدید ارائه دهد.

**(ه) رسانه و اعتبار:** هر رسانه برای اعتبار بخشیدن به خود، ناچار است اصول اولیه خبررسانی را که شامل شهرت، صحت و تازه‌گی اخبار می‌شود رعایت کند. توجه به درستی و سرعتی که در انتشار آن باید در نظر گرفته شود، نقش مهمی را در ایجاد اعتبار برای رسانه ایفا می‌کند.

رسانه‌ها یکی از ضرورت‌های اساسی جوامع بشری هستند و از آن جمله رسانه‌های تصویری از پدیده‌های عصر جدید است که در کشور ما و سایر نقاط جهان بیننده‌های زیادی دارد.

رسانه‌های تصویری در دنیای اطلاعات شور و غوغا بر پا کرده است. کار و فعالیت رسانه‌ها، به خصوص رسانه‌های تصویری تنها در اطلاع‌رسانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ارائه برنامه‌های علمی، تفریحی، خانوادگی و نمایش حوادث و رویدادها، درامه‌ها، سریال‌ها و فیلم‌های مختلف نیز شامل کار رسانه‌های تصویری می‌گردد. امروز کمپیوتر نیز یکی از رسانه‌های تصویری مهم به شمار می‌آید. بدون تردید، رسانه‌ها در تنویر اذهان مردم نقش زیادی دارند و مردم را از حوادث جهان مطلع می‌سازند، بر معلومات شان افزوده می‌شود و از انکشافات، ترقی، پیشرفت علوم و تکنالوژی بهره‌مند می‌گردند؛ البته رسانه‌ها، از جمله رسانه‌های تصویری و تماشای آن‌ها دارای فواید و ضررهایی نیز می‌باشد.

رسانه‌ها بزرگ‌ترین منبع گزارش خبر هستند و اخبار را به صورت مستند و گاه مستقیم پخش می‌کنند.

تلویزیون یک آموزشگاه است و از جمله درس‌های قرآن کریم، تجوید و سایر علوم و نیز درس‌های مکتب را می‌توان از طریق تلویزیون فراگرفت. به این طریق تلویزیون اذهان بینندگان و شنونده‌گان را روشن می‌سازد. از رسانه‌ها با توجه به ارزش‌ها، مقدسات و عنعنات و رسم و رواج‌های پسندیده کشور و مردم ما، باید استفاده درست صورت گیرد. در قدم اول بزرگان خانواده متوجه این امر باشند و نگذارند فرزندان شان برنامه‌های مبتذل رسانه‌ها را ببینند و دولت نیز در امر توجه به رسانه‌ها مسؤولیت دارد، تا برنامه‌های رسانه‌ها را کنترل کند و برنامه‌ها را مطابق به نیاز جامعه ما سازگار بسازد.



• تلویزیون: یک اختراع تخنیکی پیشرفته، سمعی و بصری و جوانترین پدیده معاصر می‌باشد که در نتیجه تجربیات علمی فراوان در زمینه علوم، به ویژه الکترونیک در قرن بیست متداول شد. عمر این رسانه جمعی به شصت سال نمی‌رسد. با وجود این همه ویژه‌گی‌های تلویزیون

از جمله فراگیر بودن و توانایی برقراری ارتباط مستقیم تصویری با مخاطبان بی‌شمار خود، توانایی فراوانی در عرصه استفاده از ارتباطات بخشیده است.

## بیاموزیم

۱- رسانه، وسیله‌ای است که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند؛ مانند: روزنامه، جریده، مجله، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اینترنتی.

۲- رسانه‌ها بر دو نوع اند: ۱- رسانه‌های چاپی ۲- رسانه‌های برقی

۳- نقش‌هایی که برای یک رسانه می‌توان برشمرد، عبارت اند از: اعتمادسازی، انعکاس واقعیت‌ها، نقد سازنده، پیش‌بینی بحران‌های احتمالی و اعتبار.

۴- کار رسانه‌ها تنها به اطلاع‌رسانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه آرایه برنامه‌های علمی، تفریحی، خانواده‌گی و نمایش حوادث و رویدادها، درامه‌ها، سریال‌ها و فلم‌های مختلف را نیز شامل می‌شود.

۵- نقش رسانه‌ها، به خصوص تلویزیون بسته‌گی به چگونه‌گی استفاده از آن دارد که می‌تواند مفید باشد و یا مضر. اگر ما با در نظر داشت احکام و ارشادات دین مقدس اسلام و رسم و رواج‌های پسندیده اسلامی و افغانی از رسانه‌ها استفاده نکنیم می‌تواند مضر واقع شود.



## • بخش‌های اصلی نامه اداری (مکتوب)

منظور از بخش‌های اصلی نامه‌های اداری، این است که چگونه یک نامه کامل اداری را قالب‌بندی کرده و آن را روی کاغذ بیاوریم. این بخش‌ها بر اساس آنچه در اداره‌ها و مؤسسه‌های گوناگون، رایج و متداول و در عرف اداری نیز پذیرفته شده و تقریباً ثابت است، باید به شکل زیر باشد:

۱- آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن این قسمت لازم نیست).

۲- تاریخ صدور نامه

- ۳- شماره دفتری یا صادره
- ۴- عنوان (خطاب به گیرنده نامه)
- ۵- آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامانه در ابتدای نامه)
- ۶- متن نامه
- ۷- پایان نامه (عبارت یا جمله احترامانه پایانی)
- ۸- در قسمت ختم آخرین سطر نامه (نام و موقف دولتی امضاکننده)
- ۹- امضای مسؤول دفتر صادرکننده
- ۱۰- ذکر ضمیمه‌ها یا پیوست‌ها با تعداد اوراق آن (کنار چپ صفحه اول)



### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان مردم به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، انواع رسانه‌ها را توضیح دهد.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر صحبت کنند.

### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که خوانده اید، بخش‌های اصلی یک نامه اداری را در کتابچه‌های تان بنویسید.



- ۱- رسانه‌ها به چند نوع اند؟
- ۲- انواع رسانه را نام بگیرید.
- ۳- فواید و ضررهای رسانه‌ها را بر شمارید.
- ۴- رسانه‌های تصویری و غیر تصویری از هم چه تفاوت دارند؟
- ۵- در نوشتن یک نامه اداری کدام نکات را باید در نظر بگیریم؟

## کارخانه‌گی



- ۱- در باره رسانه‌ها و نقش آن‌ها در جامعه معلومات دهید که از هشت سطر کم نباشد.
- ۲- رسانه‌های چاپی و برقی را توضیح دهید.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:  
ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی  
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم  
نروم جز به همان ره که توام راه نمایی  
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی  
سنایی
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

به پرسش‌های زیر شاگردان پاسخ دهند:

- ۱- طلا تپه در کجا واقع است؟
- ۲- آثار طلا تپه چگونه تا امروز نگهداری شده است؟
- ۳- آثار طلا تپه از چه نگاه ارزشمند است و چرا؟
- ۴- چرا آن را «طلا تپه» می‌گویند؟
- ۵- متخصصان، آثار طلا تپه را با کدام اثر تاریخی دیگر قابل مقایسه دانسته‌اند و آن اثر از کدام کشور به دست آمده است؟

### طلا تپه

طلا تپه، در پنج کیلومتری شمال شرق شهر شبرغان و به طرف چپ شاهراه شبرغان- کابل موقعیت دارد. جوزجان یا شبرغان قدیم، در مسیر راه ابریشم قرار داشت و این راه از مسیر بلخ، اندراب، کوتل‌های خاواک پنجشیر و انجمن بدخشان می‌گذشت. یاقوت حموی در سال ۶۱۷ هـ. ق. مطابق ۱۲۳۸ میلادی و مارکوپولو (جهان‌گرد ایتالیایی) در قرن دوازدهم میلادی از توقف شان در جوزجان نوشته‌اند. براعظم آسیا، به ویژه سرزمین‌های آریایی، سرشار از منابع احجار کریمه و فلزات گران‌قیمت بود و بدان سبب توجه سیاحان، جهان‌گردان و تاجران را از طریق راه ابریشم به خود جلب نموده بود.

برخی از دانشمندان عقیده دارند که در دوره‌های باستان (در دوره‌های یونان و باختری)، کوشانی‌ها و عصر کنشکای کبیر، طلا به طریقه ریگ‌شویی از دریا‌های آمو و کوکچه به دست می‌آمد. بعد در کوره‌های بزرگ ذوب می‌شد و به دسترس جوهر سازان و زرگران قرار می‌گرفت و از طریق راه تجارتی ابریشم، به پایتخت پارت‌های قدیم رسانده می‌شد. طلای به دست آمده محصول زرکشان محلی بود.



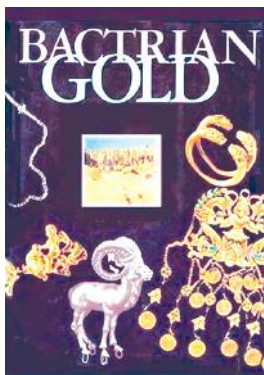
آثار حیرت‌انگیز طلا تپه، که از دو هزار سال بدین سو در زیر خاک مدفون بود، از داخل یک قبر در محلی کشف شد که این ناحیه را در گذشته‌های دور به نام باکتریان (باختر) یاد می‌کردند.

در حفاریات سال ۱۹۷۸ میلادی، آثار تاریخی و گران‌قیمت از همین محل به دست آمد و در شهر کابل حفاظت و نگهداری می‌شد، در انتظار روزی که در بزرگترین نمایشگاه‌ها و موزیم‌های جهان به نمایش گذاشته شود و از این میراث بالارزش و دست‌آورد بزرگ، صنعت‌گرانی



که در ساختن و تولید آن‌ها بیش از دو هزار سال قبل تلاش ورزیده بودند و از تاجران و رهروان راه ابریشم و آنانی که به این آثار ارزش غیر قابلِ سنجش داده اند، ابراز سپاس به عمل آید.

آثار کشف شده در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ میلادی از همین ناحیه، شامل بیست هزار و ششصد قطعه آثار عتیقه از طلا، نقره، برنز، عاج، زیورات، مسکوکات، مجسمه‌ها، قبضه‌ها،



جواهرات مختلف و غیره است که متخصصان باستان‌شناسی آن را با گنجینه طوتان خامون مقایسه کرده اند که از آن کمتر نیست. همه آثار توسط دو تن از عکاسان ماهر موزیم ارمیتاژ شهر سان پترزبورگ عکاسی گردیده و آلبوم نهایت زیبایی از آثار طلاپه، زیر عنوان «طلای باختر»، در سال ۱۹۸۵م. ترتیب گردیده است.

این آلبوم تنها در موزیم قصر ریاست جمهوری افغانستان، که تنها دیپلومات‌ها، مهمانان خارجی و کارمندان ارشد دولتی می‌توانستند محتوای آن را مشاهده و مطالعه کنند، قرار داشت؛

حتی مجله معتبر «نشنل جیوگرافیک» عکس‌هایی از این آثار گران‌بها را به چاپ رسانیده و در زیر آن چنین نوشت: «این آثار حیرت‌انگیز را تماشا کنید! آیا بازدید مجدد آن‌ها نصیب ما خواهد شد؟... تاریخ این‌ها تنها به افغان‌ها و یونانی‌ها ارتباط ندارد؛ بلکه تاریخ همه بشریت است که در صورت غفلت، نابود می‌گردد.»

در سال ۱۹۸۹م. همه آثار طلاپه، برای این که از تهدید دستبردهای زمان جنگ در امان بماند، به جای محفوظ در بانک مرکزی انتقال داده شد که خوشبختانه امروز در اختیار مردم افغانستان قرار دارد.



طوتان خامون: آثار باستانی مصر قدیم مربوط عصر فرعون یازدهم و سلسله رامیس دوم است، که در سال ۱۹۲۲ میلادی کشف گردید.

## بیاموزیم

۱- جوزجان یا شبرغان قدیم، که از جمله ولایات معروف سمت شمال کشور است، در مسیر خط ابریشم قرار داشت.

- ۲- طلا در دوره‌های باستان (در دوره‌های یونان باختری)، کوشانی‌ها و عصر کنشکای کبیر، از طریق ریگ‌شویی از دریا‌های آمو و کوکچه به دست می‌آمد.
- ۳- آثار حیرت‌انگیز طلا‌تپه، که از دو هزار سال بدین سو در زیر خاک مدفون بود، از داخل یک قبر در محلی کشف شد که این ناحیه را در گذشته به نام باکتریان (باختر) یاد می‌کردند.
- ۴- در حفريات سال ۱۹۷۸ میلادی، حدود بیست هزار و ششصد قطعه اثر تاریخی و گران قیمت از طلا‌تپه به دست آمد.



#### • استعلام: استعلام در لغت، معلومات خواستن، طلب معلومات کردن و آگاهی خواستن را می‌گویند

جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت معارف

د افغانستان اسلامي جمهوریت  
د پوهنې وزارت

Ref No: \_\_\_\_\_  
Date: \_\_\_\_\_

Islamic Republic of Afghanistan  
Ministry of Education

رواست عمومی، تکميل، تصديق و تأييد کتبه درسي

**استعلام**

سوال	جواب

رواست انكشاف، تصديق تعليمي و ثقافتي، تكميل، تمرکز دار المعلمين، مواد تعليمي، اسلامي  
شماره: ..... هفتين .....

و در اصطلاح نامه‌نگاری به نوع خاصی از نامه گفته می‌شود که دارای شکلی ویژه بوده و در آن اداره‌یی از اداره دیگری یا در میان خود همان اداره، در مورد موضوعی خواستار معلومات می‌شود؛ همچنان دفتريهای مسؤول بازجویی از متهمان و مجرمان، پرسش‌های خویش را به صورت تحریری در همین نوع نامه نوشته و جواب اشخاص متهم یا مجرم را به صورت کتبی در آن گرفته و به حیث سند آن را مورد کاربرد مراجع قانونی قرار می‌دهند.

بیشتر استعلام‌ها در کشور ما دارای چوکات و شکل مخصوص به خود بوده و تقریباً شکل آن در همه ادارات دولتی، یک‌سان است.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- چگونه می‌توان از آثار باستانی برای تقویت اقتصاد استفاده کرد؟ شاگردان در این مورد با هم گفتگو کنند و طرح‌های خود را از هر گروه یک نفر به دیگران بیان نماید.
- ۲- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و با در نظر داشت قواعدی که خوانده شد، گروه اولی یک دعوت‌نامه به عروسی و گروه دوم یک دعوت‌نامه به مجلس ترحیم بنویسند؛ سپس از هر گروه یک تن شان آن را خوانده، به روی تخته بنویسد و گروه مقابل آن را اصلاح کند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
- ۲- در باره تصویرهای آثار طلاتپه با رعایت قواعد دستوری، املائی و نشانه‌های نگارشی، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



- ۱- طلا در دوره‌های باستان از چه طریق و از کدام قسمت‌های کشور ما به دست می‌آمد؟
- ۲- آثار طلاتپه، در کجا و کدام سال کشف شد؟ آن ناحیه را در گذشته به چه نامی یاد می‌کردند؟
- ۳- آثار کشف شده طلاتپه متشکل از چند قطعه بوده و شامل چه چیزهایی است؟

## کارخانه‌گی

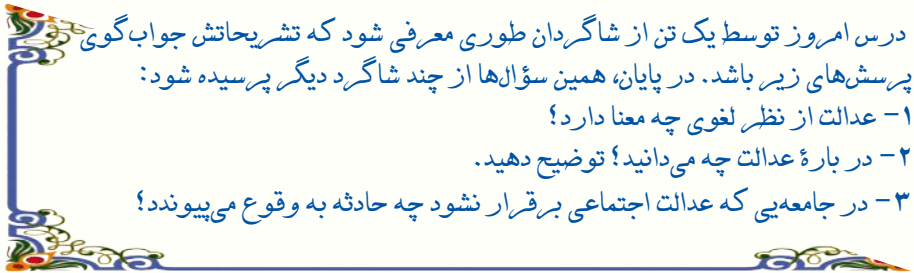


- ۱- ارزش اقتصادی، تاریخی، تحقیقی و فرهنگی آثار طلاتپه را طی ده سطر بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

هر آن کو نماند از پشش یادگار      درخت وجودش نیلورد بار  
وگر رفت و آثار خیرش نماند      نشاید پس مرگش الحمد خواند  
سعدی

- ۳- متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و یکم



درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱- عدالت از نظر لغوی چه معنا دارد؟

۲- در باره عدالت چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۳- در جامعه‌یی که عدالت اجتماعی برقرار نشود چه حادثه به وقوع می‌پیوندد؟

### عدالت اجتماعی

عدالت را از دو منظر می‌توان به بررسی گرفت؛ یکی این که عدالت را از فضایل اخلاق انسانی می‌توان شمرد و آن سرچشمه‌یی از حالات روحی فرد است و دانشمندان به این عقیده اند که عدالت حد وسط و حالت تعادل است میان ظلم و انظلام و این حالت فضیلت است؛ دوم بر مبنای حقوقی که جهت اصول تعادل افراد جامعه باید در میان آنان اجرا شود. در نهایت تعریفی را که حقوق دانان و علمای حقوق و اخلاق بر آن موافق اند چنین است که گذاشتن هر چیزی در جای خودش عدالت است؛ بنابراین، عدالت رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و اندیشه، حق کار و غیره و خلاصه دادن حق به حق‌دار است. مبنای برابری این است که انسان‌ها بر حسب گوهر و ذات برابر اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد عدالت فرموده اند: «مؤمن کامل شمرده نمی‌شود یکی از شما که دوست بدارد برای برادرش آن چه را که برای خود دوست نمی‌دارد.» از آیات و احادیث چنین بر می‌آید که عدالت یکی از شاخص‌ها و اهداف عمده دین مقدس اسلام می‌باشد و آنانی که به این هدف عالی پای‌بندی ندارند آنان را مؤمن کامل گفته نمی‌توانیم. اسلام دین وسط و اعتدال بوده و می‌خواهد که همه افراد اجتماع دارای حقوق مادی و معنوی باشند و از آن باید مستفید گردند. اسلام دین کامل بوده و در هر شرایط زمانی و مکانی از خود برنامه‌ها دارد و هیچ نوع تبعیض و تعصب را به رسمیت نمی‌شناسد. سیاه و سفید و عرب و عجم هیچ امتیاز و برتری یکی بر دیگری ندارند.

کار باید به اهل کار سپرده شود تا عدالت اجتماعی در یک جامعه تأمین شود و نیز دین اسلام حکم می‌کند که برای هر یک از انسان‌هایی که در یک جامعه زنده‌گی می‌نمایند باید

برای شان مقامی مطابق لیاقت و استعداد شان سپرده شود. عدالت اجتماعی افراد جامعه را به سوی اجرای اعمال شایسته سوق می‌دهد و از ارتکاب اعمال ناجایز و غیر انسانی برحذر می‌دارد. عدل و داد از خواست‌های اساسی دین به شمار می‌رود. در راستای برقراری عدالت اجتماعی از همان آغاز نزول قرآن مجید بر رسول خدا، قدم‌های مؤثر و استوار برداشته شد که همانند آن هیچ دین و مذهب و آیین دیگری چنان استوار گام نهاده است و به صراحت اظهار می‌دارد که هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد؛ مگر به تقوا.

همچنان نظام حکومت در اسلام بر پایهٔ عدالت فرمان‌روایان و فرمان‌برداری افراد و مشورت بین آن دو بنا شده است که هر یک باید وجوب‌های خود را به گونهٔ درست انجام دهند.

فرمان‌روایان عدالت را بین افراد برقرار داشته و در تطبیق آن از هیچ‌گونه تلاش دریغ نورزند؛ چنان که خداوند ﷻ در این رابطه فرموده است: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ». آیهٔ ۵۸ سورة النساء

**ترجمه:** و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

محبوب‌ترین مردم نزد خداوند ﷻ در روز قیامت در مقام و رتبه، پیشوای عادل است و از همهٔ مردم بدتر نزد خداوند در روز قیامت و مستحق شدیدترین عذاب، پیشوای ظالم است. این عدل مطلق است که ترازوی آن با حب و بغض کج نمی‌شود، هیچ دوستی و دشمنی قواعد آن را تغییر نمی‌دهد، تحت تأثیر خویشاوندی افراد و دشمنی اقوام قرار نمی‌گیرد و افراد ملت اسلامی همه‌گی از آن بهره می‌برند و هیچ حسب و نسب و مال و مقامی باعث جدایی، بین آنان نمی‌شود؛ چنانکه ملت‌های دیگر نیز از آن بهره می‌گیرند. عدالت روشی است که هیچ قانون داخلی و بین‌المللی تا کنون به پای آن نرسیده است.

در رابطه به فرمان‌برداری افراد، اوامری از جانب خداوند ﷻ فرستاده شده که عمل به آن سبب پیروزی در دنیا و آخرت گردیده و یکی از عواملی است که نظم جامعه بر پایهٔ آن برقرار است. از خداوند ﷻ، رسول ﷺ و صاحبان امر خود اطاعت کنید. (نساء ۵۹) جمع بین خدا ﷻ، رسول و صاحبان امر در آیهٔ مزبور شامل نکته‌یی در بارهٔ واقعیت این اطاعت و حدود آن است: اطاعت «اولو الامر» از اطاعت خدا و رسول کمک می‌گیرد؛ زیرا که ولی امر اسلامی ذاتاً مورد اطاعت نیست؛ بلکه به خاطر این که قیام بر شریعت و قوانین خدا ﷻ

و رسول نموده، اطاعت می‌شود و اطاعت او فقط منوط به اجرای شرع است و اگر از اجرای این شریعت منحرف شد، اطاعتش هم سقوط می‌کند و اجرای اوامرش واجب نیست. عدالت، بزرگترین قاعده و رکن اسلام است؛ البته عدالت اجتماعی همیشه به حساب فرد نیست؛ بلکه اگر بخواهیم راه صحیح عدالت را در تمام صور و اشکال آن در حیات خود تحقق دهیم باید آن را هم برای فرد و هم برای اجتماع حساب کنیم. علاوه بر همه این‌ها، هیچ کس یقین ندارد که سرکوب عوامل معقول طبیعی، نتیجه خوبی به فرد یا اجتماع به بار می‌آورد و بدگمانی به فطرت و سرکوب این عوامل و ایستادن در مقابل آن‌ها راهی برای عدالت درست می‌کند. خلاصه، عدالت این نیست که برای همه‌گان همه چیز را مساوی بدهند؛ بلکه زمینه رشد مساوی را برای افراد جامعه مساعد کنند، بعد هر کس طبق استعداد و سعی و تلاش خود به حق خود نایل آید. تبعیض در نظر گرفته نشود؛ حق به حق‌دار برسد؛ زمینه پیشرفت و ترقی در امور مختلف آماده شود و هیچ شخص و گروهی تحت نام‌های زبان، سمت و نژاد مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و یا این‌که تحت همین عناوین بدون در نظر گرفتن لیاقت و اهلیت کسی مورد نوازش قرار نگیرد. شایسته‌سالاری باید در جامعه حاکم گردد و در نتیجه، عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه تأمین شود و بدین وسیله کشور از فقر و بدبختی نجات می‌یابد.



عدالت اجتماعی: عبارت از روش اعتدال و میانه‌روی است که باید حق هیچ فرد و گروه در جامعه تلف نگردد؛ حق به حق‌دار برسد؛ زمینه رشد یک‌سان برای همه فراهم گردد و هر کس طبق استعداد و اهلیت به مقام خود نایل آید.

### بیاموزیم

- ۱- عدل در لغت دادگری، ضد جور و ستم و امر میانه که دور از افراط و تفریط باشد.
- ۲- زمینه رشد برای افراد جامعه مساعد گردد.
- ۳- برای تأمین عدالت اجتماعی هر نوع تبعیض باید از بین برود.

۴- عدالت حد وسط و حد تعادل میان ظلم و انظلام است.

۵- کار باید به اهل کار سپرده شود.



### • نامه (مکتوب) های رسمی به شخص

عبارت از نامه‌هایی است که از سوی یک اداره رسمی دولتی برای یک یا چندین شخص یا سازمان یا شرکت فرستاده می‌شود. شکل و ساختمان این گونه نامه‌ها کمابیش همانند نامه‌های اداری است، با تفاوت‌های اندکی که در زیر به شرح آن خواهیم پرداخت. بر اساس آنچه در ادارات و دفاتر رسمی گوناگون، رایج و متداول است، و در عرف اداری کشور نیز پذیرفته شده و ثابت است، نامه‌های رسمی به شخص باید دارای اوصاف و شکل زیر باشد:

۱- آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن

این قسمت لازم نیست).

۲- تاریخ صدور نامه

۳- شماره دفتر

۴- عنوان (خطاب به گیرنده نامه)

۵- آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامی در ابتدای نامه)

۶- متن نامه

۷- پایان نامه (عبارت یا جمله احترامی پایانی)

۸- نام و مقام اداری نویسنده (کنار چپ صفحه)

۹- امضای نویسنده

۱۰- مهر اداره (در صورت ضرورت)

۱۱- ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، دو سانتی متر پایین تر از امضا)

۱۲- نام شخص و یا اشخاص گیرنده (اگر گیرنده‌گان بیشتر از یک شخص باشد).

## تفصیلات

- ۱- نوشتن عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی درین گونه نامه‌ها ضروری است.
- ۲- اگر گیرنده نامه، دارای القاب و عناوین علمی؛ مانند: دکتور، انجنیر، استاد، سرمحقق، مؤلف و یا القاب اداری و نظامی؛ مانند: وزیر، رئیس، دگروال، جنرال و امثال این‌ها باشد، نوشتن این القاب و عناوین ضروری است.
- ۳- اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک مجرم نوشته می‌شود، عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی نباید نوشته شود؛ اما اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک متهم نوشته می‌شود، نوشتن عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی ضروری است.
- ۴- اگر در نامه از گیرنده تقاضای اجرای کاری در موعد معینی شده باشد، ذکر تاریخ نهایی آن حتمی است.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون عدالت اجتماعی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون چند آیت در مورد عدالت اجتماعی توضیحات دهد.
- ۳- یک شاگرد در مورد مفهوم این شعر صحبت نماید.

بنی آدم اعضای یکدیگر اند	که در آفرینش ز یک گوهر اند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی
سعدی (رح)	





## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- در مورد تصویر مقابل، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



- ۱- عدالت چه معنا دارد؟
- ۲- در باره عدالت اجتماعی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
- ۳- صلاحیت، اهلیت و زمینه رشد افراد در تحقق عدالت اجتماعی چه نقشی دارد؟
- ۴- عدالت را در پرتو آیات قرآن توضیح دهید.
- ۵- فرق میان عدالت فردی و اجتماعی چیست؟
- ۶- در باره نامه‌های رسمی به شخص، معلومات دهید.

## کارخانه‌گی

- ۱- در باره عدالت اجتماعی یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
- ۲- آیا بدون رعایت عدالت اجتماعی، جامعه می‌تواند ترقی کند؟ توضیح دهید.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:  
 اظهار عجز پیش ستم‌پیشه ابلهی است      اشک کباب باعث طغیان آتش است  
 صائب
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و دوم

پرسش‌های آتی را شاگردان پاسخ دهند:

- ۱- در شعر پایگاه انسان، سنایی مردم را به سوی چه فرا می‌خواند؟
- ۲- سنایی در سرایش اشعارش از کدام شاعران معروف الهام گرفته است؟
- ۳- پیرامون زنده‌گی نامه‌نویسی عصری و جدید چه می‌دانید؟ بیان دارید.

### پایگاه انسان

پایه بسیار سوی بام بلند  
از پی کارت آفریدستند  
تو به خلقان چرا شوی قانع؟  
ملک و مُلک از کجا به دست آری  
غافلی سال و ماه و مغروری  
آدمی کی بود گزنده چو تو؟  
سال و مه کینه‌جوی همچو پلنگ  
آن جوانی که گرد غفلت گشت  
مرد عاقل ز لهُو پرهیزد  
در رخ ماه نو کسی خندد  
پس تو باری چرا نگرایی خون؟  
مرد چون رنج برد گنج برد  
هر که با جهل و کاهلی پیوست  
خُرده‌مت همیشه خوار بود  
اندیرین راه گرچه آن نکنی  
رنج‌کش را نتیجه چه بود؟ گنج  
به تمناتو مرد ره نشوی  
به طلب یابی از بزرگان جاه

تو به یک پایه چون شوی خرسند؟  
جامه خلعت بریدستند  
چون نگردي بدان حل طامع؟  
چون مه شصت روز بیکاری  
دد و دیوی و ز آدمی دوری  
دیو و دد کی بود درنده چو تو؟  
خلق عالم ز طبع تو دلتنگ  
آن نه عمر، آن فضول بود و گذشت  
زین چنین عمر عقل بگریزد  
که ازو سود و مزد ببرند  
کت ازو جان کم است و وام فزون  
مرغ راحت به باغ رنج پرد  
پایش از جای رفت و کار از دست  
عقل باشد که شادخوار بود  
دست و پای بزن، زیان نکنی  
بستر خواب راحت آمد رنج  
پاس خود دار تا تبه نشوی  
کز طلب خو بروی گردد ماه  
حدیقه سنایی

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی از شاعران بلندرتبه قرن ششم هجری است؛ ابتدا به دربار غزنویان راه یافته و شاهان غزنوی را مدح می‌گفت و پس از دگرگون گشتن حال و ملاقات با صوفیه و مشایخ بزرگ از مدح شاهان چشم پوشیده و عزلت‌گزینی را اختیار کرد؛ سپس سفرهایی به حج و شهرهای بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور نموده و تا پایان عمر در غزنین ماند و در حدود سال ۵۲۹ هـ. ق. وفات یافت و مرقد وی در شهر غزنین است. سنایی را نخستین کسی می‌دانند که تصوف را وارد شعر ساخت. از سنایی آثاری چون، دیوان اشعار که شامل قصیده‌ها، غزل‌ها و قطعه‌ها است، کتاب حقیقة الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، طریق التحقيق، کارنامه بلخ و مثنوی‌هایی به نام عشق‌نامه و عقل‌نامه را می‌توان نام برد.

اشعار دوره اول سنایی تحت تأثیر سبک فرخی و مسعود سعد است و در دوره دوم که سنایی وارد عالم عرفان شد مضامین مستقل و اشعار عارفانه دارد. او نخستین غزل‌سرای عارف است که افکار و اصطلاحات عرفانی را با مضامین عاشقانه آمیخته است.

۲-کت: مخفف (که ترا) است.

۳- خرده‌مت: کم‌همت

### بیاموزیم

- ۱- مدارج رسیدن به مقام والای انسانیت بسیار است که با سعی و تلاش انسان، به دست می‌آید.
- ۲- غفلت و بی‌خبری و عدم سعی و تلاش، انسان را از مرتبه اصلی‌اش پایین‌تر می‌برد.
- ۳- سنایی از جمله شاعران عارف قرن ششم هجری است که در غزنین زاده شده و در همانجا وفات یافته است.
- ۴- آثار سنایی عبارت از مثنوی حقیقة الحقیقه، کارنامه بلخ، سیرالعباد الی المعاد، طریق التحقيق، عقل‌نامه و عشق‌نامه می‌باشد.

## • زنده‌گی نامه

وقتی در یک مؤسسه دولتی یا غیر دولتی درخواست استخدام بدهیم، آن مؤسسه از ما چیزی به نام زنده‌گی نامه (CV) می‌خواهد که نوشتن آن نیز تابع قواعدی است به شرح زیر: زنده‌گی نامه‌ها معمولاً دارای چهار بخش عمده اند: ۱- نام، آدرس و شماره تماس ۲- شرح تحصیلات ۳- وظایف قبلی ۴- توانایی‌ها. بخش نخست شامل این نکته‌ها می‌باشد:

۱- نام و نام خانوادگی (در قسمت وسط صفحه با خط بزرگ) اندازه خط: ۱۸ بولد (برجسته)  
۲- آدرس مکمل محل سکونت یا آدرس پستی (در قسمت پایینی نام، با خط کوچک‌تر) اندازه خط: ۱۶  
۳- آدرس تماس: شماره تلفون منزل / موبایل / ایمیل (در قسمت پایینی آدرس) اندازه خط: ۱۶  
نکته‌های این بخش به شکل عمودی نوشته می‌شود.

بخش دوم (شرح تحصیلات) این نکته‌ها را در بر می‌گیرد: اندازه خط: ۱۴  
به شکل افقی: درجه تحصیل / رشته تحصیلی / نام مؤسسه تحصیلی / آدرس کامل آن (با شهر و کشور) / سال فراغت

توجه: درجه تحصیل (از آخرین سند فراغت تحصیلی به طرف نخستین سند فراغت: دکتورا، ماستری، لیسانس، بکلوریا، دوره متوسطه، دوره ابتدائیه؛ یعنی در شماره نخست، آخرین شهادت نامه، در شماره دوم، سند فراغت قبل از آن و به همین ترتیب تا دوره ابتدایی.)

بخش سوم (وظایف قبلی) شامل این نکته می‌شود: اندازه خط: ۱۴  
به شکل افقی: نام وظیفه / مکلفیت‌ها / نام مؤسسه / آدرس مؤسسه (با شهر و کشور) / از تاریخ / / تا تاریخ / /

بخش چهارم (توانایی‌ها) این نکته را در بر می‌گیرد: اندازه خط: ۱۴  
به شکل افقی: تجربه و تخصص در رشته کاری / توانایی در خواندن و نوشتن (چند زبان) / توانایی در بخش منجمنت و اداره / توانایی استفاده از کمپیوتر و انترنت / و امثال این‌ها.  
\* یادداشت: ۱- تعداد مجموعی صفحات زنده‌گی نامه، نباید از دو صفحه تجاوز کند. ۲ - زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، از جمله چهار بخش، سه بخش آن به شکل معکوس نوشته می‌شوند؛ یعنی بخش اولی به جای خود باقی می‌ماند و سه بخش دیگر باید بدین ترتیب نوشته شود: (توانایی‌ها / وظایف قبلی / تحصیلات)

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم کلی بیت‌های زیر مباحثه نموده، بعد از هر گروه یک نفر نتیجه بحث گروه خود را به دیگران بگوید.
- |                          |                              |
|--------------------------|------------------------------|
| پایه بسیار سوی بام بلند  | تو به یک پایه چون شوی خرسند؟ |
| از پی کارت آفریدستند     | جامه خلعتت بریدستند          |
| تو به خلقان چرا شوی قانع | چون نگردي بدان حلل طامع؟     |
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، در مورد زنده‌گی، سبک اشعار و آثار سنایی توضیحات ارائه کند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید، خلص سوانح خود را در کتابچه‌های تان بنویسید.



- ۱- سنایی در شعر «پایگاه انسان» مردم را به چه فرا می‌خواند؟
- ۲- سنایی در سرودن اشعارش از کدام شاعران الهام گرفته است؟
- ۳- مفهوم بیت زیر را بگویید:
- هر که با جهل و کاهلی پیوست      پایش از جای رفت و کار از دست
- ۴- عبارت (خرده‌مت) در شعر سنایی به کدام مفهوم است؟
- ۵- در مورد زنده‌گی نامه‌نویسی به شیوه عصری و جدید آن چه می‌دانید؟

## کارخانه‌گی



- ۱- نظم پایگاه انسان را به عبارت خود به نثر تبدیل کنید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
- مکن در جسم و جان منزل که این دونست و آن والا  
قدم زین هر دو بیرون نه، نه اینجا باش، نه آنجا
- سنایی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و سوم

از شاگردان پاسخ‌های این پرسش‌ها پرسیده شود:

- ۱- محتشم کاشانی کی بود؟
- ۲- چه کسی را پدر مرثیه نگاری می‌خوانند؟
- ۳- کربلا چه معنا دارد؟
- ۴- در دشت کربلا حضرت امام حسین علیه السلام با چند تن از یارانش به شهادت رسیدند؟

### محتشم کاشانی

محتشم کاشانی از شاعران عهد صفوی بوده، او را «پدر مرثیه‌سرایی» می‌نامند. از میان مرثیه‌های او مهم‌تر از همه ترکیب‌بندی است در رثای شهیدان کربلا و مربوط به واقعه شهادت امام حسین علیه السلام؛ همچنین به مجموعه غزل‌هایی به نام جلالیه، جامع اللطایف و نقل عشاق او می‌توان اشاره کرد.

محتشم کاشانی در کاشان به شغل بزازی سرگرم بود و به شعر علاقه داشت. محتشم کاشانی مدیحه‌ی مقارن جلوس شاه تهماسب به دربار او فرستاد و سلطان صفوی را واداشت تا شاعران را به ترک مدیحه‌سرایی توصیه کند و آنان را به نظم مرثیه‌های بزرگان دین ترغیب نماید. محتشم کاشانی خود از کسانی بود که به توصیه شاه تهماسب به اشعار دینی روی آورد و با سرودن مرثیه معروف در دوازده بند در باره واقعه کربلا در مرثیه‌سرایی به جایگاه والایی دست یافت. وفات وی در سال ۹۶۶ هـ.ق. اتفاق افتاده است. اکنون ابیاتی از دو بند این مرثیه را می‌خوانیم:

#### بند اول

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی‌نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است؟

این صبح تیره باز دمید از کجا؟ کزو  
 کار جهان و خلق جهان جمله درهم است  
 گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب  
 کاشوب در تمامی ذرات عالم است  
 گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست  
 این رستخیز عام که نامش محرم است  
 در بارگاه قدس که جای ملال نیست  
 سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است  
 جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند  
 گویا عزای اشرف اولاد آدم است  
 خورشید آسمان و زمین نور مشرقین  
 پرورده کنار رسول خدا حسین

### بند دوم

کشتی شکست‌خورده توفان کربلا  
 در خاک و خون فتاده به میدان کربلا  
 گر چشم روزگار بر او فاش می‌گریست  
 خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا  
 نگرفت دست دهر گلابی به غیر اشک  
 زان گل که شد شگفته به بستان کربلا  
 از آب هم مضایقه کردند کوفیان  
 خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

بودند دیو و دد همه سیراب و می مکید  
 خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا  
 زان تشنه گان هنوز به عیوق می رسد  
 فریاد العطش ز بیابان کربلا  
 آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم  
 کردند رو به خیمه سلطان کربلا  
 آندم فلک بر آتش غیرت سپند شد  
 کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد  
 محتشم کاشانی



- رستخیز عظیم: اشاره به واقعه و سانحه کربلا که در آن حضرت امام حسین علیه السلام با هفتاد و دو تن از یارانش جام شهادت نوشیدند.
- کربلا: نام یکی از شهرهای عراق (بین النهرین) است که تا سال ۶۱ هـ. ق. بیابان بوده است و از آن به بعد بر اثر شهادت حسین بن علی علیه السلام آن محل مورد توجه قرار گرفته است.

### بیاموزیم

- ۱- محتشم کاشانی از شاعران عهد صفوی است که به سال ۹۶۶ هـ. ق. وفات نموده است
- ۲- محتشم کاشانی را «پدر مرثیه سرایی» می نامند.
- ۳- واقعه کربلا در سال ۶۱ هـ. ق. اتفاق افتاد.
- ۴- واقعه کربلا، واقعه‌یی است که میان سپاهیان حسین علیه السلام و سپاهیان یزید بن معاویه در محرم سال ۶۱ هـ. ق. اتفاق افتاد که به شهادت حسین علیه السلام و اسارت بقایای اهل بیت



وی انجامید.

۵- در واقعه کربلا حضرت امام حسین علیه السلام با ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسیدند.



### نمونه زنده گی نامه (CV)

نام «نام خانواده گی»

آدرس: ..... تلفون: ..... ایمیل آدرس: .....

#### تحصیلات

شماره	درجه تحصیل	رشته تحصیل	مؤسسه تحصیلی	سال فراغت
۱	دکتورا	ژورنالیزم	دانشگاه تهران	۱۳۸۰
۲	ماستری	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۶
۳	لیسانس	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۳
۴	بکلوریا		لیسه استقلال	۱۳۷۰
۵	متوسطه		لیسه نادریه	۱۳۶۷
۶	ابتدایی		لیسه نادریه	۱۳۶۰

#### اشتراک در ورکشاپها، سیمینارها و کورسهای آموزشی

شماره	نام کورس	شهادتنامه	برگزارکننده	مدت
۱	زبان انگلیسی	Certificate		
۲	کمپیوتر	Certificate		

## وظایف قبلی

شماره	نام وظیفه	مکلفیت‌ها	نام مؤسسه	از تاریخ	تا تاریخ
۱	استاد	تدریس	لیسه استقلال	۷۶/۳/۲	۸۱/۶/۵
۲	مدیر	منجمنت	معارف شهر	۸۱-۷-۶	۸۹/۱/۱۲

## آشنایی با زبان‌ها

شماره	زبان	خواندن	نوشتن	مکالمه
۱	دری	عالی	عالی	عالی
۲	پشتو	عالی	عالی	عالی
۳	عربی	خوب	متوسط	خوب
۴	انگلیسی	متوسط	متوسط	متوسط

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون واقعه کربلا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را برای دیگران بیان نماید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون مرثیه‌نگاری در ادبیات دری معلومات ارائه کند.

۳- چند شاگرد در مورد بیت زیر دو دقیقه صحبت کنند.

ادب بهتر از گنج قارون بود

فزونتر ز مُلک فریدون بود

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید، زنده‌گینامه خود را در کتابچه‌های تان بنویسید.



- ۱- محتشم کاشانی را به نام چه یاد می‌کنند؟
- ۲- در مورد محتشم کاشانی چه می‌دانید؟
- ۳- دو اثر محتشم کاشانی را نام بگیرید.
- ۴- در واقعه کربلا حضرت امام حسین علیه السلام با چند تن از یارانش شهید شدند؟
- ۵- در رثای حضرت امام حسین علیه السلام، واقعه کربلا به قیامت دنیا تشبیه شده است، در این مورد توضیح دهید.

## کارخانه‌گی

- ۱- پیرامون شخصیت حضرت امام حسین علیه السلام و کارنامه‌های شان یک مقاله بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
خورشید آسمان و زمین نور مشرقین  
پرورده کنار رسول خدا حسین  
محتشم کاشانی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و چهارم

- به پرسش‌های زیر از شاگردان پاسخ خواسته شود:
- ۱- شعر میهن از سروده‌های کدام شاعر کشور ماست؟
  - ۲- شعر میهن مبین چه نوع یک احساس است؟
  - ۳- در مورد شخصیت مستغنی آن چه می‌دانید معلومات دهید.

### میهنم

ای روز نخست سرنوشتم	ای باغ و بهار و ای بهشتم
تخم عشقت به سینه کشتم	مهر تو به جان و دل سرشتم
گوشم سخن ترا شنیده	چشمم اول رخ تو دیده
هرگز چو تو مهربان نباشد	چیزی چو تو دلستان نباشد
جز سودم از این دکان نباشد	سودای ترا زیان نباشد
رنج همه را شفاتو باشی	درد همه را دواتو باشی
هر گونه غذایم از تو باشد	هر نشو و نمایم از تو باشد
خاکم بر سر اگر نبازم	من چون به ره تو سر نبازم
ای مونس جان و ای حبیبم	ای از تو قرار و هم شکیم
چون لاله قرین داغ باشم	دور از تو اگر به باغ باشم
با مهر وطن چو عهد بستی	مستغنی اگر وطن پرستی

مستغنی

استاد عبدالعلی مستغنی فرزند ملا رمضان در سال ۱۲۹۳ هـ. ق. در حوالی بالاحصار کابل پا به عرصهٔ حیات گذاشت و از سخنوران چیره‌دست عهد امیر حبیب الله خان است او تحصیلات ابتدایی را نخست از پدر محترمش فراگرفت؛ اما علوم متداولهٔ عصر از قبیل: مبادی منطق، فلسفه، فقه و غیره را در مدارس کسب نمود. چون ذوق و استعداد شعری در نهادش موجود بود، به زودی شهرت زیاد حاصل کرد. او به زبان‌های دری و پشتو اشعار شیرین و مورد نظر اهل علم و ادب سرود.

مستغنی مدت چندی مصحح جریدهٔ سراج‌الانبار و مدتی به صفت استاد در لیسهٔ حبیبیه مشغول تدریس بود و بقیهٔ عمرش در انجمن ادبی کابل سپری گردید. دیوان مستغنی مشتمل بر غزل‌ها، قصیده‌ها، مثنوی‌ها، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، رباعی‌ها و غیره می‌باشد که دارای مضامین اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ملی است.

این شخصیت ادبی روز یک‌شنبه بیست و دوم برج حوت سال (۱۳۱۳ هـ. ش.) پس از یک هفتهٔ مریضی چشم از جهان بست و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

### بیاموزیم

- ۱- استاد عبدالعلی مستغنی فرزند ملا رمضان در سال ۱۲۹۳ هـ. ق. در حوالی بالاحصار کابل چشم به جهان گشود.
- ۲- وطن هر کس برایش شیرین‌تر از همه زیبایی‌های دنیاست و در برابر حفظ آن، مسؤولیت دارد.
- ۳- انسان در هر جایی از دنیا که باشد رابطهٔ قلبی با سرزمین خودش دارد.
- ۴- هیچ جایی در دنیا برای انسان راحت‌تر از وطن خودش بوده نمی‌تواند.

## • دعوت نامه

- نامه‌یی است که از طرف اشخاص، خطاب به شخص یا اشخاصی به منظور شرکت و حضور در نشستی خاص تنظیم می‌شود. دعوت نامه به صورت کلی دو نوع است:
- ۱- دعوت نامه عمومی: که به صورت اطلاعیه یا آگهی بدون ذکر مخاطب از طریق روزنامه، نشریات و رسانه‌های گروهی به اطلاع مخاطبان خاص خود می‌رسد.
  - ۲- دعوت نامه خصوصی: به شخص خاص صادر می‌شود و این نیز دو نوع است:
    - الف) شخصی: که از سوی افراد به یکدیگر نوشته می‌شود.
    - ب) اداری: این گونه دعوت نامه‌ها به لحاظ جنبه‌های عاطفی و احترامی آن، باید از سوی بالاترین مقام اداری امضا شود، که معمولاً فاقد مهر اداری است.
- دعوت نامه‌ها دارای بخش‌هایی اند که ترتیب این بخش‌ها به صورت زیر است:
- ۱- عنوانی که در خطاب به گیرنده نامه نوشته می‌شود.
  - ۲- آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی مقدماتی)
  - ۳- متن نامه
  - ۴- پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
  - ۵- نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او
  - ۶- امضا (در صورت لزوم)
  - ۷- زمان (ساعت، روز، تاریخ)
  - ۸- آدرس کامل محل دعوت
  - ۹- شماره تلفون فرستنده (در صورت لزوم)
- بیشتر بخش‌های «آدرس فرستنده و گیرنده» روی پاکت نوشته می‌شود.

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان باهم گفتگو کرده، معناهای واژه‌های: مطول و غیث را از فرهنگ زبان بیابند؛ سپس یک تن از ایشان در برابر صنف قرار گرفته، شیوه واژه‌یابی را به دیگران شرح دهد.

- ۲- شاگردان درمشوره با هم، دعوت‌نامه‌یی، جهت رفع نیازمندی‌های مکتب، به رئیس معارف ولایت شان بنویسند؛ سپس یک تن شان آن را در برابر صنف بخواند.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر به نوبت سخنرانی نمایند.



## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید، متن یک دعوت‌نامهٔ کامل را عنوانی یکی از دوستان تان در کتابچه‌های خود بنویسید.



- ۱- استاد عبدالعلی مستغنی در کدام سال و در کجا چشم به جهان گشود؟
- ۲- دیوان اشعار مستغنی کدام قالب‌های شعری را در خود دارد؟
- ۳- در مورد فعالیت‌های ادبی و فرهنگی مستغنی آن چه می‌دانید، بیان کنید.
- ۴- دعوت‌نامه چیست؟
- ۵- دعوت‌نامهٔ عمومی و خصوصی از هم چه فرق دارد؟

## کارخانه‌گی

- ۱- شعر میهن را به نثر تبدیل نمایید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
- ای ستمگاران ستم جایز نمی‌باشد به شرع  
گر دلی را شاد نتوانید غمگین چون کنید  
رحمت
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و پنجم

یک شاگرد، درس را طوری معرفی نماید که پرسش‌های زیر را پاسخ گو باشد:

۱- در مورد قناعت چه می‌دانید؟ بیان کنید.

۲- حکایت قناعت از نوشته‌های کیست؟

۳- همین پرسش‌ها از چند شاگرد در اخیر معرفی درس پرسیده شود.

### قناعت

بازرگانی را شنیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده خدمت‌کار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش در آورد. همه شب نیارمید از سخن‌های پریشان گفتن که فلان انبازم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان و این قباله فلان زمین است و فلان چیز را فلان ضمین. گاه گفتی خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است. باز گفتی نه که دریای مغرب مشوش است. سعدیا سفری دیگرم در پیش است اگر آن کرده شود بقیت عمر خویش به گوشه‌یی بنشینم. گفتم: آن کدام سفر است؟ گفت: گوگرد پارسی خواهیم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آن جا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی به یمن و برد یمانی به پارس و زان پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم. انصاف از این مالخولیا چندان فرو گفت که بیش طاقت گفتنش نماند. گفت:

ای سعدی تو هم سخنی بگوی از آن‌ها که دیده ای و شنیده ای، گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور      بار سالاری بیفتاد از ستور

گفت: چشم تنگ دنیادوست را      یا قناعت پر کند یا خاک گور

سعدی

به قطع راه دراز امل غنی نشوی      بر آستان قناعت مگر مقام کنی

به نان خشک حلالی کز شود حاصل      قناعت از شکرین لقمه حرام کنی

و گر کفاف معاش نمی‌شود حاصل      روی و قرص جوی، از جهود وام کنی

هزار بار از آن به که بامداد و پگاه      کمر ببندی و بر چون خودی سلام کنی

ابن یمین



- ۱- جزیره کیش: از معروفترین جزایر خلیج فارس می‌باشد، از نگاه آب و هوا در بین جزایر خلیج فارس به خویس معروف است، جمعیت آن ۴۱۷۷ تن و بهترین مرواریدها از اطراف این جزیره به دست می‌آید.
  - ۲- ترکستان: یکی از مناطق آسیای مرکزی که از شمال به سایبریا، از مغرب به بحر خزر، از جنوب به افغانستان، هند و تبت و از مشرق به مغولستان محدود است.
  - ۳- حلب: شهری است در سوریه (شام) که مرکز تجارت و صنعت (نساجی) می‌باشد.
  - ۴- یمن: کشوری که در جنوب غربی شبه جزیره عربستان کنار دریای احمر واقع می‌باشد.
  - ۵- مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی از بزرگان و نوابغ شعر و ادب که در حدود سال ۶۰۶ هـ. ق. در شیراز متولد شده و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز کرده است؛ سپس به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه کسب فضایل کرده است.
- سعدی را هم یکی از شاعران درجه اول می‌توان محسوب کرد و هم یکی از نویسندگان برجسته و استاد نثر مسجع. سعدی در انواع شعر؛ مانند: قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند دست بلند داشت؛ اما می‌توان گفت که سخن سعدی در غزل به حد اعلای لطافت رسیده است. آثار سعدی عبارت اند از: دیوان غزلیات و قصاید، در کتاب‌های گلستان و بوستان. گلستان از معروف‌ترین کتاب‌های نثر فارسی دری است که سعدی آن را در سال (۶۵۶ هـ. ق.) به نام شاهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است. گلستان کتابی ست تربیتی و اخلاقی شامل یک مقدمه در ارتباط به تألیف کتاب و هشت باب که سعدی در این اثر انواع مواظ و حکم را در نثر آمیخته و در نظم گنجانیده است. نثر گلستان نثر مسجع و مزین است.

## بیاموزیم

- ۱- قناعت، صفت انسان‌های بزرگ است، هر که این صفت را پیشه کرد از هوای خواهشات نفس برست.
- ۲- قناعت، گنجینه‌یی است که انسان را از غرق شدن در منجلاب فلاکت و گناه نجات می‌بخشد.
- ۳- مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی در سال‌های آغاز قرن هفتم هجری در شیراز پا به عرصهٔ حیات نهاد.
- ۴- سعدی از جملهٔ شاعران طراز اول زبان دری بوده و نویسندهٔ توانا و استاد نثر مسجع می‌باشد.
- ۵- گلستان و بوستان از جملهٔ آثار مشهور سعدی شیرازی است.
- ۶- گلستان از معروفترین کتاب‌های نثر دری است که سعدی شاعر و نویسندهٔ بزرگ آن را در سال (۶۵۶ هـ. ق.) به نام شهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است.
- ۷- گلستان، کتابی‌ست تربیتی و اخلاقی که شامل یک مقدمه و هشت باب است که در برگیرندهٔ انواع مواعظ و حکم می‌باشد.
- ۸- سعدی علاوه بر بوستان و گلستان، قصاید، غزلیات، قطعات و ترجیع‌بند، رباعیات، رسالات و قصاید عربی نیز دارد که همه را در کلیات وی جمع کرده اند.



## • درخواست‌نویسی

درخواست، به نامه‌یی گفته می‌شود، که در آن تقاضای اجرای کاری و یا امری از کسی شود. قدیم‌ترین نمونه‌های موجود درخواست، متعلق به زمان عباسیان است. در میان خراسانیان عادت چنان بوده که وقتی مطلبی و یا شکایتی را به امرا و ملوک تقدیم می‌نمودند، آن را به شکل کتبی به مقام و دربار می‌سپردند که ما امروز آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. معمولاً درخواست‌ها از طرف افراد و یا مقامات پایین‌رتبه به مقامات بالاتر به محتوای احترام‌آمیز نوشته می‌شود. بر اساس آن‌چه در دفاتر رسمی و غیر رسمی، رایج و متداول بوده و در عرف نیز تقریباً ثابت و پذیرفته شده است، درخواست باید دارای شکل و اوصاف زیر باشد:

- ۱- نام و مشخصات کامل درخواست‌دهنده (کنار بالایی، سمت راست صفحه)
- ۲- تاریخ (روز، ماه، سال)
- ۳- عنوان (خطاب به گیرنده درخواست، دو تا سه سانی متر پایین تر از تاریخ)
- ۴- آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامی در ابتدای نامه)
- ۵- متن درخواست
- ۶- پایان درخواست (عبارت یا جمله احترامی پایانی)
- ۷- نام مکمل درخواست‌دهنده (کنار چپ صفحه)
- ۸- امضای درخواست‌دهنده در زیر نام (حتمی است)
- ۹- گذاشتن پنج سانی متر فاصله سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه و یادداشت.

### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- در باره قناعت چند جمله بنویسید.



- ۱- هدف از حکایت قناعت چیست؟ بیان نمایید.
- ۲- گلستان شامل چند باب است؟ هر یک را نام ببرید.
- ۳- بیت زیر را معنا کنید:  
به قطع راه دراز امل غنی نشوی      بر آستان قناعت مگر مقام کنی

### کارخانه‌گی

- ۱- پیرامون موضوع قناعت مقاله‌یی بنگارید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند      تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری  
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار      شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید

## درس بیست و ششم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در پایان از چند شاگرد سؤال‌های زیر پرسیده شود:
- ۱- محمود طرزی کی بود؟
  - ۲- آثار طرزی را نام ببرید.
  - ۳- دربارهٔ جریدهٔ سراج الاخبار چه می‌دانید؟
  - ۴- محمود طرزی مردم را به چه تشویق می‌کرد؟



### محمود طرزی

محمود طرزی فرزند غلام محمد طرزی در اول ماه سنبله سال ۱۲۴۴ هـ. ق. در شهر غزنی پا به عرصهٔ حیات نهاد. طرزی شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، جغرافیه‌دان، مترجم و دولت‌مرد در خانوادهٔ ادیب و آزادی‌خواه رشد نمود و بزرگ شد. او مرد دانشمند و سخنور متجدد عصر بود.

او در تجدد فرهنگ و مطبوعات کشور ما نخستین فردی بود که در محیط ادبی و سیاسی افغانستان انقلاب عظیمی را به راه انداخت. طرزی در عصر امیر حبیب‌الله خان روزنامه‌های سراج الاخبار و سراج الاطفال را نشر نمود؛ بنابر این او را پیشرو و مؤسس دورهٔ تجدد ادبی افغانستان می‌خوانند. این نویسندهٔ بزرگ بیشتر از فیض پدرش غلام محمد طرزی بهره‌مند گشته و مدت هفت ماه با سید جمال‌الدین افغانی هم‌صحبت بود، کتابخانهٔ بزرگ پدرش در اختیار او بود و گاهی در حلقهٔ بیدل‌خوانی پدر خود تا شش ساعت زانو می‌زد و استفاده می‌کرد.

طرزی صرف و نحو عربی و شرح مثنوی معنوی را نزد آخوندزاده ملا محمد اکرم هوتک که از مصاحبان پدرش بود فرا گرفت و از محرری سراج الاخبار تا وزارت امور خارجه و ظایف و مسئولیت‌هایی را در کشور به عهده داشته است. محمود طرزی ۲۳ اثر اعم از تألیف و ترجمه دارد. طرزی در پانزدهم برج شوال سال ۱۳۲۹ هـ. ق. مطابق ۱۲۸۶ هـ. ش. شروع به نشر سراج الاخبار کرد و مدت هشت سال این اخبار تحت نظر وی نشر شد. محمود طرزی همیشه در سفرها با امیر حبیب‌الله خان یکجا می‌بود؛ پس از کشته‌شدن امیر حبیب‌الله خان، در عرصهٔ علوم اجتماعی و ادبیات فعالیت‌های بیشتری را انجام داد؛ وی می‌خواست که با کار در دولت، نظریات سیاسی خود را عملی نماید، تأسیسات عرفانی را زیاد کند و بینش تازه‌یی در اذهان مردم به وجود بیاورد. با روی کار آمدن امیر امان‌الله خان، وی در هیأت کابینه جای گرفت و وظیفهٔ وزارت امور خارجه به او سپرده شد؛ در رأس هیأتی برای به رسمیت شناختن افغانستان عازم هند گردید. بعد از

بازگشت به کابل، بار دوم به حیث وزیر امور خارجه مقرر شد. محمود طرزی در مذاکرات رسمی بین دولت مصر و افغانستان و هم در مذاکرات راولپندی جهت حصول استقلال افغانستان با دولت هند برتانوی موفقانه سهم گرفت. طرزی در سال ۱۹۲۸ م. مطابق ۱۳۰۷ هـ. ش. هنگامی که به وطن بازگشت، از وظایف رسمی کناره گرفت. یک سال بعد با شاه امان الله یکجا جانب قندهار و از آنجا به طرف هرات رفت. سرانجام به ترکیه رفته، با اعضای خانواده خویش یکجا شد. طرزی چند سال باقیمانده عمرش را در عالم دوری از وطن سپری کرده، به یک سلسله فعالیت‌های علمی و ادبی دست زد. کلام طرزی دارای یک سلسله خصوصیت‌های مشخص و معینی بود که تا آن روزگار در نوشته‌ها و گفته‌های دیگر شاعران و نویسندگان به کار نرفته بود.

محمود طرزی نویسندهٔ چیره‌دست، شاعر توانا و مایهٔ افتخار جهان علم و دانش در همان وقت بود. آثار گران‌بهایی؛ چون: روضة الحکم، از هر دهن سخنی، از هر چمن سمنی، ترجمهٔ کتاب‌های جزیرهٔ پنهان، سیاحت در هوا و... از وی باقی مانده است. این مرد دانشمند و ادیب بزرگوار در برج عقرب سال ۱۳۱۲ هـ. ش. در شهر استانبول ترکیه چشم از جهان بست و در نزدیک آرامگاه ابو ایوب انصاری به خاک سپرده شد.

به پاس احترام و قدرشناسی از آن مرد دانشمند و سیاستمدار ملی لیسه‌یی را در خانهٔ شخصی وی که در دارالامان قرار دارد به اسمش (لیسهٔ محمود طرزی) نام‌گذاری کرده اند.

### نمونهٔ کلام

وقت شعر و شاعری بگذشت و رفت	وقت سحر و ساحری بگذشت و رفت
وقت اقدام است و سعی و جد و جهد	غفلت و تن‌پروری بگذشت و رفت
عصر، عصر موتر و ریل است و برق	گام‌های اشتیری بگذشت و رفت
کیمیا از جمله اشیاء زر کشد	وقت اکسیرآوری بگذشت و رفت
تلگراف آرد خبر از شرق و غرب	قاصد و نامه‌بری بگذشت و رفت
کوه‌ها سوراخ و برها بحر شد	جانشینی را کری بگذشت و رفت
شد هوا جولان‌گاه آدمی	رشک بی‌بال و پری بگذشت و رفت
گفت محمود این سخن را و برفت	سعی کن تنبل‌گری بگذشت و رفت

### توضیحات

- ۱- سراج الاخبار: جریدهٔ معروف که به سرپرستی محمود طرزی انتشار می‌یافت.
- ۲- روضة الحکم: یکی از آثار محمود طرزی می‌باشد.

## بیاموزیم

- ۱- محمود طرزی فرزند غلام محمد طرزی در اول ماه سنبله ۱۳۴۴ هجری قمری در شهر غزنی متولد شد.
- ۲- طرزی، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، جغرافیه‌دان، مترجم و دولتمرد بود.
- ۳- طرزی مدت هفت ماه با سید جمال‌الدین افغانی هم‌صحبت بود.
- ۴- جریده سراج الاخبار مدت هشت سال تحت نظری به نشر رسید.
- ۵- طرزی در کابینه امان‌الله خان به سمت وزیر امور خارجه ایفای وظیفه نمود.
- ۶- از آثار مهم طرزی روضة الحکم، از هر دهن سخنی، از هر چمن سمنی، ترجمه کتاب‌های جزیره پنهان و سیاحت در هوا را می‌توان نام برد.



## نمونه درخواست

ورقه درخواست..... «.....»

فرزند..... «.....»

تاریخ: ۸۷/۶/۱۲

کارمند سابق وزارت امور خارجه

شماره تماس:.....

(آغاز)

(متن)

محترم وزیر امور خارجه! ————— (عنوان)

با تقدیم احترام و ادب، خدمت شما به عرض رسانیده می‌شود:

این جانب که شهرتم در بالا ذکر شده است، از کارمندان سابق این وزارت می‌باشم که سال گذشته نظر به مشکلات خانواده‌گی مجبور به ترک وظیفه شده بودم.

اکنون که مشکلات پیشین برطرف گردیده و خود را آماده خدمت می‌بینم، با تقدیم این درخواست تقاضا دارم دوباره در یکی از بخش‌های وزارت محترم امور خارجه تقرر حاصل نمایم.

بنابراین، از مقام محترم وزارت امور خارجه احترامانه خواهش مندم که دستور تقرر مجدد مرا به مراجع ذیربط صادر فرموده، ممنون فرمایند.

از همکاری مقام محترم قبلاً اظهار سپاس می‌نمایم ←———— (پایان)

نام «نام خانواده‌گی»

امضا



جریده سراج الاخبار

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های محمود طرزی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، نمونه کلام طرزی را شرح و توضیح دهد.
- ۳- چند شاگرد پیرامون تصویر مقابل به نوبت صحبت کنند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- در مورد کارکردهای طرزی چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی



- ۱- محمود طرزی کی بود؟
- ۲- چند اثر محمود طرزی را نام ببرید.
- ۳- طرزی چند سال سرمحرر جریده سراج الاخبار بود؟
- ۴- طرزی در کابینه کدام پادشاه سمت وزیر امور خارجه افغانستان را به عهده داشت؟

## کارخانه‌گی



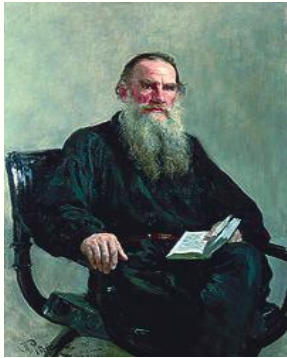
- ۱- نمونه کلام محمود طرزی تحت عنوان (بگذشت و رفت) را به نثر ساده برگردانید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید.  
عصر، عصر موتر و ریل است و برق  
گام‌های اشتری بگذشت و رفت  
طرزی
- ۳- متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## درس بیست و هفتم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.
- ۱- تولستوی کی بود؟
  - ۲- تولستوی چه کارهایی را در زمینه ادبیات و آموزش انجام داد؟
  - ۳- او با کدام نویسندگان اروپای غربی ملاقات کرد؟

### تولستوی



لئو تولستوی نویسندهٔ چیره‌دست روسی در نهم سپتمبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانوادهٔ متمول و سرشناس پا به عرصهٔ هستی نهاد. مادرش را در دو سالگی و پدرش را در ۹ سالگی از دست داد و پس از آن تحت تکفل عمه‌اش قرار گرفت. او در سال ۱۸۴۴ میلادی در رشتهٔ زبان‌های شرقی در دانشگاه قازان ثبت نام کرد و پس از سه سال، تغییر رشته داده و خود را به دانشکدهٔ حقوق تبدیل نمود. در سال ۱۸۵۱ م. به خدمت سربازی شتافت و در جنگ‌های قفقاز- روسیه شرکت نموده، شجاعت بی‌نظیری از خود نشان داد. نام او به سبب درج گزارش‌های واقعی از صحنه‌های نبرد - در کتاب خودش به نام «قصه‌های سواستوپل» - به عنوان نویسندهٔ چیره‌دست روسیه به ثبت رسید. وی پس از سقوط شهر سواستوپل در سال ۱۸۵۵ م. از خدمت نظامی استعفا داد و به کار نویسنده‌گی پرداخت.

تولستوی، توجه و علاقهٔ وافری به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان داشت. از همین سبب او در سال ۱۸۵۷ م. به مدت پنج سال از کشورهای اروپای غربی بازدید نموده و با مشاهیر اروپا؛ مانند: چارلز دیکنز و فریدریش فروبل، دیدار به عمل آورد. دیدار او با ایوان تورگنیف نویسندهٔ روس حائز اهمیت بوده است؛ پس از بازگشت به کشورش، براساس تجارب نوآموخته، دست به یک رشته اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکاتب ابتدایی در روستاها پرداخت.



او در نامه‌یی به یکی از خویشاوندانش - که اداره امور دربار و نظارت املاک تزار روسیه را به عهده داشت - چنین نوشت: «هرگاه به مکتب قدم می‌گذارم، با مشاهده چهره‌های تکیده، موهای ژولیده و برق چشمان این کودکان فقیر، دست‌خوش ناآرامی و هیجان می‌شوم و همان حالتی به من دست می‌دهد که بارها از دیدن شراب‌خواران مست بر من مستولی شده است. ای خدای بزرگ! چگونه می‌توانم آن‌ها را نجات دهم؟ نمی‌دانم به کدامین یک کمک کنم. من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم و نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟»

تولستوی در سال ۱۸۶۲م. با یک دختر هژده ساله آلمانی به نام «سوفیا» ازدواج کرد و سال‌ها پس از آن، یعنی در سال ۱۸۸۱م. به همراه خانواده‌اش به مسکو رفته در آن‌جا اقامت گزید. آنگاه دست به نگارش شاهکارهای برجسته‌یی به نام «جنگ و صلح» و «آناکارنینا» زد، که نگارش رمان «جنگ و صلح» پنج سال را در بر گرفت. پشتیبانی همسر جوانش از فعالیت‌های ادبی تولستوی، که به روایتی ۱۴۰۰ صفحه از پیش‌نویس جنگ و صلح را بیش از هفت بار پاک‌نویس کرده است، شایسته یادآوری و تقدیر می‌باشد. این دو رمان، وی را به مثابه شخصیت شکوهمند ادبی در جهان معرفی کرد.

او همواره دچار وسواسی عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد و این همان دغدغه مقدسی است که هر نویسنده متعهدی نسبت به جامعه‌اش دارد، که مبدا حرف‌های شایسته را نگفته، مرگ به سراغش آید. اتفاقاً ترس از همین دغدغه پررمز و راز، او را به بستر بیماری افکند؛ طوری که در آخرین روزهای حیات خود به اتفاق طبیب خانواده‌گی و دختر کوچکش، همسر خود را ترک کرده به سوی جنوب روسیه مسافرت نمود. این آخرین سفر تولستوی بود که (به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی) در ایستگاه راه‌آهن «آستاپوفو» به پایان رسید. دو روز بعد او را در زادگاهش به خاک سپردند.

تولستوی به حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترام او سکه طلایی را به نامش ضرب زده اند.

**آثار تولستوی:** از تولستوی آثار بسیاری بر جا مانده است که همه آن‌ها به زبان‌های مختلف در جهان ترجمه و منتشر شده و از تعدادی آن‌ها فلم ساخته شده است. مهم‌ترین آثار او قرار زیر است:

- ۱- جنگ و صلح
- ۲- آناکارنینا
- ۳- رستاخیز
- ۴- اعتراف
- ۵- بهترین داستان‌های کودکان و نوجوانان
- ۶- شیطان
- ۷- هنر چیست؟
- ۸- خداوند حقیقت را می‌بیند؛ اما صبر می‌کند
- ۹- محکوم بی‌گناه
- ۱۰- پول و شیطان

ایوان تورگنیف: ایوان سرگیویچ تورگنیف (۹ نوامبر ۱۸۱۸ - ۳ سپتامبر ۱۸۸۳) رمان‌نویس، شاعر و نمایشنامه‌نویس روسی بود که نخستین بار توسط او کشورهای غربی با ادبیات روسی، آشنا شدند. آثار او تصویری واقع‌گرایانه و پرعطوفتی است از دهقانان روس و بررسی تیزبینانه‌یی از طبقه روشنفکر جامعه روسیه که می‌خواستند کشور را به سمت عصر نوین سوق دهند.

فریدریش فروبل: دانشمند پیداگوژی سوئیسی که در قرن نهم می‌زیست. او از جمله بنیان‌گذاران آموزش کودک‌محوری بود که باغچه کودکان را برای بازی و شادی آن‌ها راه انداخت. باغچه کودکان جایی است که کودکان با مهربانی و دوستی، بازی و شادی، پرورش می‌یابند.

ژان ژاک روسو: ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) متفکر فرانسوی، در قرن هجدهم و اوج دوره روشنگری اروپا می‌زیست. اندیشه‌های او در زمینه‌های سیاسی، ادبی و تربیتی، تأثیر بزرگی بر معاصران گذاشت. نقش فکری او که سال‌ها در پاریس به سر برد، به عنوان یکی از راه‌گشایان آرمان‌های انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست.

پوشکین: الکساندر سرگیویچ پوشکین شاعر و نویسنده روسی سبک رومانتیزم است. او در ۶ جون ۱۷۹۹ میلادی در شهر مسکو چشم به جهان گشود و در ۱۰ فبروری ۱۸۳۷ در «سن پترزبورگ» درگذشت. او بنیان‌گذار ادبیات روسی مدرن به حساب می‌آید و برخی او را بزرگ‌ترین شاعر زبان روسی می‌دانند.

لومونوسوف: میخائیل لومونوسوف دانشمند روسی در سال ۱۷۱۱ میلادی در یک خانواده ماهی‌گیر به دنیا آمد و در سال ۱۷۳۵ م. درگذشت. او در اکادمی علوم پترزبورگ روسیه و دانشگاه ماربورگ آلمان درس خواند و مؤسس دانشگاه مسکو است که تا امروز به نام او یاد می‌شود.

## بیاموزیم

- ۱- لئو تولستوی نویسنده چیره‌دست روسی در نهم سپتمبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانواده متمول و سرشناس پا به عرصه هستی نهاد.
- ۲- تولستوی دست به یک رشته اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکتب‌های ابتدایی در روستاها پرداخت.
- ۳- تولستوی در نامه خویش نوشته بود: «ای خدای بزرگ!... من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم، نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟»
- ۴- تولستوی به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی در ایستگاه راه آهن «آستاپوفو» درگذشت و دو روز بعد او را در زادگاهش به خاک سپردند.
- ۵- تولستوی به حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترام او سکه طلایی ضرب زده اند.



### • نامه‌های عاطفی

نامه‌های دیگری نیز رایج است که منظور از آن‌ها بیان مطالبی کوتاه در موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص است. این نامه‌ها به سازمان و اداره خاصی نوشته نمی‌شود؛ ولی به دلیل شکل خاصی که دارد، از نوع نوشته‌ها و نامه‌های رسمی است که باید بسیار کوتاه، صریح و محترمانه نوشته شود.

در تمام این نامه‌ها باید دقت کرد که زیباترین و گویاترین کلمه‌ها و تعبیرها ضمن کوتاه‌ترین جمله‌ها ادا شود؛ مانند نامه تبریکی به مناسبت‌های مختلف چون: ازدواج، یکی از عیدهای دینی، جشن‌های ملی یا مذهبی، تولد، پیش‌آمدن موفقیتی در زنده‌گی، پیشرفت مهمی در یکی از مراحل تحصیلی و منصوب شدن فردی به یک مقام اداری مهم، تسلیت‌نامه،

سپاس نامه، دعوت نامه، پیام های کوتاه و یادداشت هایی که برای دیگران فرستاده می شود.

برخی از این گونه نامه ها قرار زیر است:

۱- تبریک نامه

۲- تسلیت نامه

۳- سپاس نامه

۴- دعوت نامه (شامل: دعوت نامه عمومی، خصوصی، شخصی و اداری)

۵- نامه سرگشاده

و نامه های زیر بیشتر از طرف ادارات صادر می گردد:

۱- تقدیر نامه ۲- تحسین نامه ۳- اخطار نامه و....

## کار گروهی و سخنرانی

- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه های تولستوی صحبت

نموده، سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.

- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و شرح دهد که دولت، سازمان های اجتماعی و

مردم چه نوع برنامه هایی را روی دست بگیرند تا ما نیز در آینده نویسنده گان برجسته ای

داشته باشیم.



## املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به

خوانش می گیرد در کتابچه های

تان بنویسید.

۲- شاگردان در مورد به تصویر

در کتابچه های خود چند سطر

بنویسند.



- ۱- چرا نام تولستوی به عنوان نویسندهٔ چیره‌دست روسیه به ثبت رسید؟
- ۲- در مورد الکساندر پوشکین چه می‌دانید؟
- ۳- چند اثر تولستوی را نام ببرید.
- ۴- چرا تولستوی همواره دچار وسواس عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد؟
- ۵- تولستوی در نامهٔ خود به یکی از خویشاوندانش چه نوشت؟
- ۶- نامه‌های عاطفی چگونه نامه‌هایی را می‌گویند؟

## کارخانه‌گی



- ۱- یک نمونهٔ سپاس‌نامه را به عبارت خود و مطابق به قواعدی که خواندید، بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید.  
غرق وحدت باش اگر آسوده خواهی زیستن  
ماهیان را هر چه باشد غیر دریا، آتش است  
بیدل
- ۳- متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

پاسخ پرسش‌های زیر را از شاگردان بپرسید:

- ۱- منهای سراج کی بود؟
- ۲- درباره طبقات ناصری چه می‌دانید؟ بیان دارید.
- ۳- منهای سراج به چند زبان شعر می‌سرود؟
- ۴- پیرامون اسلوب نگارش منهای سراج در طبقات ناصری چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

### طبقات ناصری و مؤلف آن

طبقات ناصری یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های تاریخی زبان فارسی دری است که تقریباً هفت قرن پیش در حدود سال ۶۵۸ ه. ق. به قلم یکی از دانشمندان خبیر افغانستان قاضی منهای سراج جوزجانی نوشته شده و تصحیح، مقابله و تحشیۀ آن توسط دانشمند بزرگ عبدالحی حبیبی صورت گرفته است که از حیث سلاست، روانی و انشا کم‌نظیر است این اثر در ضبط وقایع تاریخی و مشاهدات خود مؤلف، از جمله آثار برجستۀ تاریخی به شمار می‌رود و منبع یا مأخذ مفید و پرارزش در مورد وقایع اواخر عهد غزنویان و دورۀ مغول، به خصوص حوادثی که در شرق خراسان تا حوزه سند به وقوع پیوسته است به شمار می‌رود. این کتاب تاریخ عمومی عالم است که حاوی بیست و سه قسمت بوده و در مورد استیلای مغول از آغاز تا فتح بغداد می‌باشد.

نثر کتاب طبقات ناصری برخلاف آثار نوشته‌شده معاصر آن که به نثر مصنوع متکلف نگاشته شده اند، ساده، سلیس، روان و استوار است. واژه‌های مغولی که داخل زبان و ادبیات دری گردیده، بار نخست در همین کتاب ذکر گردیده است. مؤلف کتاب طبقات ناصری ابوعمر منهای‌الدین عثمان بن سراج‌الدین جوزجانی از جمله نویسندگان مشهور عصر خویش بود که از اهل جوزجان بوده و در هند می‌زیسته و سفرهایی به افغانستان امروزی داشته و بسیاری از اتفاقات مهم آن زمان را به چشم خویش دیده و نگاشته است.

نیاکان منهای سراج سال‌ها در دربار شاهان غزنوی در غزنه، غور و لاهور، موقوف‌های بلند سیاسی

داشتند. پدرش سراج محمد سام غوری در غور بود و به وظایفی چون قضای ممالک و خطابت و کل امور شرعی رسید.

دوره کودکی و نوجوانی منهاج السراج در فیروزکوه مرکز غور به فراگیری درس‌های مقدماتی گذشت، قرآن کریم را در سن هفت ساله‌گی نزد امام علی غزنوی آموخت. منهاج السراج در دربارهای زیادی از شاهان آن دوره چه در خراسان و چه در هند، وظایف مهمی را به عهده داشت.

منهاج السراج از تصوف بهره کافی داشت و اهل وجد و سماع بود و به دو زبان فارسی دری و عربی تسلط داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود. از اشعار دری وی جز چند قطعه و قصیده که در طبقات ناصری و تذکرة الاولیا ذکر گردیده است، موجود نیست. اثر منظوم وی که در مورد پیروزی ناصرالدین محمود پسر شمس‌الدین التمش در جنگ با هندوان در قلعه تل‌سنده سروده بود، اکنون به دسترس نیست.

منهاج السراج سبب خدمات بی‌شایبه به مقام‌هایی؛ چون قاضی‌القضات کل هندوستان و حکومت دهلی رسیده بود. از طرف سلطان، لقب صدر جهانی یافت؛ هر چند در مورد اواخر زنده‌گی وی معلومات دقیق در دست نیست؛ اما به احتمال قوی که در اواخر عمر نیز در دهلی قاضی‌القضات هند بوده و به حرمت و شوکت، زنده‌گی می‌کرده است.



\* منهاج: راه راست، راه روشن و آشکار، منهاج جمع.

\* نثر ساده، نثری است که سجع نداشته باشد و کلمه‌های آن آزاد و خالی از قید خاص باشد. در این نوع نثر، نویسنده مقاصد خود را در کمال ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی می‌نویسد.

\* نثر مصنوع دو نوع است:

الف) نثر مسجع یا موزون که جمله‌ها و عبارت‌های آن در قرینه دارای سجع بوده و سجع در این نوع نثر، به منزله قافیه در شعر است.

ب) نثر متکلف یا فنی که این نثر ترکیبی از دو نوع نثر مرسل و مسجع است که در آن لغت‌های، ترکیب‌ها، مثل‌ها، روایت‌ها، آیات شریف، اصطلاحات و تعبیرات زیادی نیز به کار رفته است.

## بیاموزیم

- ۱- طبقات ناصری یکی از مهم‌ترین و معروفترین کتاب‌های تاریخی زبان دری است.
- ۲- طبقات ناصری حدود هفت قرن پیش، به قلم یکی از دانشمندان خبیر افغانستان، قاضی منه‌اج السراج جوزجانی نوشته شده است.
- ۳- منه‌اج السراج ضمن نویسنده‌گی به دو زبان دری و عربی تسلط داشت و شعر می‌سرود.
- ۴- منه‌اج السراج مؤلف طبقات ناصری از جوزجان افغانستان بود.



### • نمونه‌هایی از نامه‌های عاطفی

تبریک‌نامه: در اصطلاح به نامه‌یی گفته می‌شود که شادمانی نویسنده را در مورد رویداد شادی بخشی که برای گیرنده نامه پیش آمده است نشان دهد؛ مانند:

دوست عزیز و رفیق شفیقم، بهزاد!

موفقیت شما را در پایان رساندن تحصیلات عالی و نیل  
به درجه تحصیلی دکتورا تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم در مراحل  
دیگر زنده‌گی نیز همواره موفق و شادکام باشید و توفیق  
خدمت به مردم را به نحو احسن پیدا کنید.

دوست دیرینه ات مسعود

تسلیت‌نامه: نامه کوتاهی است که به هنگام مرگ کسی به بازمانده‌گان او می‌نویسند. تسلیت‌نامه  
نیز باید کوتاه و ساده نوشته شده و از تعارفات بی‌جا و یا درازنویسی در آن پرهیز شود؛ مانند:

همکار گرامی جناب آقای محمودی!

با قلبی اندوه‌بار وفات پدر بزرگوار تان را تسلیت عرض می‌کنم  
و از خداوند بزرگ خواهانم که به شما دوست عزیز، صبر  
عطا فرماید تا بتوانید این مصیبت جان‌گداز را تحمل نمایید.  
آن که در غم شما شریک است      کریم کیهان



سپاس نامه: به نامه‌یی گفته می‌شود که به موجب اجرای کار شایسته از طرف گیرنده نامه، به او داده یا فرستاده می‌شود؛ مانند:

شاگرد عزیز و نازنینم، غزال!

اشتراک شما در «مسابقات بین‌المللی ادبیات شاگردان مکتب‌ها» که در شهر پاریس کشور فرانسه برگزار شده بود و شما موفق به دریافت مدال طلا از آن جشنواره شده اید و به دست آوردن این مدال را برای شما و همه اعضای خانواده تان تبریک گفته و زحمات شما را قابل تقدیر فراوان می‌دانم. از این که افتخار بزرگی را برای افغانستان، به ویژه مکتب ما، به ارمغان آوردید، از شما صمیمانه اظهار سپاس می‌کنم و از خداوند متعال می‌خواهم توفیق بیشتری را در راه خدمت به وطن و مردم افغانستان نصیب تان سازد.

معلم مضمون دری شما

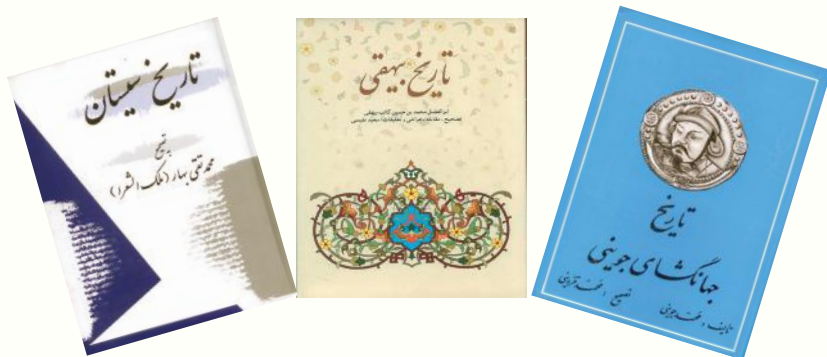
ناجیه

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت منهای سراج به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، در باره «طبقات ناصری» توضیحات لازم دهد.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویرهای زیر، پنج دقیقه به نوبت صحبت کنند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.



۲- در باره این تصویر، با در نظر داشت آنچه خواندید، در کتابچه‌های تان یک تبریک‌نامه بنویسید.



- ۱- در باره مولانا قاضی منهاج سراج معلومات دهید.
- ۲- طبقات ناصری و ناصری‌نامه نوشته کیست؟
- ۳- پیرامون اسلوب نگارش طبقات ناصری چه می‌دانید؟ بیان دارید.
- ۴- مسافرت‌های منهاج سراج را به کشورهای مختلف بیان دارید.
- ۵- مولانا منهاج سراج به چند زبان شعر می‌سرود؟
- ۶- سعید نفیسی در باره طبقات ناصری و نویسنده آن چه گفته است؟ بیان دارید.
- ۷- تبریک‌نامه چه نوع نامه‌یی است؟

### کارخانه‌گی

- ۱- طبقات ناصری در چه موردی نگارش یافته است؟ بیان دارید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
دو عاقل را نباشد کین و پیکار      نه دانایی ستیزد با سبکسار
- ۳- متن کامل درس را بخوانید و خلاصه آن را به همصنفان توضیح دهید.

## واژه‌نامه (لغت‌نامه)

### آ

آرام گرفتن، آرام شدن، آسودن، خوابیدن	آرمیدن
بندگاه میان ساعد و بازو، آرنج	آرنج
چین و چروک، چین و شکن	آژنگ
آمیخته، آلوده شده	آغشته
آرزوها، جمع امل	آمال

### الف

وار کردن، بی‌قدری و پستی و کهنه‌گی	ابتذال
جهد کردن، کوشش کردن، کوشیدن، در اصطلاح فقه استنباط مسایل	اجتهاد
شرعی از قرآن یا حدیث نبوی	
دوری، پرهیز، اجتناب	احتراز
شرم داشتن، حیا کردن، صاحب خدم و حشم شدن، حشمت، بزرگی، جاه و جلال یافتن	احتشام
سنگ‌های قیمتی، گوهرها؛ مانند: الماس، زمرد و فیروزه	احجار کریمه
مختصر کردن، و کوتاه کردن سخن	اختصار
اقرار، اعتراف	اذعان
اقدام به کار نامشروع کردن، کاری انجام دادن	ارتکاب
راضی کردن خوشنود کردن، دادن چیزی به کسی تا خوشنود شود.	ارضا
آماده‌گی، توانایی کاری را داشتن	استعداد
گوش دادن، شنیدن	استماع
دوام، جریان	استمرار
استخراج، بیرون آوردن چیزی، دریافتن امری به قوه فهم و اجتهاد خود	استنباط
مشغول شدن، سرگرم شدن به کاری	اشتغال
در بر داشتن، احاطه کردن	اشتمال
آرزومندی، شوق داشتن، آرزومند چیزی شدن	اشتیاق
با اصل بودن، اصل داشتن، اصیل بودن، نیک نژاد، نجابت	اصالت
اهتمام ورزیدن به کاری، توجه داشتن به امری یا کسی	اعتنا
روانه کردن، گسیل داشتن، فرستادن کسی به جایی	اعزام
کفایت کردن، بس کردن، بس دانستن، بسنده شدن	اکتفا
کیمیا، در اصطلاح کیمیاگران: جوهری که ماهیت جسمی را تغییر دهد؛ مثال: حیوه را نقره و مس را طلا کند. مجازاً هر چیز بسیار مفید و کمیاب	اکسیر
تاج، افسر، دسته	اکلیل
پیشوا، پیشرو، پیش‌نماز	امام
امانت‌دار، طرف اعتماد، درستکار، کسی که مردم به او اعتماد کنند	امین
جای ریختن و انباشتن غله یا چیزهای دیگر	انبار
جدا کردن سره از ناسره و خوب از بد	انتقاد
کجروی، منحرف شدن	انحراف

خو گرفتن، همدمی، خرمی	انس
آغاز کردن، آفریدن، پدید آوردن، از خود چیز گفتن	انشا
تحت ظلم قرار گرفتن	انظلام
تفوق، رجحان، برتری	اولویت

## ب

غرب	باختر
قدیمی، دیرینه، تاریخی	باستانی
آواز، فریاد	بانگ
آشکار کردن گله و شکایت، درد دل کردن	بث الشکوی
آشفته گی و تغییر حالت	بحران
آشکار و هویدا	برملا
برتری، تفوق، بلندی، بزرگواری در علم، فضل و کمال	براعت
برق دار، درخشان، تابان، بسیار درخشنده	براق
اصیل و نجیب زاده	برلاس
مخفف بیرون	برون
لطیفه گو، ظریف	بزله گو
جشن و مهمانی، مجلس عیش و عشرت	بزم
تنظیم و آماده گی نیروی نظامی	بسیج
برانگیختن، فرستادن	بعثت
کینه، دشمنی، عداوت	بغض
نصب، حصه، قسمت، فایده	بهره
جنت، فردوس، باغ	بهشت
بدون توقف یا بدون تأخیر	بی درنگ

## پ

صاف کردن، صافی کردن، تصفیه	پالایش
----------------------------	--------

## ت

اندیشه کردن، فکر کردن، دوراندیشی، دقت کردن در امری	تأمل
بعضی را بر بعضی ترجیح دادن	تبعض
مخفف تباه	تبه
تنهایی و کناره گیری، ترک علایق و اغراض دنیوی کردن و به طاعت و عبادت پرداختن	تجريد
حاکم گردانیدن کسی را در کاری یا امری، استوار کردن	تحکیم
تجزیه، حل کردن، گشودن	تحلیل
تغییر و دگرگونی	تحول
سبک کردن، کاستن، مختصر ساختن کلمه با کم کردن یکی از حروف	تخفیف
راغب کردن، به رغبت آوردن، خواهان کردن، تشویق کردن	ترغیب
اشاره کردن، شرمنده ساختن، شرمساری، آشوب و اضطراب	تشویر
زاری کردن، خواری و فروتنی کردن	تضرع
مطلبی را بیان کردن، منظر و مقصود خود را به عبارتی بیان کردن، معنا و تفسیر خواب را گفتن	تعبیر

تعلیم	بزرگ داشتن، احترام کردن
تفرید	یاد دادن، آموزاندن
تفکر	کناره‌گیری کردن، گوشه‌گرفتن و دوری‌گزیدن از مردم
تکلف	اندیشیدن، به فکر و اندیشه فرو رفتن
تهنیت	رنج و سختی بر خود نهادن، به خود رنج دادن
	تبریک

## ث

ثری خاک، زمین

## ج

جامع	جمع‌کننده، هر چیز تمام و کامل
جثه	بدن، تن
جعبه	صندوق
جلال	بزرگی، بزرگ شدن، بزرگواری، عزت و شکوه
جلیل	بزرگ و با عظمت

## چ

چاپ‌انداز	پهلوانی که بزکشی می‌کند
چیره‌دست	زبردست، هنرمند، ماهر، چیره‌دستی، زبردستی

## ح

حاوی	دربدارنده، مشمول
حجة الاسلام	دلیل و رهنما و پیشوای مسلمانان، لقب یا عنوان برای مجتهد بزرگ
حجم	آن‌چه که دارای اندازه و مقداری باشد، مقداری از فضا که در تصرف جسم باشد.
حدیث	نو، جدید، سخن، قول و فعل و تقریر پیامبر آخرالزمان
حسرت	دریغ، افسوس
حفریات	کندن کاری، کندن زمین
حلل	جمع حله، جامه، لباس نو
حماسه	حماسه، شجاعت و دلاوری
حیطه	دایره، احاطه شده

## خ

خاور	شرق
خیبر	آگاه و دانا، شخص بسیار آگاه و ماهر در کاری، خبرا جمع
خدنگ	تیر راست و بلند، چوب سخت و محکم
خردمند	باخرد، با عقل
خرقه	پارهی از لباس، جبّه مخصوص صوفیان و درویشان
خفه	گلو فشرده، کسی که دچار حالت خفه‌گی شده باشد
خُلَاقان	جمع خلق، به معنای کهنه، جامه‌های کهنه

## د

داغ	نشان، لکه، غم و اندوه و درد و رنج و به معنای بسیار گرم و سوزان نیز آمده است
دد	جانور درنده؛ مانند: شیر، پلنگ و گرگ
درا	زنگ، زنگ بزرگ که بر گردن چهارپایان بندند

درنگ	توقف، تأخیر
دموکراسی	مردم‌سالاری
دوشادوش	شانه به شانه
دی	دیروز
دین	ملت، مذهب، کیش، آیین
دیو	موجود خیالی و افسانه‌یی زشت و مهیب
ذ	
ذبح	گلو بریدن، سر بریدن گاو یا گوسفند
ذل	ذلت و خواری، ذلیل شدن، خوار شدن، پست و زبون شدن
ذواللسانین	کسی که به دو زبان تکلم کند، نثر بنویسد و شعر بگوید
ر	
رؤیا	خواب
رثا	گریستن بر مرده و برشمردن نیکویی‌های او، شعر گفتن در بارهٔ مرگ
رزم	جنگ، نبرد، پیکار
رسانه	هر وسیله‌یی که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند؛ مانند: رادیو، تلویزیون و روزنامه
رستخیز	به پا خاستن، جنبش، قیام، قیام عمومی، به معنای روز حشر و قیامت نیز آمده است.
رسول	فرستاده
روضه	باغ و گلستان، گلزار، سبزه‌زار، مرغزار
ز	
زمزمه	ترنم کردن، آواز خواندن یا دعا خواندن آهسته، سخن گفتن زیر لب
زیور	هر چیزی که با آن چیز دیگر را بیارایند، زینت، آرایه، آرایش
س	
سبک	ریخت و طرز و روش
سپهر	آسمان، فلک
ستاندن	گرفتن
ستور	استور، چهارپا؛ مانند: اسب، شتر و...
سجایا	جمع سجیه به معنای خلق، خوی، طبیعت
سحر	جادو کردن، جادو، افسون
سدره	پیراهن بی‌آستین با یخهٔ گشاد که از ململ سفید دوخته می‌شود
سراج	چراغ
سرادق	سراپرده، خیمه
سُرایش	سرودن، سرود خواندن، سراییدن، شعر خواندن، شعر گفتن، آواز خواندن، سراینده‌گی، آوازخوانی
سرشار	لبریز، پر، لبالب
سرشت	خوی، نهاد، طینت، فطرت
سعایت	سخن‌چینی، بدگویی
سلاله	نسل، فرزند، نطفه
سمبول	نشانه، نشان، علامت، اشاره، رمز، نماد، نمونه

سود و زیان	نفع و ضرر، فایده و نقصان
سوق	راندن، رهنمون شدن
سیاحت	جهانگردی، گردش کردن در شهرها و کشورها
	ش
شاخص	بلند، برآمده، مرتفع، ممتاز
شالوده	بنیاد، پی دیوار، طرح و نقشه، اساس
شامخ	بلند، مرتفع
شاهکار	کار بزرگ و نمایان، کاری که در آن هنرنمایی کرده باشند
شرافتمند	باشرف، بزرگوار، بزرگ و عالی قدر
شرحه	قطعه گوشت، پاره گوشت، شرحه شرحه به معنای پاره پاره، قطعه قطعه
شرنگ	سم، زهر، هر چیز تلخ، حنظل
شکیب	صبر و آرام
شوق	آرزو، رغبت
شیفته	آشفته، عاشق، دلباخته
شیوا	بلیغ، رسا
	ص
صهبا	خمر، شراب، انگوری که مایل به سرخی باشد
صوفی	پشمینه پوش، کسی که پیرو طریقه تصوف باشد
	ط
طامع	طمع کننده، طمع دارنده، طمع کار، حریص، آزمند
طرد	راندن، دور کردن
	ظ
ظلم	ستم، جور، بیداد
	ع
عارف	شناسنده، دانا، صبور، شکیبا، حکیم ربانی خداشناس، عرفا جمع
عبا	جامه گشاده و بلند که روی لباس های دیگر به دوش می اندازند
عتیقه	کهنه، دیرینه، قدیمه
عجولانه	باعجله، باشتاب
عدالت	دادگری
عرش	تخت، سریر، خیمه، سایبان
عزا	سوگ و ماتم
عزت	عزیز شدن، گرامی شدن، ارجمند شدن
عشاق	عاشقان، شیفته گان، جمع عاشق
عصمت	پاکدامنی، نگاهداری نفس از گناه
عطوفت	محبت، مهربانی، دوستی
عفیف	پاکدامن
عقلمند	خردمند، یا عاقل
علامه	بسیار دانا، دانشمند
عمامه	لنگی، دستار

غ	غفیر غلو غنا	کثیر، بسیار، جم غفیر: جماعت بسیار از ضعیف و شریف و کوچک و بزرگ از حد در گذشتن، تجاوز کردن از حد، زیاده‌روی در کاری آواز خوش، سرود
---	--------------------	--

ف	فلاکت فی البدیهه فیوض	بیچاره‌گی، بدبختی، ناداری و خواری، فلک‌زده‌گی ناگهانی، بدون طول تفکر سخن گفتن یا شعر گفتن، شعر و سخنی که بدون تأمل گفته شود. جمع فیض، برکت
---	-----------------------------	--

ق	قاصد قانع قرین قلماسنگ قناعت قوافی قونیه	قصه‌کننده، آهنگ‌کننده، نامه‌بر، پیک قناعت‌کننده، راضی و خشنود نزدیک، همدم، همسر، یار، مصاحب فلاخن راضی و خرسند به قسمت خود بودن، راضی شدن به کم، صرفه‌جویی جمع قافیه نام جایی است در استان بول ترکیه که مرقد مولانا جلال‌الدین بلخی در آنجاست
---	--	---

ک	کاستی کاشوب کامروز کانون کبری کبریا کزی کنایه کوله‌بار	کاهش، کمی مخفف که آشوب به معنای شور و غوغا، انقلاب، شورش مخفف که امروز آتش‌دان، آتش‌خانه، کوره، مرکز بزرگ عظمت و بزرگی کجی، خمیده، خم کنایت، گفتن لفظی یا سخنی که بر غیر معنی اصلی خودش به معنی و مدلول دیگری دلالت کند؛ مانند: کاسه سیاه یا سیه کاسه به معنی بخیل و خسیس پشتواره، باری که به پشت می‌برند
---	--	--

گ	گوهر	اصل، نژاد و نیز به معنی سنگ گران‌بها؛ از قبیل: مروارید، الماس، یاقوت، فیروزه و امثال آن‌ها، گهر هم گفته شده و به عربی جوهر می‌گویند
---	------	---

ل	لاینفک لطافت	جدایی‌ناپذیر نرمی و نازکی، سخن نرم و نیکو
---	-----------------	--

م	مؤسس میدول مُبیین متجدد	تأسیس‌کننده، بنیان‌گذار بذل شده، بخشیده شده بیان‌گر، بیان‌کننده کسی که آداب و رسوم تازه را کسب کرده باشد
---	----------------------------------	---



متداول	معمول، مرسوم، مروج
مترجم	کسی که سخنی را از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند
متصوف	صوفی
متضمن	دربردارنده، شامل
متمادی	مدت‌دار، دائمی، همیشه‌گی، دراز
مثنی	دو دو، دوگان دوگان، دوتا دوتا
مجتهد	کوشش‌کننده، عالمی که در علم فقه به درجهٔ اجتهاد رسیده و مسایل شرعی را از قرآن و حدیث استنباط کند
مجسم	چیزی که به صورت جسم در آمده و جسمیت پیدا کرده باشد، هر چیزی که دارای طول و عرض باشد
محتشم	باحیا، باحشمت
محتوا	فروگیرنده، مشمول
محرر	نویسنده، کاتب
محسوس	حس شده، چیزی که وجود و اثر آن احساس شود
محشور	گرد هم جمع شده، همدم، همراه، هم‌صحبت
محقق	تحقیق‌کننده، اهل تحقیق، کسی که به حقیقت چیزی برسد، بازجو
مدح	وصف، صفت، تعریف
مدرنیت	سبک جدید، چیز تازه
مدقق	دقت‌کننده، کسی که در امری دقت و باریک‌بینی کند
مدنی	منسوب به مدینه، متمدن
مرصع	جواهرنشان، چیزی که در آن جواهر نشانده باشند
مزوج	جفت، دو تایی
مستغنی	بی‌نیاز، ثروتمند، توان‌گر
مستورات	زنان در پرده، زنان پاکدامن و پارسا
مسلط	تسلط‌یافته، پیروز، چیره، برگمارده شده
مشحون	پر شده، مملو، انباشته شده
مشرف	شرف یافته، بلندپایه و بزرگ شده
مصاحب	هم‌صحبت
مصحح	تصحیح‌کننده، ویراستار، اصلاح‌کنندهٔ سخن و کلام
مصلح	اصلاح‌کننده، به صلاح آورنده، نیکوکننده، آشتی‌دهنده، شایسته و نیکوکار
مضطرب	پیشانی، دچار اضطراب، آشفته و لرزان
معاشرت	باهم زنده‌گی کردن، با یکدیگر دوستی و آمیزش داشتن
معذور	عذر آورده، دارای عذر
معلول	چیزی که آن را به علت و سبب ضروری آن ثابت کرده باشند؛ به معنای بیمار و غلیل هم می‌گویند
مغلق	بسته شده، پیچیده
مغلوب	شکست خورده، آن که بر وی چیره شده باشد
مفاخر	جمع مفخره، آن چه مایهٔ فخر و نازیدن باشد
مقتدر	دارای قدرت، توانا

ملحوظ	ملاحظه شده، خاطر، دیده شده، به دنباله چشم نگریسته شده
مناظره	در امری بحث و گفتگو کردن
منت	نیکویی و احسان
منتقد	انتقادکننده، کسی که نوشته یا کتابی را مطالعه و نواقص آن را بیان کند
منعکس کننده	بازتاب دهنده، انعکاس دهنده
منقبت	توصیف، مدح و ستایش
منهاج	راه راست، راه روشن و آشکار، مناهج جمع
منوال	اسلوب، روش
موج	جنبش و چین خورده گی سطح آب که در اثر وزش باد و توفان یا افتادن چیزی در آب پیدا می شود.
مؤرخ	تاریخ نویس، کسی که تاریخ بداند و وقایع جهان را ثبت و ضبط کند
مولود	زاییده شده، نوزاد

## ن

نارنگ	نارنج
ناهنجار	کج و نامنظم، زشت و ناپسند، بی راه و نامناسب
نحوه	روش، راه، مثل، مانند، جهت، جانب، قصد
نسج	بافتن، بافت، بافته شده
نعت	وصف کردن کسی یا چیزی را به نیکی
نعش	جنازه، تابوت، میت
نفخ	دمیدن با دهان، پف کردن، باد کردن و نیز به معنای فخر و تکبر
نفیر	بوق، به معنی ناله و زاری و فریاد نیز گفته شده است
نوابغ	جمع نایغه، کسی که دارای هوش و استعداد فوق العاده باشد
نوحه	گریه و زاری و شیون بر مرده، مویه
نیابت	جانشینی، قائم مقامی
نیرو	توان و طاقت و زور

## هـ

همجوار	همسایه
همدردی	شریک غم و درد دیگری شدن
هواخواه	مشتاق، آرزومند، حامی، طرفدار، یار و دوست
هیأت	حال و شکل و صورت، کیفیت و شکل و صورت چیزی، به معنی عده و دسته یی از مردم
هیئات	اسم فعل، یعنی دور است، در زبان دری در مقام افسوس و حسرت نیز می گویند.

## و

ودیعہ	ودیعت، سپرده شده، مالی که امانت نزد کسی بگذارند، سپرده، ودایع جمع
ورزش	کارپایی، پیایی کردن کاری برای تمرین و عادت، حرکت دادن پیایی
وصی	اعضای بدن برای تقویت اعصاب و عضلات، برزش و برزیدن هم گفته شده است. کسی که وصیت کننده او را برای اجرای وصیت خود تعیین کند، کسی که به او اندرز و سفارش شود

## ی

یاور	یارور، یادی ور، مددکار
یحیی و یمیت	زنده می گرداند و می میراند